
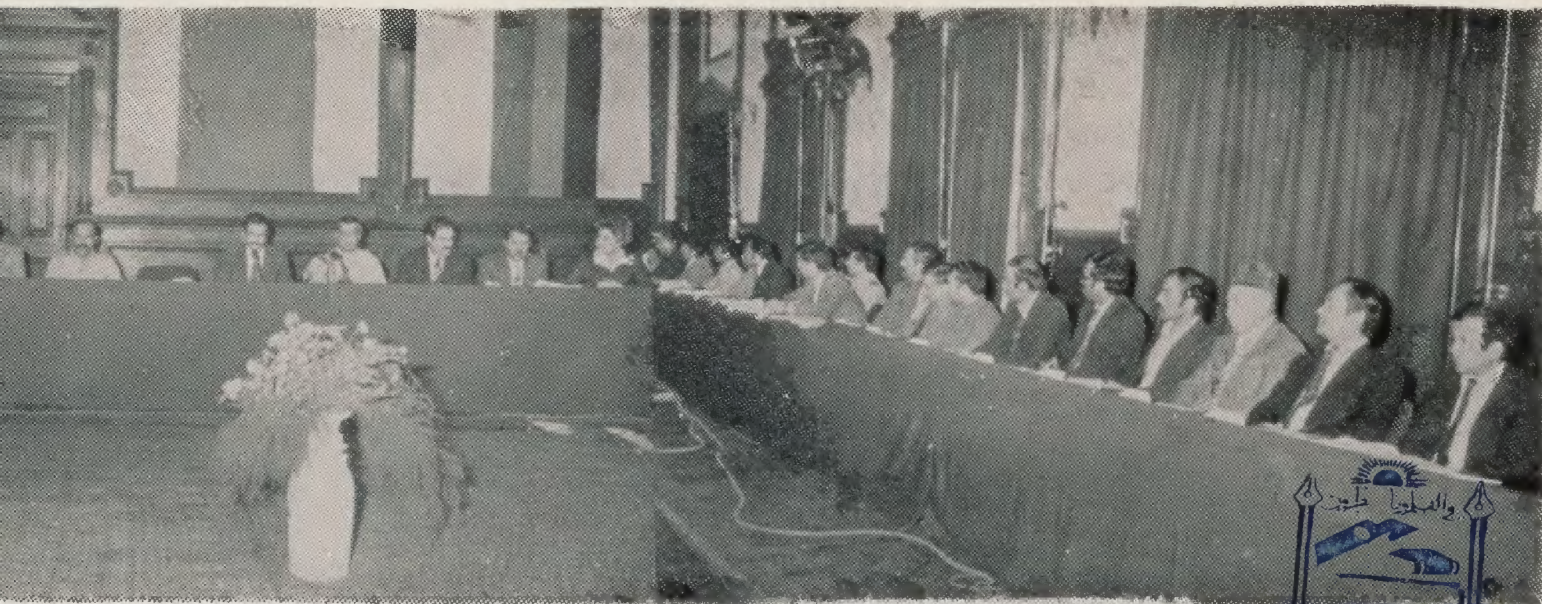


A black and white photograph showing a group of men, some in military uniforms, standing behind a vehicle. A circular stamp in the bottom right corner reads "NOV 1944" and "ORD".

U.S. HOUSE OF CONGRESS
6
NOV 16 1981
CONT. COPY
ORDER DIVISION

RIS (1)


 کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
 کتاب پس منبر



نمایی از نخستین



د افغانستان د خلک دموکراتیک گوند د مرکزي کمیټې د کارمل د خاندنوي ديوتن ساتنهن په سينه دويانې مدال څړوي .

جمهوريت د انقلابي شورا رئيسه هيات د انقلابي شورا په مقر كي غونډه وكړه .

د افغانستان د خلک دموکراتیک گوند د مرکزي

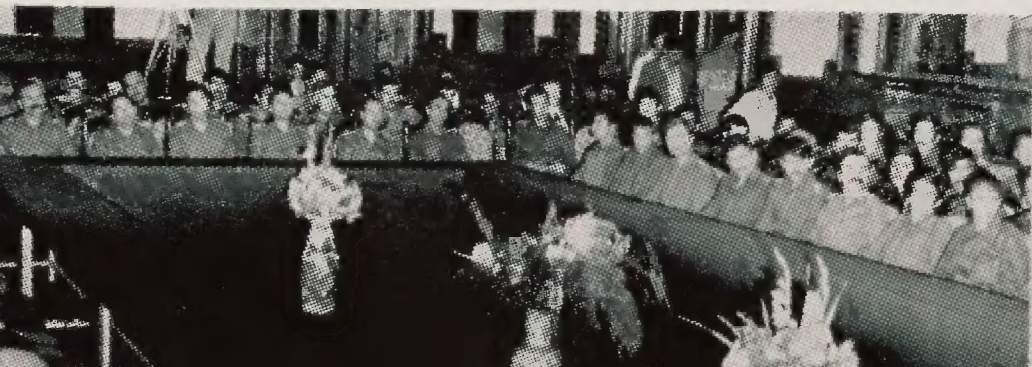
کميټې عمومي منشي او د افغانستان د دموکراتیک گراتيک جمهوريت د انقلابي شورا رئيس بېرک کارمل د ۲۳ نيټه مازيگر د خاندنوي هغه قهرمان افسران، ساتنهنان او سرتيري پداسي حال كي چي د کورنيو چارو وزير سيد محمد ملام زوي او د کورنيو چارو دوزارت د سياسي چارو لوي رئيس ډاکتر فاروق حاضر وو د دلکشا په ماني كي ومنل چي د ثور انقلاب دارزېستونو د دفاع او په هيواد كي د امنيت د تايمين په لاره كي په سرتېرنه نې سره جنگيدلي دي او دهغوي په سينو باندې يې دويانې نښانونه اومدالونه وڅړول .

تحت رياست بېرک کارمل منشي عمومي کميټه مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئيس شوای انقلابي جمهوري دموکراتیک

اقتصاد وفاقه

د افغانستان د خلک دموکراتیک گوند د مرکزي کمیټې عمومي منشي او د افغانستان د دموکراتیک جمهوريت د انقلابي شورا رئيس بېرک کارمل د ۲۵ نيټه مازيگر د افغانستان د خلک دموکراتیک گوند د مرکزي کمیټې د اقتصادي فانگي د گوندی مسئولينو د دوهم سيمينار پرځه وال د انقلابي شورا د مقر مملخاني په ماني كي ومنل له هغوي سره يې په يوه پوره دموکراتیکه فضا كي خبري وکړي .

د افغانستان د خلک دموکراتیک گوند د مرکزي کمیټې د عمومي منشي او د افغانستان د دموکراتیک جمهوريت د انقلابي شورا رئيسه هيات د صدر بېرک کارمل په مشري د ۳۰ نيټه غومي وروسته د افغانستان د دموکراتیک



رئيس بېرك كارمل له خواد مالي دآزادي
دكاليږي له امله د مالي دخلكو د دمو
اتحادبي دسر منشي او دهالي دجسم
جمهور رئيس جنرال موسي تروزي
بها كوته دمباركي تيلگرام مخابره ش

افغانستان دوره اول اجلاس عادي سال ۱۳۶۰
شورای انقلابی جمهوری دمو کراتیک افغا -
نستان ساعت چهار بعد از ظهر ۳۱ سنبله
در قصر دلکشا مقر شورای انقلابی دایسر
گردید .

دافغانستان دخلك دمو کراتیک گوند
کمیته دعومي منشي اود افغانستان
کراتیک جمهوريت د انقلابي شورا
بېرك کارمل له خوا د مکسیکو دملو
له امله دهغه هیواد دجمهور رئیس خو
پور تیلو په نامه مکسیکو سیتی ته
تیلگرام مخابره شویدی .
په دغه تیلگرام کی بېرك کارمل
دخلكو دزیاتي نیکمرغی لپاره خپلی
خرمندی کړیدی .

بېرك کارمل منشي عومي کمیته مرکزی
حزب دمو کراتیک خلق افغانستان و رئیس
شورای انقلابی جمهوری دمو کراتیک افغا -
نستان عصر ۲۳ سنبله هیات رهبری اتحادیه
نویسندگان اتحاد شوروی رادر مقر شورای
انقلابی برای ملاقات پذیرفتند .

دافغانستان دخلك د مو کراتیک
مرکزی کمیته دسیاسی بیرو غړی
اودیلار وطنی ملی جبهی دملی کمیته
داکتر صالح محمد زیری دسنبلې په
غرمی دمخه دلیکوالو او شاعرانو داتقا
یو شمیر غړیو سره دگوند د مرکز
په مقر کی وکتل .

دافغانستان دخلك دمو کراتیک گوند
د مرکزی کمیته دعومي منشي اود افغانستان
د دمو کراتیک جمهوريت د انقلابي شورا د

داکتر اناهیتا راتبیزادعضو بیروی
کمیته مرکزی حزب دمو کراتیک خلق
نستان و رئیس سازمان دمو کراتیک
افغانستان قبل از ظهر روزاول میزان
کثیری از زنان کارمیر فابریکه های
شهر کابل در سالون سازمان دمو
زنان افغانستان ملاقات نمود .



دافغانستان دخلك دموکراتیک گوند
بیرو غړی او دمرکزی کمیته منشي
نستان د دمو کراتیک جمهوريت داتقا
مرستیال نور احمدنور د میزان په ۲
پراگ ته هیواد ته راغی .

دافغانستان دخلك دموکراتیک گوند دمرکزی کمیته عومي منشي او د انقلابي شورا رئیس بېرك کارمل کله چه د انقلابي شورا په مقر د
په مای کی دگوند دمرکزی کمیته د اقتصادی خانگی دگوندی مسؤولینو ددوهم سیمینار دگوندکو له خوایی تودهرکلی کیری .



جمهوری دموکراتیک افغانستان .



«آنانیکه فکر می کنند که پیروزی در مبارزه بخاطر آینده شگوفان خود
بخود بدون کار و پیکار قهرمانانده ها و صدها هزار وطنپرست بدست
می آید سخت در اشتباه هستند.»

بیرک کارمل

شنبه ۴ میزان ۱۳۶۰ - ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۱

دشمنان ما محکوم به زوال اند

در یک انقلاب ملی و دموکراتیک ثور باسی را به زحمتکشان افغانستان و آنها را حاکم بر سر نوشت شان بر بات محکم و مرگباری را بر پیکر فیودالیزم و امپریالیزم وارد کرده به حکومت بی حد و حصر استبدادی که از قرنهای پیش بر ملت ستمیده گردیده بود خاتمه داد و افق های تابناکی را در برابر مردم رنج دیده و پروگرام های اقتصادی - اجتماعی از انقلابی ماکه در جهت رفاه و توده های میلیونی زحمتکشان ما و من عدالت اجتماعی و اعمار یک افغانستان شرفته و شگوفان طرح گردید و گام و سودمندی که در جهت تطبیق این ها بخاطر بهروزی و سعادت خلقهای ما و عمران و آبادانی، ترقی و تعالی کشیده ما برداشته شد و پیروزی درین زمینه نصب دولت انقلابی ما مذاق دشمنان انقلاب یعنی عناصر بسته به فیودالان داخلی و امپریالیزم خوش نخورده و آتش بجان عمه آنان آنها منافع آزمندانه و استثمار گرانه اثر انقلاب ثور از دست دادند و مردم زحمتکش ما از جنگال کشیف و آغشته و مرگان آدمخوار نجات یافت و برای یینه تغذیه آنان از خون و گوشت توده و مظلوم ما برداشته شد بناء همین شده تا دشمنان انقلاب و وطن

تجهیز و تسلیح گردیده و جهت تخریب - ترور و آدمکشی و غیره اعمال ننگین و ضد انسانی از خارج بر حریم کشور ما فرستاده میشوند تا بتوانند با انجام اعمال جنایت کارانه و شرم آور شان فضای زندگی و امنیت کشور ما را مختل نموده و به این ترتیب سدره انقلاب گردند مگر از آنجایی که مردم شریف و آزاده ما بدارک این واقعیت که انقلاب ثور و دست آوردهای آن متضمن یک زندگی آبرومند و سعادتمند برای آنان است و دیگر نمی خواهند که بار دیگر تحت مناسبات اسارت آور قرون وسطی و شبهه های استثمارداری آن زندگی نمایند، همواره از انقلاب و دست آورد های آن دفاع نموده و در پیروی قوای مسلح قهرمان - خارتلوی و دیگر نیروهای امنیتی کشور هر گونه مداخلات و تجاوزات دشمنان میهن شان را عقب زده و پلان ها و اهداف شوم آنها را نقش بر آب نموده اند همین پایداری و حمایت و پشتیبانی زحمتکشان ما است که انقلاب ثور در مقابل این همه توطئه و دسایس و مداخلات بیشرمانه دشمنان وطن همچون صخره استوار و پابرجاست.

از آنجایی که ارتجاع و امپریالیزم اکنون بصورت علنی و آشکار مداخلات خود را در امور داخلی مملکت بخشیده و نیرنگ های تازه یی را علیه انقلاب - میهن و مردم ما بکار می بندد و باند های اجیر و مزدور را با اسلحه نیرومند تجهیز و جهت انجام اعمال تخریبی - ترور و آدمکشی و جنایات ضد انسانی بر حریم کشور ما می فرستد تا زندگی آرام مردم ما را برهم زده و فضای کار صلح آمیز و فعالیت های

و امپریالیزم و محو طرد کامل اشرار ازدامان پاک وطن، صادر گردید که مورد استقبال گرم مردم زحمتکش ما قرار گرفت چنانچه مادر عمل دیدیم که بلا فاصله بعد از نشر مصوبه مذکور صدها هزار از هموطنان شریف ماکه واجد شرایط جلب و احضار بودند باشور و عشق و وطنپرستی به این خواست حزب و دولت انقلابی شان لبیک گفته و به صفوف قوای مسلح و خارتلوی کشور آگاهانه و داوطلبانه پیوستند. مصوبه شورای وزیران ج ۱۰۵۰ علاوه از آنکه مزایای زیادی داشته و تسهیلات لازم را برای هموطنان ما فراهم آورده و مشکلات شخصی و فامیلی آنها را در نظر گرفته است همچنان خط فاصلی را میان دوستان و حامیان انقلاب از یکطرف و دشمنان و ضد انقلاب از جانب دیگر کشیده و موضعگیری آنمسله کسان را که در برابر انقلاب موقف روشنی نداشته و در شک و تردید بسر میبردند مشخص و روشن ساخته است خوشبختانه خلاف توقع دشمنان و ضد انقلاب ما عملاء دیدیم که اکثریت توده ها و زحمتکشان میهن عزیز ما در سنگر دفاع از انقلاب و دولت انقلابی شان قرار گرفته و آدمایی شان را بخاطر هر نوع ایثار و فداکاری جهت حفاظت از ناموس وطن با احساس و وطنپرستی ابراز کردند.

تطبیق مصوبه و استقبال شعوری و آگاهانه مردم شریف و زحمتکش ما یکبار دیگر چشم دشمنان وطن را کور ساخته و باز نیرومند شدن قوای مسلح قهرمان ما روحیه دشمنان انقلاب تضعیف و ضد انقلاب در هر گوشه و کنار وطن به شکست اقتضاح آمیز و رسوایی و نابودی سوق داده

در این شماره



تطبیق اصلاحات دموکراتیک اهداف بزرگ انقلاب شکوهمند

می آموزیم و کار می کنیم برای

دیگر فریاد زن در گلوگاه تا

خون من فدایت باد، وطن

مساله محو تهدید نا بودی زمین بحیث یک وظیفه مبرم

خنکه گولای شو چه معیو کشور غری و گرزوو!

انقلاب مردم وطن و چپه

من هم یک انسانم

مارتین لوترکنگ رهبر سیاه

رسید

نهم سپتامبر یا روز سالگر

جمهوری

مطابق اصلاحات دموکراتیک ارضی یکی اهداف بزرگ انقلاب شکوهمند ثور است

همچنان به منظور تقدیر از کار روانی
های سران و مشران قبایل کشور که در امر
مبارزه علیه دشمنان انقلاب ثور و حفظ سر-
حدات وطن خدمات قابل قدری انجام داده‌اند
قطعات اضافی جریبی داخلی نصاب که در
تصرف آنها قرار دارند ملکیت قانونی آنها
محسوب می‌شود.

همین ترتیب قطعات زمین اضافی جریبی
داخل نصاب که در تصرف آن عده افسران
که در صفوف قوای مسلح خدمت انجام می-
دهند قرار دارد از نزدشان گرفته نشده در
اختیار آنها قرار می‌داشته باشد.

اینها و بسا نکات عمده دیگری که در فرمان
آخر هیأت رئیسه شورای انقلابی جمهوری
دموکراتیک افغانستان (ضمیمه نمبر اول
فرمان شماره هشتم شورای انقلابی جمهوری
دموکراتیک افغانستان) بچشم می‌خورد
این حقیقت عمده و انکارناپذیر را به اثبات
می‌رساند که حزب دموکراتیک خلق افغان-
ستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغان-
ستان در حالیکه سعی می‌نماید تائیدهای
فرتوت نظام فیه دالی و مناسبات غیر عادلانه

وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان به
تاریخ (۲۰) جوزای سال جاری ادامه تطبیق
عادلانه و دموکراتیک اصلاحات ارضی را به
تصویب رسانید و کمیسیون کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان و شورای
وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان
برای ادامه تطبیق عادلانه و دموکراتیک
اصلاحات ارضی تاسیس گردید.

همچنان هیأت رئیسه شورای انقلابی
جمهوری دموکراتیک افغانستان اخیراً ضمیمه
نمبر اول فرمان شماره هشتم شورای انقلابی
جمهوری دموکراتیک افغانستان در باره زمین
را به تصویب رسانید.

در این فرمان از دشمنان و انقلابی به نکات
مهمی بذل توجه صورت گرفته است که هر
یک از آنها با شرایط اجتماعی و فرهنگی
جامعه ما مطابقت کامل دارد و مورد پذیرش
و استقبال پر شور ز حمتکشان همین قرار
گرفته اند.

بر اساس ضمیمه نمبر اول فرمان شماره
هشتم شورای انقلابی در مورد زمین منظور
احترام به علمای دینی، خطباء و امامان
مساجد قطعات زمین اضافی جریبی داخل

اجتماعی و اقتصادی انقلاب ثور نیز تنها از
طریق تطبیق مرحله به مرحله کامل اصلاحات
دموکراتیک ارضی امکان پذیر است این
اهداف عبارتند از: توزیع عادلانه و موثر
آب و زمین و تغییر عمیق شیوه ها و طرق
تولید زراعتی به کمک دولت و نتیجه
انکشاف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی
دهقانان و زحمتکشان مشغول زراعت و اعتلای
وطن ما. استحکام هر چه بیشتر اتحاد
کارگران و دهقانان بخاطر دفاع و تکامل
همه جانبه انقلاب.

آری! با تطبیق همین فرمان شورای
انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان بود
که در مرحله اول اصلاحات دموکراتیک
ارضی در حدود سه صد هزار خانواده بی
بضاعت دهقانی کشور صاحب زمین شدند
و در مزارع دست یافته خویش بکار و حرکت
پررنگ و سودمند آغاز نمودند. اما آنچه
در این مورد قابل یادآوری می‌باشد این
است که دیاسیس و توطنه های ارتجاع و
امپریالیزم و مقاومت های نا بخر دانسته
و دشمنانه دشمنان اصلاحات دموکراتیک
ارضی در کشور توأم با پاره از استبدادها

دموکراتیک ثور که به اراده
انسان زحمتکش و استثمار
یافته ما در تحت رهبری حزب
افغانستان «پیش آهنگ
زحمتکشان کشور» به
تغییرات عمیق و بنیادی
ما به سود کارگران،
پیشه وران و زحمتکشان
اراد وارد مرحله نوینی از

خلق افغانستان و دولت
تیک افغانستان بعد از
و تحقق حاکمیت واقعی
و به منظور رفاه و آسایش
ن عذاب دیده جامعه ما
دی تمام بقایای مناسبات
الهی طی فرمان شماره هشتم
ضوابط اصلاحات دمو-
منحیت یک ضرورت تاریخی
ر اعلام نمود. هدف عمده
بود که دهقانان بی زمین کشور
، شیوه های تولید
د و سر انجام سطح حیات

گردید و راپور عمو
مسوو لین مذکور به
کمیته مرکزی ساز ما
جوانان افغانستان
بذریع واقع گردید.

بعد از ارائه راپور
غیاثی عضو کمیته
دموکراتیک خلق افغان
اول ساز ما ن دمو
جوانان افغانستان
نخستین سالگرد ساز
آهنگان و فعالیت ها
در طول مدت يك سال
مرکزی ساز ما ن دمو
جوانان افغانستان
نمود که مورد استقبال
شور و خروش قرار
بعد از قرائت پیا
پیش آهنگان به
از سایرین به تیره
یاد بود شهدای را
شکوهمند نور بر مر
اکلیل گل گذشتند
بعدا پیش آهنگان



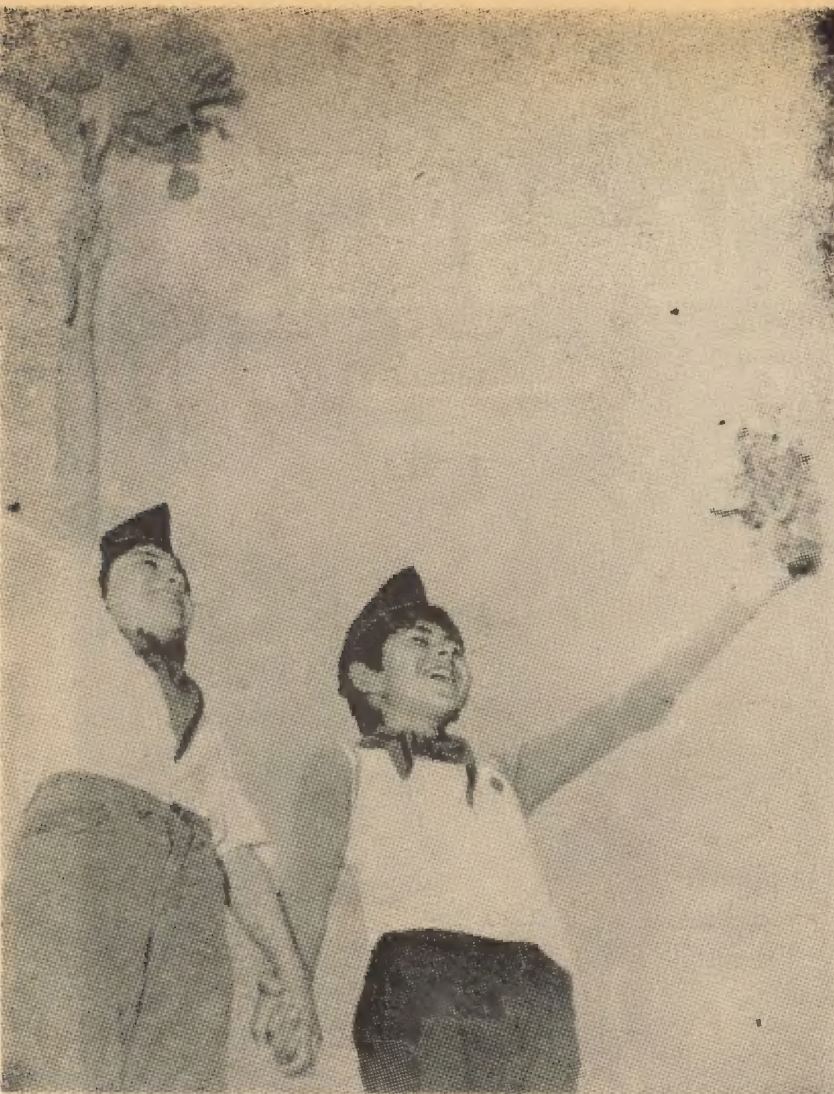
پیش آهنگان برهزار شهدای راه انقلاب نور اکلیل گل میگذارند

سا لروز تشکیل س.پ.ا، تحت شعار زیر تجلیل شد

می آموزیم و کار می برای آبادانی آب و

روز جمعه سوم سنبله نخستین
سالگرد ساز ما ن پیش آهنگان
افغانستان با مراسم خاص و
شکوهمندی تجلیل گردید، این
مراسم در میدان سپورت استیتوت
پولی تشکیل داده شد و
بود که در آن هزارها نفر از
پیش آهنگان مربوط شهر و
ولسوالی های ولایت کابل
و ترانه های میهنی خوان
ترانه های میهنی خوان
طبق راپور یک منبع
دموکراتیک جوانان
این مراسم در حدود
از پیش آهنگان مر
ولسوالی های ولایت
ورزیده بودند که از
هزار و دو صد تن اش





همچنان اعضای سازمان پیش-
آهنگان افغانستان با خانواده های
سربازان دلیری که جهت سرکوب
باند های ضد انقلاب در نقاط
دیگر کشور قرار دارند و از خانواده
های خویش دور هستند روا بط
نزدیک داشته به سربازان مذکور
از جانب خانواده های شان نامه
می نویسند.

پیش آهنگان دوست وفادار
قوای مسلح جمهوری دموکراتیک
افغانستان بوده شو را های
پیش آهنگی و قتا فوقتاز قطعات
عسکری دیدن نمود به با رفقای
قهرمان قوای مسلح ملاقات
هایی را سازمان می دهند. و
همچنان بر نامه های دیگری مثل
عیادت از مریضان شفاخانه ی
چهار صد بستر و شفاخانه اطفال
جهت گرامی داشت خاطر شهیدای
قهرمان حزب دموکراتیک خلق
افغانستان گذاشتن گل و ادا
احترام در تپه شهیدان،
ملاقات ها با کارهای حزب
بازدید از فابریکات جهت ملاقات
وصحبت با کارگران، تماشای
فلم های مختلف تربیتی نمایش
کنسرت ها و غیره.

در طی مدت یک سال که از
تاسیس سازمان پیش آهنگان
کشور می گذرد چه فعالیت های
عمده ای را در امر سازمان دهی
پیش آهنگان کشور انجام داد
اید؟

در طی سالی که گذشت سازمان
پیش آهنگان افغانستان دست
آورد های بزرگی در امر تربیت
و پرورش اطفال و نوجوانان داشته
است، مانند تاسیس کاخ مرکزی
پیش آهنگان به مثابه مرکز
فعالیت های آموزشی، تربیتی،
هنری و تخیلی پیش آهنگان،
گشایش اردوگاه های پیش-
آهنگی در نقاط مختلف کشور جهت
تفریح و استراحت پیش از یک
بقیه در صفحه ۵۲

تباط بدین روز تا ریخی
های یک ساله سازمان
آهنگان افغانستان را پورتر
محترمه، پرپسا عضو
مرکزی سازمان پیش
افغانستان مصاحبه ای
و رده است که ذیلا از
می گذرد:

ف به پاسخ این سوال
از تاسیس سازمان پیش
افغانستان چه بوده و
آهنگان در این سازمان برای
و تحت تربیه گرفته می
چنین اظهار داشت:

زمان جا معه نوین در کشور
آن است که کودکان و
کشور که مردان و زنان
مهمان ما هستند از همین حالا
سازندگان جامعه
مگوفان در میهن ماطوری
تربیت یابند که روحیه
میهن ما افغانستان و اعتقاد
دیر نسبت به آیند
ن آن علاقه توأم با احساس
نسبت به کار در امر
جامعه نوین در کشور
حقیق به حزب دموکراتیک
افغانستان «پیش آهنگ
گر و تمام زحماتشان
و روحیه مبارزه در راه
مان های آن به بهترین
فرد فرد آنان بوجود
ند نماید، سازمان پیش
افغانستان تحت رهنمایی
دموکراتیک جوانان
ن موظف به تعمیل ایسن
باشد.

آهنگان کشور تحت
گرام ها کار می کنند و
شرایط فعلی علاوه بر
تربیت قرار دارند چه
خدمات اجتماعی ای را
دهند؟

بوی تطبیق پلان های یک
شامل بخش های
آموزشی شو را ها
نگی ما کارهای داوطلبانه
ب، مساجد، موسسات

در دو رخ پدر سالاری
 سالاری، وی را از ابتداء
 حقوق انسانی محروم
 حق هر گونه دخالت در
 سرنوشت را از او میگرد
 که کم مانده بود زن
 ما به کالای اقتصادی
 وارزش اجتماعی اش با
 سان گردد، تا اینکه از
 هم ریز شد، شرایط و
 استثمار گرانه مسلط در
 عقب نگهداشته شده
 خود را به شرایط مترقی
 هم توانست موجودیت خ
 دهد، فریاد در گلو خفه
 را آزاد سازد و بهر آنچه
 سده ها او را در بند زن
 گونه گون اسارت بسته
 نفرین فرستد.

شرایط تازه کشور،
 دموکراتیک و انقلابی،
 در هم ریزی همه ارزش
 کنند و شرایط جایگز
 مناسبات تولیدی انسا
 ضوابط قرون وسطایی
 جا معه ما این فرصت را
 نوسازی کشور، در تعی
 نوشت ملی، در حفظ و
 آزادی و در دفاع از
 دوش به دوش مرد بر زم
 رابه سوی آینده بهتر
 و خالی از استثمار فرد از
 گذارد و ازسوی نیز برای
 همه کمداشت های فرسا
 برای جوابگویی به همه
 ها و توهمین های ناشنا
 طول زمان که احساس را
 میساخت، سنگر مبارز
 دو جهت دهد، جهتی بر
 انداختن بقایای تکلیت بار
 منحنی که به عنوان میراث
 هنوز هم رگه هایی از آن
 جا معه ما چشمگیر است
 نیز برای از میان بردا
 عوام مل جلوی گیری
 عنوان نیمه فعال جا معه
 اجتماعی و سیاسی، فر
 اقتصادی.



نگاه

افغانستان



نگاه به آینده کشور

نگاه شتابنده به نشریه های تازه کشور

دیگر فریاد زن در گلو گاه

تار پخ خفه نمیدارد

مؤثر تر در خدمات اطلاعاتی
ط جمعی میداشتند که
این خواست بر آورده شد
مجله «زنان افغانستان»
سازمان شورای مرکزی
ان دموکراتیک زنان افغان-
ن این دشوار را به عهده

ستین شما ره مجله «زنان»
تان» که در قطع مناسب در
و دو صفحه و باتن های رنگی
ز بیا و محتوی آگاهیه
از چاپ بر آمده است به
گو یای این واقعیت است که
سریه میتواند بازتابی باشد
ست ها ، نیازها و آرمان
نجامه ما و آئینه تمام
از رزمندگی زن ، دلیری
یستادگی زن و تسلیم
ی زن در روند انقلاب .

مان دموکراتیک زنان
نان بانشر این مجله و با
نشراتی خاصی که
ت مطبوعات مجله را به
یک رسانه گروهی مینماید
سیمای واقعی زن کشور ما
مایشش میگردد ، احساس
اجتماعی او را به شناخت
د و از قهرمانی ها و حماسه
هایش سخن میگوید تا به
تیب ارزش گذاری های
در خط انقلاب ملی و دمو-
روشن گردد و خواننده
ل را بیابد که با دیدی
ی موقف زن را در شرایط
انقلاب و بعد از آن خودبه
میرد و از سوی نیز زن از
خود فریاد کشد ، سخن
یژگی های مبارزه اش را
کند .

کارمل منشی عمومی کمیته
حزب دموکراتیک خلق
ان و رئیس شورای
جمهوری دموکراتیک
ن به مناسبت نشر اولین
مجله زنان افغانستان پیامی
ه اند که اهمیت نشر مجله
لبت خطیر گردانند گان

نجیب و رحمتکش جامعه ما ، در
برابر جنبش اجتماعی زنان کشور
ودر برابر گردان پیش آهنگ
زنان سازمان دموکراتیک زنان
افغانستان ایجاد شده است .

انتشار مجله «زنان افغانستان»
مقدم بر همه گام مهمی در جهت
آشنا ساختن همه زنان کشور به
موقعیت اجتماعی آنان و دورنمای
روشنی که انقلاب ثور و بخصوص
مرحله نوین تکاملی آن در برابر
سر نوشت آنان گشوده است
تلقی میگردد ، این مجله باید به
عنوان مشعل رهنمای زنان
پاک نهاد افغانستان انقلابی
صفوف زنان پیکارجوی کشور
را تحت درفش آرمان های حزب
دموکراتیک خلق افغانستان ، حزب
طبقه کارگر و همه زحمتکشان
افغانستان ، فشرده تر سازد و زن
جامعه ما را تنویر نموده و درکار
ویکای انقلابی آنان را یاری
نماید .

مجله زنان افغانستان باید
انعکاس دهنده منافع ، خواست ها
و آرمان های زنان کشور ما باشد
و نقش خود را در زمینه تحکیم و
تعمیق پیوند میان مبارزه برای
آزادی و برابری واقعی زنان با
مبارزه عمومی زحمتکشان به
خاطر دفاع از دست آوردهای
انقلابی و امر ایجاد جامعه نوین
در کشور ایفاء نموده و زمینه های
افزایش شرکت زنان را در مجموعه
زندگی سیاسی ، اقتصادی ،
اجتماعی و فرهنگی گسترش
دهد .

این مجله باید زنان افغان را
با اهداف والای انقلاب و آرمان
های حزب دموکراتیک خلق افغان-
ستان آشنا سازد و به امر بسیج
آنان در دفاع از دست آوردهای
انقلاب و در مبارزه علیه مداخلات
بیشرمانه ارتجاع و امپریالیزم
و همزمنیزم در امور داخلی
جمهوری دموکراتیک افغانستان
مساعدت نموده و آنان را به
سوی اشتراک فعال در امر

مبارزه با خطر جنگ و ضرورت
ایجاد شرایطی که ابرهای تیره
جنگ بر زندگی کودکان ما سایه
نیندازد ، آشنا شده و در مبارزه
عمومی به خاطر صلح و همبستگی
بین المللی زنان سهم خود را ادا
نماید .

وظیفه مجله زنان افغانستان
است که بطور منظم به بخش و نشر
اطلاعات سودمند در زمینه جنبش
بین المللی زنان و نقش زنان
افغانی در پیوند با مبارزه جهانی
زنان بخاطر آزادی بپردازد .
کار تبلیغی ، ترویجی میان
زنان بنابر محکومیت و اسارت
چندین سده بی زنان ، امریست
دشوار و انباشته از پیچیدگی های
فراوان ، باید مجله «زنان
افغانستان» بتواند بر این دشواری
ها فایز آید و واقعاً نقش روشن-
گرانه و بسیج کننده را در میان
زنان ایفا نماید ...

همچنین در بخشی از پیام
دکتور انا هیتا را تب زاده رئیس
وبنیان گذار سازمان دموکراتیک
زنان افغانستان که به مناسبت
نشر اولین شماره مجله زنان
افغانستان به نشریه ارسال شده
و در صفحات بعد از پیام ببرک
کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان
به نشر سپرده شده آمده است :
«... مجله زنان افغانستان
بمنا به ارگان نشراتی سازمان
دموکراتیک زنان افغانستان در
ارتقای سطح دانش توده ای و
سیاسی زنان نقش پر بهایی را
دارد است و بازتاب صادق
خواست ها و گرایش زنان کشور
بخاطر صلح ، دینانت ، ترقی ،
برضد جنگ ، توسعه طلبی ،
ایپارتاید ، تبعیض نژادی و جنسی
میباشد ، و وسیله نیرومند رد
جعلیات و دروغ پراگنی های
دشمن در مورد انقلاب و واقعیت های
زندگی مردم خواهد بود ، همچنان
ارگان مرکزی سازمان دموکراتیک
زنان افغانستان

مجله زنان افغانستان
وما دران کمک میسازند
ما این درختان بارور
مارا با روحیه وطن پرستی
گذاری و احترام به مردم
به میهن ، احترام و رعایت
پسندیده مردم ما ، وفا
دوستی برادرانه همه ملیه
ساکن افغانستان محبوب
دهند .

مجله زنان افغانستان
وما دران کمک میسازند
ما این درختان بارور
مارا با روحیه وطن پرستی
گذاری و احترام به مردم
به میهن ، احترام و رعایت
پسندیده مردم ما ، وفا
دوستی برادرانه همه ملیه
ساکن افغانستان محبوب
دهند .

... مجله وظیفه دارد مبار
را در راه اعما را جامعه نو
وسیعاً انعکاس دهد و پیش
تولید و نمونه های کار خ
قدردانی ، تحسین و معرف
و تجربه مثبت و نوین را دری
ها ترویج و تعمیم دهد .
یکی از وظایف پراهمیه
را شرکت وسیع و نشر
آموزنده در پروسه همگ
مبارزه با بیسوادی تشکی
دهد ، با تبلیغ و ترویج سو
مواد آموزشی برای سواد آ
وجلب زنان به پروسه سواد
مجله نقش عظیمی را در
بیسوادی دارا مییابد .

... ارگان نشراتی سا
دموکراتیک زنان افغانستان
بازتاب روحیه همبستگی
جویانه زنان کشور ما
زنانیکه در راه استقلال ملی ،
کراسی ، ترقی اجتماعی و
میرز مند باشد ، همچنان
عامل مؤثر پیوند بین زن
افغانستان و زنان کشور
جهان بویژه فدراسیون دم
تیک بین المللی زنان و ظ
بزرگ و پراهمیتی را دارا
باید با ارگان نشراتی قدر
دموکراتیک بین المللی زنان
نزدیک داشته باشد ...

بررسی فشرده یی از محتو
مقالات نخستین شماره مجله
میرساند که سازمان دموکرات
زنان افغانستان و هیات تد
و گردانندگان نشریه را ب
گیری اساسات عمده یی ک
این با

سیاهش رابه چشم بینده میکشید
می داد :

- حتی دختر ، میفا می حتی د
هزار به بایش دادیم وحالی پنجاه
خرج داره ، پنجاه هزار ، پنجاه
صحبیت توی و عروسی ، جوان
چوکی عقب تر از پیر مرد نشسته
هایش را می شنید به رویا کشیده
خیلی آهسته بانفر پهلویی اش نه
- ازه مو روز اول که دیدمش
شدیم ، اما او مفرور است ، مره
میرانه ، تاویز گرفتیم، فایده نکد
نشنید ، وحالی میریم به هرات ، به
به عمه هزارا میرم ، دعا میکنم ،
بسوزه ، شاید او لیا کمکم کنه ،
زن و مردی که ظاهرا زن وشوهر
چشمی خصمانه همدیگر را میدید
پایان اختلافی بود که روی تقسیم
ها میانشان به و جود آمده بود ،
خواستند بخش بهتر و بیشتر چیز
شده را به اقوام خود هدیه دهند
و در این میان او با سکوت همه
را می شنید ، نگاش به دور دشت
دشت های هموار بی حاصل خیره
اندیشه های دور و دراز هر لحظه
فرو می بود .

باخود می اندیشید :

د راستی این درست است که ز
چیز اقتصاد است ، این تگرانی ها ،
ها ، این منازعات و همه این آرزو
به یاس میگراید به خاطر فقر است
تحمل شده بود وزاده غارت و
مفت خوار بداندیش بود ، اما به آن شرا
این بی عدالتی ها چرا باید
چرا ؟ ...

موتر از يك گردنه خطر ناك
چشم اندازی نو پیش نگاه مسافر



و شته : شمع

خون من فدایت باد ، وطن من !

شد ، دشتی و وسیع بود که با کوهپایه
شده بود ، از وسط آن گروهی از

مردی رو ستایی که جای پای زمان بشکل
شیار های نا هموار روی چهره اش به یادگار

واغوا گرانه اش ، آناترا مسحور میکرد ، بخود
می کشید تا آنگاه که باتکانی شدید و شتوافکار
شان قطع میشد و باز در بگذار های بر آب بود

تر همچنان راه را می بلعید ، مثل يك غول
ش و دونه سرک را که در آغوش دشت
، در پیچ و تاب خود خفته بود ، به کام

پیر می نمودند ، کار مداوم در
زبان همه را وا مانده سا خته
ی زود رس انداخته بود .

اندیشه اش را دنبال کرد :

که فاضله نام داشت و هنوز
زندگی اش را به پایان نیاورده
و دو نادر ، خانواده او در روستایی
بر خورود نگر هار زیست داشت
ی زمین بود که روی زمین ارباب
کاری کشنده و طاقت فر ساء
هیچ آرا مش نداشت و طلوع
ا همیشه در حین انجام کار

میدید ، خانواده اش را نمی -
نان خشک سیر نگهبان ،
حاصل بر داشته میشد و خرمن
در اندیشه اش حساب قرض
فت که باید بر داخت گردد و
ی که به زن و کو دکانش داده

که پدرش شبانگاه باشانه های
خمیده به منزل می آمد ،
یش را می خورد و بعد بازش
نشست :

ارباب که انصاف ندارد ،
شناسد زحمت از ماست و
فقط همانقدر به مارسید که
ن خشک سیر باشیم و ششماه
ر ها دیوانه ام سا ختند ،
رمن وعده دادیم ، سر خرمن ،
تربه می افتاد :

ست که به فاضله وعده خرید
مختار پیسه می خواهد و زن
ز طلب آرد خود می خواهد...

اری میداد :

م است .

از تو حرکت واز مه برکت ،
و می کنیم ، همه ماء همه ما
ما راستی از باب ظالم است ،
ت و چرا به سزای اعمال خود

خود میزد و مینالید :

دل شکسته مه واطفال
ق آه نیم شب همه مظلومان
به از شر ای ظالم هابر هان .

* * *

ج سالگی با پدرش و خانواده اش
مین از باب پر داخت ، خشک
بیداد میکرد و زمین هارا می -

- راستی این ارباب کیست و چه حقی داد
که و قتی گندم های ما خرمن گردید ، می آید
و همه را می برد ، چه و قت طلب او تمام
میشود ، چه و قت و برای این پرسش جوابی
نمی یافت ، در دل آرزو میکرد ، کاش پدرم
هم ارباب میبود به این تر تیب فاضله تا سن
نه سالگی صبح تاشام مانند پدرش در زمین
ارباب کار کرد تا اینکه به اصرار بر ا د بهش
که در کابل معصل بود و در هر نامه خود تاکید
می کرد که او را به مکتب گذراند ، شامل صنف
اول مکتب شد و آ مو ختن رابه آ غاز گرفت .

مختار پسر بزرگ این خانواده و برادر
فاضله در کابل درس می خواند ، شامل پوهنخی
مخبره حربی پوهنتون شده بود و به درس خود
ادامه میداد ، و قتی به مرکز آمده هزاران پرسش
ذهن او را پر سا خته بودند ، او که سالها شاهد
رنج روز افزون د هقا نان و ظلم و بیداد و
چپاولگری مالکان بزرگ و ار بابان بود ، می -
خواست بداند چرا پایه های نظامی چنین غارتگر
از هم نمی پاشد ، چرا میلیون ها ر نجبر و

به مطالعه روی آورد ، تا بالاخره دانست که
چرا فقر در کشور او بیداد میکند ، چرا خان
سالاری همه ریشه های انسان سالاری را
خشکانده است و چرا زمین به جای آنکه مال
کسی باشد که روی آن کار میکند به عده بی مفت
خورچپاولگر تعلق دارد که از خون دهقان مایه میگیرند .
اینک راه او تعیین شده بود ، او این راه را پیمود ،
بی ترس و هراس پیمود بی آنکه خسته شود
و یا نگرانی د ر ا و و خنه کند
پیمود و همین مبارزه او و هزاران تن دیگر چون
او بود که بساط استثمار فرد از فرد را بر چید ،
ظلم و ظالم را به نیستی گشایند ، انقلاب را
به پیروزی رسانید و هو رای شاد باش را در
ده و شهر پراگند .

اما این شادی دیر دوام نیاورد ، به زودی
ورق برگشت . انقلاب به بیراهه برده شد .
تخم و حشت و ترس در دلها کاشته شلوصد
ها و هزار ها جوان در زندانها روی هم انباشته
شدند ، یکی از آنها مختار بود که دیگر
خانواده اش از او هیچ خبری نداشت نه از

پایان ماجرا نبود ، حادثه دیگری در زندگی
این خانواده به کمین نشسته بود . حادثه
هولناکی که یکباره فاضله را در زندگی تنب
گذاشت و همه چیزش را از او گرفت .

آن شب همه دور هم نشسته بودند و درباره
سرنوشت مختار صحبت می کردند ، نگرانی
در همه نگاه ها خفته بود و پر سش بر همه
زبانها جریان داشت .

راستی چرا مختار را گرفتند ، او اکنون
در کجاست ، چه و قت آزاد می گردد ، او
که گنا هی نداشت ، مبادا که او را نیز ...
وزبانها یاری نمیداد تا آنچه را که بر دل
داشتند به بیان آورند .

در این گفتگو بودند که در وازه کو بیده
شد ، نخست آرام و بعد باشت ، پدر از جای
برخواست نگرانی د ختر و مادر عمیق تر گردید ،
احساس شان گواهی بدی میداد .

پدر رفت و باز نگشت ، صدای دو فیر پیهم
فاضله و مادرش را از جای پراند ، شیون کنان
به حویلی دویدند ، جسد پدر و شو هر آ غشته



بخون بود و خانواده در روی زمین آ خرین نفس
هارا میکشید .

چند مرد جوان که همه اسلحه داشتند و در
خانه شدند ، زن شیون کرد و آنان را به باد

مردم اش ونه از زنده اش

ضربه هولناکی بود که بر این خانواده فرود
آمد . ضد انقلاب باسر سختی می جنگید ، همه
جا در ده و در شهر آشوب بزرگی بر اه
افتاده بود ، مالکان نمی خواستند امتیازات

زحمتکش مظلوم در سراسر کشور قیام نمی -
کنند و به پا نمی خیزند تا این ضوابط غیر
انسانی و روابط تولیدی غیر انسانی را از میان
بردارند و به جای آن نظامی دادگر و عادل را
جایگزین سازند ؟ این مسایل را گاه با دوستان



اوگینز بارووان اکامیسن در
علوم طبی اتحاد شوروی



ولادیمیر ونو گرادوف
جراح



پروفسر ایکاترینا سیمارنوف
جراح



صوفیا لیندی داکتر طب

از منابع خار جی

ترجمه : ری

مساله محو تهدید و نابودی حیات در روی زمین

بحیث یک وظیفه مبرم نسل کنونی

نظریات چهار اکادمیسین، پروفسر و جراح مشهور اتحاد شوروی راجع به خطرات جنگ ذروی

طولانی را می گیرد و یا معروضی اخلاصها است. معاهدات امضا شده در تطبیق نمی شود و هم نافذ شده و توافقات محدود نمودن فعالیت دست خوش موانع و تح موافقات از لحاظ بین المللی می گردد.

هرگاه اوضاع بر دوام کند خطر جنگ در سالهای ۱۹۷۰ بحال بر است، بمرعت بیشتر را در جهان تحت الشعاع گرفت.

ما از همه دانشمندان علوم تقاضا داریم تا امکانه را برای برگرداندن جنگ ذروی و مصوون ملل از آن بعمل آورند.

عین حال علاقمندی خاص کمپ سوسیالیستی و کشورهای دارند رژیم های مترقی را در امر تحکیم صلح و جلوگیری از جنگ نشان میدهد. از این پیشنهاد سراسر جهان صلح خواه استقبال گرم صورت گرفت و ابتکار مذکور پیش از بیش به حمایت و سیع نیروهای مترقی و صلح دوست جهان عواجه شد. این پیشنهاد با حمایت جدی مردم شوروی نیز مواجه گردید. بطوری که یک گروه از دانشمندان برجسته اتحاد شوروی در سال ۱۹۷۰ مکتوبی عنوانی دانشمندان جهان به چاپ رسانیدند که طی آن تقاضا شد تا دانشمندان جهان پیش از پیش فکر و انرژی شان را در امر داعیه تحکیم صلح در روی زمین وقف نمایند.

مزد ما نباید حقیقت عواقب تباهکنی را که سلاح ذروی میتواند برای بشریت بار آورددانند. ما پیشنهاد میکنیم تا یک کمیته با کفایت بین المللی به منظور جلب توجه جهانیان به ضرورت حیات عصر کنونی که عبارت از جلوگیری از فاجعه ذروی در روی زمین است تا سیس گردد. این کمیته میتواند شامل دانشمندان ممتاز از کشورهای جهان باشد همه جهانیان باید از نتایج کار کمیته مطلع ساخته شوند.

(از اظهارات لیونید بریزنیف منشی عمو می کمیته مرکزی و صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی در بیست و ششمین کنگره حزب کمونسنت آن کشور در مسکو).

اتحاد شوروی بعمل آمد، انعکاس خواسته های ملیون ها انسان صلح خواه و بشر دوست است که در

پیشنهاد صلح متکی بر بشر دوستی که طی جلسات کنگره است و ششم حزب کمونسنت



گنر بارووان اکادميسن علوم طبي اتحاد شوروی:

شوروی طور متواتر بین المللی خاتمه فوری سلاح های و تو قصف انواع جدید اسلحه تهاکن سلاح عام و تمام و شش های بین المللی خواسته همه مردم با کشورهای گو نه گو ن این پیشنهادات متمر کرده اند . من فکر می دانان میتوانند یک ی را در مبارزه بخاطر ایفا کنند . آن ها بیش به قوت و اندازه قدرت ملحه ذروی مطلع اند . نوران که بهتر از دیگران خطرناک انفجار ذروی م بشری واقف اند در حال سلاح ذروی نگران

کارتر رئیس جمهور راجع به براه انداختن محدود (ذروی چیز مغشوش ساختن جهان راجع به نتایج جنگ ذروی نیست . که لیو نیدبریز نیف در در کنگره (بیست و کموانست اتحاد شوروی

ذروی طور ی که بیان گفته می شود: اروپا معنی آغاز ن اروپا یی را خواهد هم مانند هم مسلکم پرو فیسر پوهنخی شتاین معتقد م که عا جل از طرف لور امحای جنگ معا هدات بین امریکا منظور کا هشتو سترا تیز یکی اتمی

جنگ علیه فاشیزم جنگید یک مخالف غیر قابل سازش با تمایلات جنگ طلبانه بوده است ، من در این جنگ به حیث جراح ایفای وظیفه کرده ام . درین جنگ ، مبارزه را در شفا خانه ها ، مراکز صحن و میز های عملیات علیه مرگ و نابودی انجام داده ام . گرچه از جنگ دوم جهانی اکنون سی و شش سال می گذرد اما اثرات شوم و جراحات وارد شده و معنوی از نا حیه این فاجعه تا حال نسل بشر را رنج میدهد . در پرتو این امر ما باید همه دانش و نیروی جسمی خویش را علیه جنگ بکار اندازیم چه

ما دکتوران باید حقیقت را درمورد امراض ناشی از استعمال اسلحه ذروی بمردم بگوئیم . ما باید با در نظر داشت تراژیدی برتابیم بر هیرو شیما و ناگاساکی جاپان عواقب استفاده از سلاح ذروی را بیان کنیم . در پرتو همین امر است که ابتکار ربریزنیف در مورد تاسیس یک کمیته کنترول بین المللی سلاح ذروی از اهمیت خاصی برخوردار است **نظر پروفیسر ایکا ترینا سیما- رانوف جراح:**

بیش از (بیست) سال من علیه امراض خطرناک مبارزه کردم . طی همه این سال ها زندگی من متکی بر خوشی های ناشی از پیروزی حتی پیروزی قسمی علیه

های کشورهای امپریالیستی و انکشاف وسایل جدید تخری ادا می دارد و آن ها انواع جدید اسلحه کشنده را در ساحه نظ آزمایش می کنند . کشورهای جنگ طلب امپریالیستی هنگامی این سلاح ها مورد آزمایش قرار میدهند اتحاد شوروی ، کشورهای جنوب شرق آسیا و افکار عام مترقی جهان خواهان توق تولید و انکشاف انواع اسلحه تهاکن ذروی میباشند . مردم سیاره ما باید حقیقت را درمورد عواقب خطرناک جنگ ذروی بدانند و جدا علیه برز مند آن ها باید طرح ها



جوانان در عصر کنونی بیش از هر وقت دیگر خواهان تحکیم صلح، دینامیت و خلع سلاح بوده و مخالف مسابقه تسلیحاتی میباشند که از طرف حاکم امپریالیستی و جنگ طلبان ناتو تسریع یافته است.

در صورت بروز جنگ ذروی ما دکتوران قادر نخواهیم بود تا جراحات وارد شده از نا حیه باید اعتراف کرد که علی الرغم جنا بی سترا تیز نیست های نا تو را که کشیدگی ها را در جهان



یوه معیوب ماشوم د ورزش د تمرین په حال کې لیدل کیږي

څنگه کولای شو چه معیوب کسان

د جامعي کتور غړي وگرزوو؟

تصادماتو تر زیا تی اندازی
مور او پلار له خوا په ښو
نیو له کید لی شی . هماغه
نورو پښو مخنیوی لکه او
یاد لویدلو نه د زخم د پید
مخنیوی تر زیا تی اندازی
غسی تر بی سره کید لی شی
او پلرو نو او ما شو ما
په سر کو باندی د بی تص
راتگ په باب ښود نی و

کشف :

میندو او پلرونو ته باید
نورمال طرح ور زده کړه
دوی وکو لی شی هر هغه غی
حال کشف کړی چی په ما
راولاپړی لکه له خپل و
وروسته کښینا ستل او
او یا په خپل وخت کی
را تلل او یا بیلو بیلو غړو
نه کول یاد کړو وړو او
نور مال طرح نه تعقیبول
حال کی میندی او پلرونه
دسلا او مشوری په غرض
ولای شی . د روغتیا په
وخت په وخت د ماشوم معاین
دی سره ښه مرسته وکړ
معیو بیت د وخته معلوم
ښه ډول تر تداوی او معا
ونیول شی .

مخنیوی :

دغه متل چی وای (مخنیوی تر
علاج نه ښه دی) هغو مړه چی په نا
روغیو تطبیق مومی په معیو بیت او
ناتوانیو هم تطبیق مومی په پرمختیایی
هیواد ونو کی د بی سوادۍ فقر
خرافات خو ښو لی او د روغتیا د
کافی وسایلو د نه شته والی له امله
دمعیوب کیدو د مخنیوی حال د قناعت
وړ نه دی .

سره له دی هم د مخنیوی ډیر
اقدامات ساده او په آسانه سره د
عملی کیدو دی . میندو ته د مغذی
خور و تهیه کول له دی سره مرسته
کوی چی د تی په شید و سره تغذیه
زیات رواج پیدا کړی او د اولاد
کیدو ښه تر تیب نیول د زیر یونی
له رحمی نه مخنیوی کولی شی .

د پولیو د ناروغۍ مخه د معافیت
دوا سره نیو له کید لی شی د پوښیا
مخنیوی په هغو خور و سره کیدلی
شی چی ویتا مین ای پکی زیات وی
یاد همدغه ویتامین په تزریق سره د



کال ۱۹۸۱ د ملگرو ملتو د عمومی
اسامبلې له خوا د معیو بو کسانو
دپاره د بین المللی کال په حیث اعلام
شوی او له هغه سره د (کډون او
برابری) مو ضوع ضم شوی ده. ددغه
کال هدف د ټولې نړۍ په سرد ۴۰۰
میلیونو انسانانو د بیر ته په حال
کولو تشویق دی چی په یو یا بل
راز فزیکي او دماغی اختلال اخته
دی .

داسه اټکل کیږي چی په یوه هیواد



معیوب ماشوم دنورو انسانانو غوندی ددی مستحق دی چی دجامه یووظیفه ادا کوونکی غړی اوسی.



کی په اجتماعی لحاظ ننو تل معیوب ماشوم د کار د پاره هڅوی. هغسی کسبې زده کړی چی د هغه د معیوبی دپاره مناسبه وی اساسی اهمیت لری. د حیرا نی ځای دی چی حتی معیوب ماشومان ډیر کسبو نه زده کولی شی. وړانده کسان ما هر کاسبان کید لی شی او بی لاسو ماشومان د خپلو پنبو په گوټو سره لیکل او نقاشی کول زده کولی شی.

په ښوونځی کی :

چیر ته چی کید لی شی باید ډیره پاملرنه په ښوونځی او نورو خوفوی او تعلیمی سرو یسو نو کی دماشوم داخلیدلو او ننوتلو ته وشي. دغه کار د یته اړه لری چی د ښوونځیو مقامات او ښوونکی ډیره پوهه او محرکات ولری.

وړانده او کانه ماشومان او همدغسی نور معیوب ماشومان ځینو عادی محلی ښوونځیو ته تللی شی. داله دی سره مرسته کوی چی دوی دهغی ټولنی غړی شی په کوم کی چی دوی دوی وده کوی او لویږی ډیر معیوب ماشومان له معیوبیت سره سره په هغومضامینو کی چی زده کوی یی په اعلی درجه بری مومی.

متخصصان اوس د دی درک کوی

چی پلرونه او میندی د معیوب ماشومانو په بیرته په حال راوستلو کی څومره مرسته کولی شی.

پلرونه او میندی باید تشویق شی او په دی کی وروژل شنی چی د خپلو ماشومانو د انکشاف څارنه وکړی په همدی ډول دوی ته باید وښودله شی چی د دوی ماشومان څنگه له نورو ماشومانو سره اړیکې پیدا کړی او په لو بو کو لو کی ابتکار وښی. د فزیکي او دماغی معیوبانو دبیرته په حال راوستلو پاره ډیری لاری چاری او تلن لاری د کورنیو او نورو له خوا تطبیق کید لی شی.

دا ډیره لږه گرانه تما میږی چی

کونه !

معیوب ماشوم زیږیدنه ټولی کور نی کی شیدیدل پیدا کړی مور او پلار به معیوبیت په باب د گناه ممکن دوی ته تشویق سوول وبو لسی. دغسی ممکن دی ته تشویق ماشوم له حد نه زیات دی حده چی دغه کار به تر ت د انکا سبب شی چی هغه نوم ننوتل په جا معی کس

ماشوم د مور او پلار جه او وخت ته اړه لری او ته د یوه پیټی په سترگه ممکن دی د ما لی پیټی وگڼل شی. نور ماشومان وکړی او د خپل معیوب ور په مقابل کی منفی رویه دا ټول ممکن په کورنی تل د پاره گپوږی گانی او لی.

مور ته ښایي خپل معیوب پراخه تندی ومنی او هغه ور نی کی له نورو ماشومانو نه یا د هغه له نورو ډله پرته نه کړی. دوی شوم نه د هغه تر توان معونه لری. ماشوم باید کی چی په کور کی عملی پیل توان په اندازه گپون یوب ماشوم باید خپل ی پرو گرام لکه ځان لی اغوستل خوړل که څه سخت تیر شی اجرا کړی.

پلار ته نه ښایي د خپل د باندی حلقی ته خپل کړی دوی باید هر چیری بل معیوب ماشوم له ځان بری تللی شی بوزی لکه د ته دملگرو کو رونو ته او هغه ته ددی موقع له نورو خلکو سره ووینی ی چی څنگه له هغو سره

انقلاب، مردم، وطن

و

جبهه ملی پدر وطن

کارگر هم هست نه
متمرکز، متحد و نیرو
به شکل جنینی و در حا
پس معلوم است که
درین نوع کشورها ب
میرسد نمی تواند انقلاب
لیستی باشد زیرا پایه
تخنیک برای آن در حا
ندارد. همچنان این انق
ونمی شود که به سوی
بروند، زیرا از مدت
آن نوع انقلابات گذ
شده اند. در شرایطی
نیرومند سوسیالیز
مدافع صدیق جنبش
بخش چه از نقطه نظر
چهارنگاه اقتصادی وجود
به پیمودن راه رشد
نیست. از آنجا بیکه در
این انقلابات طبقه کار
به نمایندگی از آن
(نمایندگان کارگران
زحمتکشان) و انقلاب
این انقلابات به سوی
از استثمارگام بر میدارند
وتازه انقلابات بورژوا
هم فقط در همین نکته
پس معلوم است که
انقلابات با دو دشمن
اند و دو وظیفه اساس
مبارزه بخاطر کسب
سیاسی و راندن کامل
و برهم زدن کامل من
فیو دالیت. لذا انقلابا

حفظ وابستگی اقتصادی کشور
های در حال رشد، کوشش دارد
تا درین کشورها وابستگی «تخنیکی»
رابوجود آورد. به همین لحاظ
امپریالیزم در عین زمانیکه به
خاطر جلوگیری از انقلاب های
دموکراتیک کوشش دارد این
کشورها را براه رشد سرما یرداری
سوق دهد، هرگز اجازه نمی دهد
که این کشورها از لحاظ اقتصادی
وتخنیکی به پای خود ایستاده
شوند. مثلا اگر یک نگاه اجمالی
به صنایع کشور های در حال رشد
دارای سمت گیری سرمای داری
بیندازیم به خوبی واضح میشود
که درین کشورها از همه دست
آورد های تکنالوجی پیشرفته یی
معاصر صرف صنایع موتناژ و
بروسنگ نفت مروج است که این
خود پیرحمانه ترین و سببانه
ترین شکل استعمار جدید است.
از آنچه در بالا گفتیم چنین نتیجه
بدست می آید که کشور های در حال
انکشاف و وابسته سه قاره بیش
از هر چیز دیگری به استقلال
سیاسی و اقتصادی نیاز دارند.
در مرحله اول باید حاکمیت
ملی خود را بدست گیرند. هم
چنان این کشورها از نقطه
نظر رشد اقتصادی در بله های

توانست این کار را در خود حل
کند و از جانبی هم آن سودخالص
و ارزش اضافی مطلق ایرا که
در جهان عقب ماند، انحصار
گران میتوانستند دریابند، در
کشور «خودی» ممکن نبود، پس
سر مایداری به دست اندازی به
کشور های بیگانه و مستعمره
ساختن کشورها پرداخت که
صدور کار لا (از نقطه نظر
اقتصادی) یکی از مشخصات
این شکل سرمای داری (سر مایداری
رقابت آزاد) بود. در مرحله
رشد بعدی سرمای داری این
پرونده شدت بیشتر و ارزش
کلی تری کسب می کند، منتها این
بار مستعمره گشایی نیز مثل
همه امور دیگر خصلت انحصاری
را دارد.

بخاطر کسب سود هر چه
بیشتر علاوه بر صدور کار لا، صدور
سر مایه (سر مایه گذاری های
انحصارات بین المللی در سکتور
های زراعتی، صنعتی، ترانسپور
تیشن و ...) نیز رایج گردیده و به
بزرگترین منبع سود کشی
انحصارات بین المللی تبدیل
گشت. بهر تقدیر بنابر خصلت
نظام سرمای داری یعنی سودکشی
و وجود آوردن ارزش اضافی

اگر به تاریخ انقلابات جهانی
نظر اندازیم واضح می بینیم که
انقلابات اجتماعی همه از یک
ریشه نیستند. اگر در اثر پیروزی
انقلابات بورژوا دموکراتیک
نیپ کهن سلطه سرما یداران
مستقر می گردید، (در حالیکه
نیروی محرکه این انقلابات نیز
همانا طبقات پایینی جامعه و
دهقانان بودند) و اگر در اثر پیروزی
انقلابات سوسیالیستی حاکمیت
طبقه کارگر (دولت دیکتاتوری
پرولتاریا) و دولت کارگری
سوسیالیستی بمیان می آید، در
اثر پیروزی انقلابات دموکراتیک
نیپ جدید (انقلابات دموکراتیک
ملی) حاکمیت تمام طبقات و اقشار
ملی و دموکراتیک بمیان می آید.
این نوع انقلابات دارای دو جهت
سیاسی، اقتصادی اند، یکی ملی
بودن این انقلابات و دیگری دمو
کراتیک بودن آنهاست. این
نوع انقلابات مخصوص جهان
عقب نگذاشته شده، مستعمره
و نیمه مستعمره سه قاره (آسیا،
افریقا و امریکا لاتین) اند. چرا؟
و چرا دارای این دو جهت؟

بابو جود آمدن استعمار و بعدا
امپریالیزم جهان کشایی نیز
آغاز بدن و شدت گرفت. تولید

معا صر جنایت کارا نی چو ز باندش ، پول پوت و بان مائو یستی اش را در کمپو چیا کرد و بسی . حکومت تروروا طراز فاشیستی امین دریچه ی اشکا ل زندگی صلح آمیز کرا تیک را در مدت کوتاهی حکمروایی اش ، در همه کس ها بروی مردم زحمت کش مابست . البته در زمینه تشکیک جبهه ملی پدر وطن که طرح و مستند ل حزب ازسا ل ها ق پیروزی انقلاب بود و همزمان اولین روزهای پیروزی انقلاب گام های عملی نیز در جهت تحقق آن برداشته شده بود . این مسأله تحت نام های کارا نه ، بخاطر بدنام سازی یو لوزی انقلابی و منع ساختن مسیر انقلاب به بیرا ها ، کتمان شده و به تاق گذاشته شد . حکومت امینی ها دیگر در میان مردم نداشت و ناگزیر به سقوط و چنان هم شده . در شام جدی نیروهای وطن پرست ما و اردوی رهایی بخشانستان تحت رهبری نیروهای اصولی حزب بابرآه انداخته قیام نیرومندی طلسم ظلم و گری امینی ها را شکست دادند برای همیشه بر تسلط جهنم ایشا ن خاتمه دادند . بدین انقلاب ملی و دموکراتیک ثوابی راه نجات یافت و بر حزمردم ما که می گویند : « مردم انقلاب هر حله رهایی حزب ، ووطن است . »

پا به پای پیروزی هر حله انقلاب ، نیروهای سالم و اص حزب با اتکا به اصولیت ، اولوی علمی و پروگرام علمی تنظیم شده حزب دموکراتیک خلق افغانستان و با درک د از ساختار جامعه افغان

تیک یک ملت است . رهبر کبیر زحمت کشان جهان می آموزد که : «حزب به تنهایی نمی تواند جا معه نوین بسازد . اعمار جا معه نوین کار ، عقل و اراده توده های میلیونی جا معه است . »

و بر حق این امریست که مل ودقیق ، زیرا ، معلوم است که حزب در مقایسه با توده ها قطره یی در مقابل بحر ی بیش نیست ، و از جانبی هم میدانیم که حزب متشکل از پیشتا زترین و آگاه ترین نمایندگان طبقه یا طبقات معین اجتماعی است نه کل طبقه این امریست کلی برای همه انقلابات و باز در شرایط گسترش انقلاب دموکراتیک و آن هم دریک جا معه کا ملا عقب نگه داشته شده که طبقات و بالخصوص اقشار مختلفی وجود دارند که در امر مبارزه بر ضد امپریالیزم و فیو دالیزم صادق اند ، چطور میتوان به این همه نیروها پشت پازد .

همزمان با پیروزی انقلاب ثور مسأله مبرم تشکیل جبهه باز هم مورد نظر حزب بود و حتی پلان مشخص عملی آنرا نیز پیش کشیده بود بهمین خاطر این مسأله (تشکیل جبهه ملی پدر وطن) در خطوط اساسی و ظایف انقلاب که به تاریخ (نزد) نوردسال (۱۳۵۷) تصویب و انتشار یافت مطرح و منعکس گردیده بود . ولی دیری نگذشت که سایه ی سیاه باند جنایت کار وفا شیبست امین بر سر نوشت جا معه ما مسلط گشت . امین به حیث وفادارترین نماینده سیا تا توانست جنبش مترقی و انقلابی را ضربه زد او هزاران هموطن شریف ، انسان دموکراتیک و انقلابی را قتل

دموکراتیک مالکیت ملاکان بزرگ بر زمین و سود سلم را از میان برداشت یا دریک کلام مالکیت فیو دالی بر زمین را ملغی ساخت لذا بخاطر پیروزی کامل انقلاب ملی و دموکراتیک کشور باید کوشید تا همه نیروهای ضد فیو دالی ، ضد کمپرا دوری و ضد امپریالیستی را دریک صف واحد متمرکز و متحد ساخت و همه نیروی فعال انسان را در خدمت شگوفانی وطن گماشت .

حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه پیش آهنگ طبقه کارگر و تمام زحمتکشان کشور با اتکابه تیوری انقلابی و وفاداری کامل از اصولیت انقلابی از بدو تاسیس در پروگرام انقلابی خویش چنین طرحی را با خود برای جنبش انقلابی کشور به ارمان آورد . اگر به اسناد حزب قبل از انقلاب مراجعه کنیم در پروگرام مصوبه سال ۱۳۴۴ حزب و اعضا تند کار یافته که :

«پایه و اساس حکومت دموکراتیک ملی افغانستان متشکل خواهد بود از جبهه متحد ملی عموم قدرت های ترقی خواه ، دموکراتیک و وطن پرست یعنی کارگران ، دهقانان ، منورین مترقی ، اهل حرفه خرد ، بورژوازی ، مالکین خورد و متوسط و بورژوازی ملی ، سرمایدار ملی که در راه استقلال ملی تعمیم دموکراسی در حیات اجتماعی و به پایان رسانیدن جنبش دموکراتیک ضد امپریالیستی و ضد فیو دالی مجاهده ملی و دموکراتیک نمایند . »

این مبارزه مشترک نهفته لذا طبقه کارگر و به نمایندگی حزب طبقه کارگر و تمام کثما ن موظف است تا بخاطر ی کامل انقلاب ملی و دمو تمام نیروها ، طبقات و ضد فیو دالی ، ضد دوری و ضد امپریالیستی را جبهه وسیع متحد سازد . پیروزی نهایی در همین نقطه

ن امر نهفته است . قابل یادآوری است که بجای عملی جنبش های بخش ملی سر اسر جهان صف بندی طبقه ای و سیاست ملی هر جا معه نیرو تشکیل کنند جبهه ی طرز آن فرق میکند .

بما نیز از همین گونه انقلاب ثور ، یک انقلاب ملی پیرا ریشه های استعمار را که قرن چه به صورت مستقیم صورت غیر مستقیم ما مسلط بود برکنند و سر افغانستان را از تسلط دی و سیاسی امپریالیزم ، اکنون جا معه ما راه رشد مایداری را در پیش

ویران می شود که خرد
 های سلطنتی را باد و ب
 گذشت ز ما نخراب می
 نقش فر هنگ است که
 واستوار می ماند . بار
 شیر نوا یی بیشترین و
 صرف کار های تحقیقی
 هنری می کرده است و از
 او موقعیت ویژه و شای
 دارد . وقتی چهره ادب
 میر علی شیر نوا یی که
 در خشنده و چشمگیر

می دانیم به سیم
 او می نگریم که همچنان
 درم . میر علی شیر نوا
 سیاست گران خشک
 متعصب و تاریک بین نیس
 اجتماعی را با تدبیر ، خرد
 و آگاهی به پیش می برد
 وزارت او در دربار سلطه
 بایقرا به درد ها ، نیاز
 های مردم توجه فراوان
 است . برای هیچیک از
 اجازه آن را نداده است
 را غمگین نماید و خاطر
 و یاب به بازی آزاری بر
 در زمینه ، آثار ، پژوه
 و اشعار میر علی شیر
 همان سیمای فرهنگی او
 سازند پیش ازین تحقیق
 فراوان به سامان رسید
 اتحاد شوروی به پیمانان

در افغانستان ، ترکیه
 و هندوستان متناسب با
 اما در باره سیمای دی
 همان تدبیر . کشور دار
 است کوشش کمتری
 است که انتشار کتاب
 دانشمند خان و شناس
 شوروی بار تو له می توان
 باشد برای کوشش
 آینده درین باره و زمین
 کتاب « زندگانی سیاس
 شیرنوا یی » در باره
 نویسد :

«هروقت میخواهیم
 فرهنگ کشور خود را
 مجاور آن را در کتب د



نقد و معرفی کتاب

زندگانی سیاسی میر علی شیر نوا یی

مولف : اکادمیسین و وبارتولد

برگرداننده به دری : یوهاند میر حسین شاه .

ناشر : ریاست کلتور و هنر .

یکصد و شش صفحه

آن پرداخته است ، که در مجموع
 حسن انسان دوستی و مردم
 گرایی او را می رساند در تاریخ
 کمتر پیشینه دارد که دولت مردمی
 به مسایل فرهنگی تا جای
 توجه داشته باشد که میر علی
 شیر نوا یی . دولت مردان اگر
 گاهی صفحه ای راسپاه کرده اند
 شعری گفته اند ، تابلوی پدید
 آورده و یاسپاه مشق های کرده
 اند برای تفتن و سرگرمی بوده
 است نه نیازمندی و حساس
 مسوولیت . میر علی شیر نوا یی
 اگر شعری گفته ، ترجمه و پژوهشی
 انجام داده خطی نوشته و یسا
 تابلوی نقاشی ای پدید آورده

که در تاریخ شخصیت هایی ازین
 گونه یا وجود ندارد و یا اگر باشد
 کم است اگر از شمار تالیفات ،
 آثار منظوم و منثور او به زبان های
 دری و ترکی که به (سی و دو)
 عنوان میرسد در گذریم که همه
 در جای خود قابل اعتنا ، توجه و یاد

میر علی شیر نوا یی بدون تردید
 ی از ستارگان قدر او فرهنگ
 شورماست . اکنون که بیش از
 چهل سال از روزگار زندگانی او
 می گذرد . نام او همچنان برای
 گرامی است . اندیشه تفکر ،
 روش او بر مسایل پیرامون

مود و در دوازده ابریل در همان پوهنتون به اغا ز کرد در سال ۱۹۱۲ متاکیا د می روس شامل تارو ز وفات (نزد) ۱۹۱۲ به آن عهده باقی در ادامه گفته های خود می

لد - از زبان های شرقی فارسی و ترکی کاملا و از کتبی که به این نوشته شده بود به ستفاده می کرد و متون شاد میداد. معروفترین انشمنده که میگویند در یسی فصل تازه ای کشوده کستان اوست و لسی ش نیز از مقاله و رساله که تعداد آن به سه صد در موضوعات جغرافیایی باستان شناسی، سکه نژاد شناسی، متن فقه اللغة مردم مان آسیای وارا ضی دیگر اسلام می ده. همه عمیق و دارای بیار از زنده است. ارتباط ارزش و اهمیت دگانی سیاسی میر علی ی «یاد آور میشود»

ارتو لد در تالیف این ماخذ اصلی نظر داشت دقیق تاریخ نویسی خود یف نمود. در ارزش این ما گفتند که در بحر وسیع باره آثار میر علی شیر رساله یعنی «زندگانی میر علی شیر نوایی» چون ی می در خشد و این مت تا حال هم ادا می

ب زندگانی سیاسی شیر نوایی پیش ازین به رجم به دری برگردانیده است و این بار به مناسبت تحقیق بر آثار و احوال شیر نوایی «تجدید

کلتور است در این اشاره و ا ر مختصر آمده است :

«شاد مانم که با آغا ز دهه تحقیق در باره امیر علی شیر نوایی و عصر او رساله کسه خاور شناسی نامدار پرو فیسر واسیلی بار تولد در زمینه یکی از ابعاد شخصیت نوایی نگاشته است به چاپ میرسد این اثر بار تولد در اصل به زبان روسی بود و در درازی سال های زیادی تنها کسانی از آن برخوردار می شدند که زبان روسی میدانستند»

دانشمند . استاد مینور سکی این اثر را به زبان انگلیسی برگرداند و به این وسیله زمینه آن فراهم آمد که کتاب مورد استفاده گروه کثیری قرار گیرد و اینک چاپ دوم آن به دری در دسترس علاقمندان قرار دارد که در گزارش آن دانشمند معاصر پوهانده میر حسین شاه زحمت قراوانی بر خود هموار داشته و بدینسان است که زمینه استفاده از کتاب برای جامعه دری زبان نیز فراهم می آید. کتاب در بخش فصل و یا عنوان بخش بندی می شود با آنکه نام کتاب زندگی سیاسی امیر علی شیر نوایی نا یافته است به اوضاع و احوال فرهنگ زمان او نیز اشاره های درین کتاب وجود دارد که محقق و پژوهنده را بی نیاز از مراجعه به متون فرهنگی که در باره میر علی شیر نوایی نگاشته آمده است می سازد درین بخش هانشان داده میشود که در دوره تیموریان هرات به اوج از شکوهمندی فرهنگی رسیده است. هنر نگاره گری دوره تکامل خود را می پیماید و به دست هنرمند نابغه و نگاره گر بی همتا «بهزاد» به شهرت سی جهانی می رسد. شعر کهن دری آخرین نماینده بزرگ خود مولانا جامی را به جهان می شناساند. هنر خطاطی و موسیقی هم رواج و رونق شگفتی پیدا می کند

بی پایان قرار می داد. در اثر دخالت های مستقیم او در بار سلطان حسین بایقرا به مجمع بزرگی از هنرمندان، شاعران، نویسندگان مبدل شده بود. تا جایی که سخن چینان و حسودان در سلطان دمیدند که در اثر بخشش ها و سخاوت مندی های میر علی شیر نوایی خزانه پادشاهی خالی شده است. این روایت نشان دهنده آن است که میر علی شیر نوایی در راه گسترش رواج و بخشش فرهنگ دری و ترکی نقش شایسته ای داشته در کتاب زندگی سیاسی میر علی شیر نوایی که یک کتاب صرفا سیاسی باید باشد به این بخش یعنی بخش فرهنگ و گسترش آن در دوره نیز توجه شده است.

بار تولد در نوشتن این کتاب زحمت بی شماری بر خود هموار داشته است از ماخذ و منابع دست اول و قابل اعتمادی استفاده کرده است. منابع این کتاب در آخر هر صفحه نشان داده میشود که به خواننده پژوهنده و علاقمند آثار میر علی شیر نوایی جالب است بار تولد بسیاری از متن ها و تذکره ها و تاریخ های را که در باره آثار و احوال میر علی شیر نوایی اشاره های دارند مورد تردید قرار می دهد با آگاهی یک محقق واقعیت بین و دانشمند صحیح ترین و مستندترین قول را درباره اومی پذیرد و ایت های مجهول به اثبات نرسیده و غیر دقیق را در باره میر علی شیر نوایی نمی پذیرد. بار تولد در این کتاب بیشترین اتکا را بر متن ها می دارد. که در زمان زندگی علی شیر نوایی تدوین شده اند و یا از نظر تاریخ نگارش به زمان نزدیک شده به قول دو مورخ آگاه خواننده میرو میر خوانند که در شمار معاصران میر علی شیر نوایی اند بیشترین اتکا را دارد. بار تولد با سبک عالمانه ای که در تحقیق و تاریخ

و تدوین آن سال ها زحمت و حتی رنج سفر را بر خود هموار داشته و به اقوال و افواه شفا هم توجه کرده است بر سرز هرات، موفقیت، فرهنگ و آمدن آن توجه شده است. در بخش بار تولد نشان می دهد در دوره میر علی شیر نوایی اثر کار، تلاش علاقمندی و او چگونگی شهر هرات عظمت دست رفته خود را باز می یابد شرق مانند نگینه ای می در در اساطیر هم نام هرات گرا داشته شده است و در دوره علی شیر نوایی شکوهمندی این شهر بازسازی و ناسا مردانی را در دامان خود می پر که شایسته ترین افتخار را شادباش ها را سزاوارند. سوم کتاب به تبار و دوره جوی علی شیر نوایی اختصاص یافته است در این بخش کتاب نشان داده میشود که چگونگی تباری نه چندان به شهرت در اثر کار زحمت و تلاش هم خویش به چکا دی از دانش سیاست می رسد. که توجه جهانیان را به سوی خود کشاند درین بخش کتاب خواننده می یابد که اگر انسان ارا کند می تواند چکاد های برین اف را فتح نماید بر شکوهمندی جلال تمدن و فرهنگ بشی بیفزاید و خویشتن را به جاود برساند.

جوانی علی شیر نوایی به مطالعه، تفکر، پژوهش هم بوده است، یار همیشگی او دانشمندان و اهل دل بوده و او از روز های جوانی خود عظیم ترین استفاده ها را کر

است. شهرت، لیاقت، دانش، آ تدبیر و رفتار مردم گرایانه علی شیر باعث آن گردید که گروهی از حسودان، تنگ نظران، و آنهایی که از خود

ساعت (هفت و پنج) دقیقه
رهبر حقوق مدنی سیاهان
گردید .

بیست و پنج دقیقه پس
یکی از اعضای دفتر . کنگ
که چشم هایش از گریه
آماس کرده بود از شفا خا
وبه روز نامه نگاران اظهار
داشت « کنگ را کشتند »
از دوستان او گفت کنگ هم
انتظار قتلش نبود ولی
وقوع آنرا انتظار نداشتند
در اتلانتا به (کوریتا
همسروی از ممفیس ذریعه
اطلاع داده شد که کنگ
شده است . شاروال اتلانتا
حادثه اطلاع یافته بود به
کنگ شتافت تا (کوریتا
میدان هواپی برساند .
در انتظار بود تا موصوفه
شوهرش برساند .

موتربناروال از جاده
آلود و بارانی اتلانتا جان
هواپی برافزاد . در میدان
پیش از آنکه همسر کنگ
طیاره داخل شود یک نفر
را از مرگ قطعی مارتین اط
بناروال موصوفه را در
میدان هواپی متوقف و بو
بود که داکتران از نجات
عاجز آمده بودند . کوریتا
اش بازگشت تا شب را
طفالش سپری نماید .

پولیس ممفیس فوراً
موتل مورین را محاصره
شاید ن عینی اظهار میدا
قاتل بعد از رها کردن اس
کنار جاده ذریعه یک مو
رفتار سفید رنگ از محل
کرده بود ، راه های عمده
شد و اداره تحقیقات فدر
تعداد نمایندگان خود را ب
جستجوی قاتل به ممفیس
ولی قاتل از نظر ها غایب
بود .

مرگ مارتین با عت آش

ایستاده شد و قصد داشت باتاق
خود برگردد .

ساعت شش و یک دقیقه رانسان
میداد و یلارد نفس عمیقی کشید
انگشت شهادت دست راست او
با آهستگی ماشه سرد تفنگ را به
سوی خود کشید .

آنهایکه سقوط داکتر را بروی
بالکن ندیده بودند چنین پنداشتند
که انفجار پتاقی صورت گرفته
باشد .

گوله به الاشه و گردن مقتول
اصابت کرده بود . قاتل یقیناً
حاصل کرده بود که فیر گلوله
دو می لازم نبود . او اسلحه را در
یک قطی مقوایی گذاشت و خریطه
اش را نیز برداشت و از اقامتگاه
خود خارج شد . و یلارد اسلحه و
خریطه را در کنار سرک رها کرد و
از نظر ها غایب شد .

همدستان کنگ و باشندگان
موتل به بالکن ، جایکه داکتر بخاک
افتاده بود شتافتند . یکی از
دوستان وی سرش را در آغوش
خود گرفته بود . یک سفید پوست
در حالیکه قطیفه بدست داشت به
کنگ نزدیک شد و آنرا بروی زخم
گذاشت . و خون همه جا را فرا
گرفته بود .

یکی از دوستان نزد یک داکتر
که امکان انتخاب وی به صفت
جانشین کنگ در « کنفرانس رهبری
عیسویان جنوب » میرفت احساس
میکرد که نجات دادن کنگ بسیار
ناوقت شده بود او به بالین
دوستش نزدیک شد و بزانو افتاد
اشک در چشم هایش حلقه زده بود
وسه بار کلمه مارتین را بزبان
آورد .

وقتی امبولانس به محفل
واقعه رسید آثار حیات به سرعت
از کالبد داکتر زایل می شد مرد
در حال احتضار ساعت (شش و
شانزده) در اتاق اضطراری
شفاخانه سنت جوزف برداشته شد
یک تیم (دوازده) نفری داکتران
فوری به محفل حاضر شدند و



مارتین لوتر کینگ

قسمت دوم

نمونه قاسم « سرمد »

من هم یک انسانم

مارتین لوتر کینگ رهبر سیاهان

چگونه بقتل رسید؟

ساعت پنج و پنج و هفت بعد از
روز پنجشنبه داکتر در
با درایور و دوستانش که در محل
بار کینگ موتل ایستاده بود ند

نهم سپتامبر یاروژ سالگرد

انقلاب بلغاریا

نهم سنبله سال ۱۳۶۰ یا نهم سپتامبر ۱۹۸۱ مصادف است به سی و دومین سالگرد پیروزی انقلاب مردم بلغاریا. تاریخچه بود که سی و هفت سال (در سال ۱۹۴۴) مردم قهرمان و انقلابی بزرگی را نصیب دیدند و با سرنگون کردن دیکتاتوری فاشیستی انقلاب را به پیروزی رسانیدند و ویریت سوسیالیستی بلغاریا توسط «پتروف» فرزند قهرمان آن کشور از این روستا که مردم بلغاریا روز تاریخی کشور خویش را روند و مقدم آن را گرامی میدارند. مردم بلغاریا بر سلطه فاشیسم استعماری سر آغاز ساختمان سوسیالیستی و انکشافات اقتصادی و اجتماعی در آن کشور و پیدایش و این پیروزی نمونه مبارزات مبارزی بود که توسط مردم قهرمان کشور بر ضد فاشیسم و استعمار شده بود.

جنگ دوم جهانی و ظایف خطیری ملت و مردم بلغاریا وجود داشت، ملی آن کشور به سرعت رشد و کائنات زیست بهتر مردم زن کشور دید.

اولیا بعد از پیروزی انقلاب به زیادی در ساحه های مختلف زندگی و پیشرفت های صنعتی و زراعتی که سیستم اقتصادی آن کشور را

انکشاف می بخشید اکنون به مراحل عالی و پیشرفته ای رسیده است. محصولات صنعتی آن کشور در سال ۱۹۷۵ به مقایسه سال ۱۹۵۰ هجده چند ازیاد را نشان می دهد، بلغاریا امروز از نگاه صنعت الکترونیک در جهان مقام ششم را حایز می باشد و تولیدات مطمئن صنعتی آن توجه خاص جهانیان را بخود معطوف داشته است.

مردم بلغاریا نه تنها از نظر اقتصادی بلکه در فروغ پیشرفت های انقلابی میسر گردیده اند متکی بخود اند بلکه بسا از کشور های دیگری از جهان نیز از این ترقیات و پیشرفت های مردم بلغاریا در ساحه های علمی، تخنیک و زراعتی مستفید گردیده اند. انواع مختلف ماشین آلات و محصولات فابریکات این کشور به ممالک دیگر جهان صادر می گردد و متخصصان و دانشمندان کشور بلغاریا در ممالک مختلف قاره های آسیا، آفریقا و امریکا لا تین بسود زحمتکشان و در جهت ارتقای سطح حیات اقتصادی و اجتماعی آن کشور ها دوش بنوش زحمتکشان آنها کار می کنند. و حدت و همبستگی بلغاریا با سایر کشور های سوسیالیستی بخصوص کشور بزرگ صلح جهان کشور شوروا ها در امر پیشرفتهای روز افزون و

جشمگیر اقتصادی آن کشور مساعدت خود می نموده است.

کشور سوسیالیستی بلغاریا منجبت یکی از کشورهای عضو جامعه همکاریهای متقابل اروپا یعنی کومیکان نه تنها با کشورهای برادر سوسیالیستی همبستگی و روابط حسنه برقرار نموده است بلکه عندالموقع از تمام نیرو های انقلابی و نهضت های آزادی خواه جهان حمایت و پشتیبانی های بی دریغ خود را ابراز نموده است و همچنان ابراز خواهد نمود.

مردم افغانستان آزاد و انقلابی که با خلق قهرمان و استعمار شکن بلغاریای جوان روابط عمیقی و کهنی را دارا می باشند نه تنها این روز تاریخی یعنی پیروزی انقلاب سوسیالیستی را به خلق زحمتکش آن کشور تبریک می گویند بلکه موافقت های مزید ایشان را در راه ترقیات و پیشرفت های مزید سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آرزو می برند. گرچه روابط میان مردمان جمهوری دموکراتیک افغانستان و کشور قهرمان و انقلابی بلغاریا تاریخ قدیمی دارد و لی این روابط بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند شور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن که آخرین

حلقه استبداد فاشیستی در کشور مادو شکست بطور محسوس و روز افزونی به مشام می رسد. مردم قهرمان و انقلابی افغانستان که سالیان درازی را در زیر سلطه رژیم مستبد وابسته به دودمان رسوا و تاریخ یحیی بسر برده بودند با پیروزی انقلاب آزادی بخش ثور آزادی واقعی خود را نصیب کردند و قدرت سیاسی را از یزید چپ و ستمگران تصاحب نمودند و با پیروزی نوین و تکاملی انقلاب ثور در تحت ره حزب دموکراتیک خلق افغانستان و طرد مردم و انقلاب خویش را از توطئه سپاه ساز چپمی ایالات متحده امریکا «سیا» نجات بخشیدند مسلما از حمایت و پشتیبانی بی دریغ همه نیرو های صلح دوست و آزادی پسند جهان در راس اتحاد جماهیر سوسیالیستی در امر بزرگ دفاع از و مردم و انقلاب خویش در برابر تجاوز و مداخلات و جنگ اعلام نشده، از تجاوز هژمونستی و امپریالیستی بر خور داران بلغاریای قهرمان و انقلابی یکی از کشور دوست و برادر مردم افغانستان بوده و این دوستی و برادری خلقهای هر دو کشور تا درازی دارد.

ما آرزو مندیم رشته ناگسستگی دو سالیان میان مردم ما و مردمان صلح دوست، خواه آزادی پسند بلغاریای قهرمان به استحکام خود روز بروز به افزایش و نیرو مندتر گردد.

ایلیا سوچ کوف

یکی: پوهنیار محمد هاشم بشریار

غلا شوی مغز و نه

چی آسیای او افریقای هیوادو نو داستعمار یوغ مات کره هغوی خپل ځانونه د اقتصاد له مخی وروسته پاتی او دودی په حال کی ولیدل. هغوی وپوهانو، تخنیک پوهانو، ډاکترانو، بنوونکو او داسی نورو پرسونل او کار کوو نکو له مخی د زیات کموالی او تنگسۍ سره لاس او گریوان وو. ددی لپاره چی ملی ژوند احیا او په هغه کی بریا لیتوبونه تر لاسه شوی وای، نو متخصصین او ما هران باید ژر تر ژره روزل شوی وای، او له بلی خوا هغه تجربی چی د اقتصاد له مخی په پر مختللیو هیوادو نو کی به لاس راغلی وی دودی

تجربې په عاریت اخیستلو سره د خاله منځه یوسی چی دوی په سای او تکنالوجی د پر مختللیو هیواد څخه بیل او لری ساتی، او له خوا هغوی یوا ځی د خپلو تحقیقات او څیړنو د ودی له مخی کولای چی علمی او تکنالوجیکی لوړی سو ته ورسیری.

ددغه وروستنی هدف په نظر نیو لو سره، ډیر و نو یو استقامت او خپلواکی ته رسیدلیو هیواد په گړندی تو گه سره د روزن پروگرامو نه پیل کړی دی. په لړکی ډیر زیات ځوانان باندیس هیواد ونو ته او همدا رنگه شور

دغه متخصصین یا د پوهی خاوندان

دختر فال

پیروان

پشته :

ستگیر نایل

دست و سیح به نظر می رسید که سفق است . ستاره هائیکه در دامن لاجوردین چشمک می زدند ، کم کم از نورشان نه میشد .

جوره) لحاف را از روی خود پس کرده پای خود نشست ، پس از آنکه بادهای س را شکستند ، نیم خیز شد اما کسالت سنگی کار روز گذشته که از دم صبح بفتن معروف نفل دادن غله از خرمن بخانه ، مانع شد . شمع آفتاب سحرگاه می پس کوهها نورافشانی میکرد. یکبار بیادش که امروز همراه (بابه رشید) همسایه در (لاس) فالیز ، و عده کمک کرده است . واسکت خود را که در زیر به لشت بود ، پوشید و از بستره بر خاست و با ساعت هفت ، هفت و نیم صبح بود خانه بابه رشید که در دشت ، آنطرف تر فالیز خود ((چیری)) زده بود ، رفت .

جوره را تمام مردم قریه به عنوان یک آدم والی ، بدگذاره ولی با غیرت و شجاع شناختند . جوره از دیر زمان به اینطرف رفته (دختر بابه رشید را دو ست داشت و وقت های خورد سالی که در مدرسه سبق بودند ، یکدیگر را می شناختند نه هم جوره را به نسبت گذشته های رش ، به نسبت صفای قلب و با غیرت نش ، دوست داشت . همان روز که جوره بخانه بابه رشید رفت ، ساس عجیبی می کرد . دردهنش اندیشه ها

هم با آمدن جوره پیراهن گلدار قشنگی پوشیده بود و گاه گاه از زیر چادر گل سییی اش به جوره دزدیده نگاه میکرد .

ساعت چهار بعد از ظهر بود که بابه رشید یک جوال را خر بوزه و تربوز پر کرده به جوره داد که خانه خود ببرد . یکروز که جوره باز هم بمقصد اجرای کاری بخانه بابه رشید میرفت ، عایشه را در راه دید که گوزه را بشانه گرفته بود و از چشمه آب می آورد . جوره در حالیکه بدنش از خوشحالی زایدالوصفی می لرزید ، خود را به عایشه نزدیک کرد و گفت :

— ((عایشه ، امروز چطور تنها آمدی ؟ بابه خانه بود ؟

عایشه دیوانه وار به او می تگریست ولی بزبان حرفی گفته نمی توانست . چشمپایش به جوره مانند یک آهوی وحشی و رام نشدنی دو خته شده بود . یکبار با علامت تردید سری تکان داد :

— ((نی، خانه نبود .))

هیجان عجیبی به هر دو دست داده بود . هر دوی شان دلباختگان ساده و بی آلاشی بودند که طرز ابراز احساسات عاشقانه خود را نمی فهمیدند . جوره ، بعد از لحظات زیاد همین قدر بخود جرئت داد که گفت :

— عایشه ، می فهمی ؟ خوشم می آیی ! بیحد خوشم می آیی ! به خاطر همی بود که چند بار مادر خوده خانه تان روان کدم تا تیره

طلب کاری کنه !))

عایشه ، گیسوان سیاه و درازش را که پریشان شده بود ، می بافت و از زیر چشم باشرم روئی به جوره می تگریست . یکبار با خجالتی گفت :

بما چی آبرو می مانه ، ده بین همسایه ها چطور سر بالا کنیم . مخصوصا از باب قادر که به خاطر بچه خود به مه چشم دو خته !))

جوره تکانی خورد ، خشم و نفرت بر فکر و اندیشه و روان جوره نسبت به از باب قادر سایه تیره و درد ناکی افگند و در حالیکه دندانپایش را بشدت می خانید به عایشه گفت : — ((تو برو عایشه ! ما مه باز هم به باب قادر ثابت خات کدم .))

ماههای تابستان یکی پس دیگر میگذاشت . یکروز از باب قادر جوره را بخانه خود خواست تا از زبان خودش در باره عایشه چیزی بشنود . از باب قادر از جوره پرسید : — ((کار های دهقانی خوده چطور گدی

جوره ؟))

— ((یک خر من مانده و پس .)) — ((به نامزدی خود پول پیدا کنی ؟ آره به کمک احتیاج باشی مه حاضر استم .))

جوره مقصد از باب را درک کرده با خشم گفت :

— ((مه به کمک آدمهایی مثل تو احتیاج ندارم . مه همیشه از بازوی خود کمک خواستم .))

از باب با خشم غریه .

— کمپ خوده برابر عقلت بزن . مری چی شده ؟ ملک و زمین ندارم ، عزت و آبرو ندارم ، چی ندارم ؟

جوره ، بازره خندی گفت :

— ملک و زمین ؟ شما همیشه بهای چیز های خود می نازین .

— چرا نه نازیم ، ملک و زمین و پول هم عقل اس و هم دانائی !

جوره سر خود را پائین گرفت و چیزی

او دختره می خرم ، به خاطر تو جوره در حالیکه بشدت می عصبانیت داد زد :

— به خاطر مه ؟ خوب ، دیده و با خشم از خانه از باب و از آن جوره دانست که دشمنی و ارباب قادر هر روز بیشتر شده درک کرد که معطل کردن در کار مشکلات او می افزاید ! لذا باقی و تکالیف فراوان به جمع آوری حاهمت گماشت . از باب قادر هم تاریخ بیکار نشست . یکروز رشید رفت تا دختر او را به پسر خواستگاری کند . گرچه چند غیر مستقیم هم بگوش بابه مطلب بود .

— بابه رشید ، تو می فهمی مه بخانه تو نیامده ام ، اما حالا کرده آمدیم ، باید که ننگ ما و از خانه خود خوش رخصت مان بابه رشید که قبلا از مخالفت با جوره خبر داشت و ضمنا بخود دختر او چشم دو خته بود ، بی خبری زده گفت :

— قدمهای تان بالای چشم ،

را نفهمیدم از باب صاحب !

— مقصد مه روشن اس ، می

مره به فرزندی خود قبول کنی و

به او به زنی بتی .

بابه رشید ، لحظه ای بسکوت

قطرات عرق از پیشانی اش بر

گرفت . از باب گفت :

— کمپ مری جواب نگفتی .

زمین خود ده به همی ا ر بس اب
گرو داده بود . پدر جوړه که مرد و جوړه
بامادر و یک برادر خودده خانه مانند ، دوطی
چند سال جوړه توانست که پیسه گرویره
به ار باب بته و زمین خوده بگیره . اما ار باب
ده وقت تحویل زمین می گفت که زمینه از پدرت
خریده ام . تلاینگه مردم ار باب قادره ملامت
کردند و زمین به جوړه تعلق گرفت و همی
گپ بود که ار باب با او عقده گرفت . حالا
که جوړه به دختر ما گپ مانده ار باب برضد
جوړه می خواهد که این موضوع ره خراب
بسازه و عایشه ره به بچه خود بگیره
مادر عایشه که بی تابانه انتظار شنیدن
بغیه مطالب را می کشید ، جلو حرفها ی
شوهرش را گرفت :

— ها ها ! مه هم تاننازهئی از زبان بعضی
ها شنیده ام که مخالفت ار باب با جوړه از
همی گپ ها پیدا شده ، ما خو به مادر جوړه
وعده کردیم که پس از جمع شدن حاصلات
موضوع ره یکطرفه می کنیم .

— گپ ماخوهمین طور بود ، اما ار باب بسیار
بسیار زشت بمن گفت و یاد آوری که که یک
لک افغانی تویانه بشما میتیم بشرطی که از
موضوع جوړه بگذرین !

زن بابه رشید با شنیدن این حرفها بلرل
به او نگریست و در دل زمزمه کرد : ((یک لک
افغانی !)) و یکبار تغییر اندیشه داده باحالتی
که د لسوزی اش را نشان میداد گفت .

— ما و شما زورای مردماره نداریم ، ار باب
راست میگه ، هر کار بکنن می تائن ما باید
خوده با آنها ده بلا نیندازیم و هر قسم میشه
ار باب قادره از خود خفه نسازیم ، خوب
فکر خوده بگیر و آینده ره هم پیش نظر خود
بیار .

بابه رشید آه درد ناکی کشید و دو حالیکه
به زن خود با خشم و بی اعتمادی می نگریست
گفت :

— جوړه در هر جا و به هر کسی گفته که
همو قسم که ار باب قادره در بابت زمین در
بین مردم قریه مسخره و بی آبرو سا ختم ،
ده موضوع عایشه هم بد نام و بی عزت خواهد
سا ختم .

— ای گپ ها جائی ره نمی گیره ، هر کس
میدانه که زور ، زوراس و کمزورهم کمزور ،
آب زور همیشه سر بالا میروه ! ما و شما
باید کار خوده بکنیم .

بابه رشید در اثر اصرار زن خود ، چند

بچه بیوه ره می گوئی؟ ده ای قریه
ولدار و ملك دار کم بود که دختر
بچه بی سروپا که بیک لقمه نان
می تی ؟

هست ، حالا به مادرش قول
د چیس ار باب .

از شانه بابه رشید گرفت وبا
:

بچه مه بهتر آدم یافته نمی توانی ،
یک مطلب است که ای گارده می-
... تو باید اصل گپه بفهمی ،
یک لک افغانی پول نقد تو یانه
و دگر کمک هم از دستم رسید
نمی گم ، فقط اینقدر که تو
بجا کو .

بتش را از شانه بابه رشید
ز جا بلند شد که برود . بابه
ماس دستی به ریش ار باب برده

بسیار سابق با او بچه و پدرش
م ، به او قول دادیم ، و عله
نور می توانیم بو عده خود و فا

ادر با خشم غرید :

گپ مره قبول نکتی ، مه مجبور
ه های د یری پیش بیایم . تو
وعزت خود بدانی ، و مگر نه
نمی مانم که دختر خوده شوی
دا آ خرین فکر خوده بکو و بعد
س بته خدا حافظ !

باب از خانه بر آمد ، بابه رشید
مواج پر تلاطم اندیشه غرق دید .

مندی او باب فکر میکرد ، صداقت
ره را پیش چشم خود مجسم می-
نی گرفتن یک لک افغانی تو یانه
سوی خود می کشاند . چگون
زن خود آمد تامو ضوع را با او
نارد ، گیج و متحیر بود ، نمی-
راه را انتخاب نماید . ما در

اسپ های دلماد و عروس می خواندند و دین
سوار کاران و پیاده ها از د نبال آنها رو
بودند .

همان شب جوړه در حالیکه بغض حس
گلویش را گرفته بود و چشم هایش ا
ریختن اشك حسرت مانند شعله آ
کشته بود ، کاردی را که در خانه داشت
در زیر چین خود گرفت و به محفل عروس
رفت .

شبی تاریک بود و در روشنی کمرب
اریکین ها و جنب و جوش مردم کسی خو
ساخته نمی شد ، جوړه ، چهره یک آ
انتقام جو و حسود را بخود گرفته بود . بدن
شدت می لرزید و اعصابش با نهایت خ
خراب و بد بود .

جوړه موقع می پالید که ار باب یاد
را هدف خود قرار داده شکم شانرا با کارد
بدرد .

مدعوین همچنان باشور و هلهله بس
خانه ار باب در حرکت بودند ، تلاینگه د
دروازه قلعه ار باب رسیده ایستاده شدند
عروس را هم از اسپ پائین کردند . یک
خویشاوندان ار باب گوسفندی را از د
قلعه بیرون کشیده پیش روی اسپ عروس
ذبح کرد . ار باب نیز از اسپ پیاده ش
در گوشتنی ایستاده شد و با غرور و س
بلندی صدا کرد :

— برین درون قلعه ، همنجه بیت بخوا
که زنها هم به بینن . ا مشب ، شب خون
وسادی اس ، هاهاهها !!

جوړه به نسبت ازدحام مردم خودرا به
رسانیده نتوانست اما ار باب را در گوشه
خلوت تر یافت و باسه ضرب کارد در تار
شبشکمش را پاره کرد ! واژ صحنه ف
نمود . درین وقت صدای هیبت ناکی بگو
مردم رسید !

— آخ... بخیرین که مره گشت !!
اطرافیانش با عجله بسوی آواز شتا
نعش ار باب مانند کوهی بزمین افتاده
او را از زمین بالا کرده بدرون قلعه بردند
ولی در نیمه های شب در گذشت .

ارباب در آ خرین د قایق عمرش که بر
سختی نفس می کشید ، و لبهایش خ
شده بود و به گپ زدن پیش نمی آمد گفت
— جو ره... بود ! جوړه ...

و فر دای آن جوړه را به جرم قتل ، ب
زندان بردند !
(پایان)

فراهم شده و حاضر است که دختر خود را
به پسر او به زنی بد هد .

ار باب قادر با شنیدن این خبر که پیام
آور پیروزی او به حریف بود ، مبلغ بیست
هزار افغانی با مقداری از مواد خو را که و
دیگر ضروریات بخانه بابه رشید فرستاد
و وعده کرد که بقیه را در شب عروسی می-
بردازد ، بشرط آنکه موضوع را یکباره حل
و فصل نماید .

جوړه که در آن روز ها مصروف جمع آوری
حاصلات خود بود و یک قطعه زمین خود راهم
گرو کرده بود ، از ارسال کردن مصارف تویانه
و تصمیم بابه رشید اطلاع یافت . پیش از
آنکه تابوت آرزو های بر باد رفته اش را
بگورستان هوس ها و ضابطه های اجتماعی
ببرند ، بخانه بابه رشید رفت تا حقیقت را از
آنها جویا شود . جوړه بغویب احساس کرد
که روحیه و پیش آمد بابه رشید و زن او
طوریست که جوړه توقع آنرا نداشت ، گفتار
و حرکات آنها به نظرش تصنعی و نفرت انگیز
آمد . بنابراین مایوس از خانه بابه رشید
برآمد .

مره ها و عقده های دلش در برابر باب
و هر آنچه زور مندان و دوستان فریب کار
و فرصت طلب بود ، رو ییم انباشته میشد .
یکبار قاطعانه تصمیم گرفت که شب عروسی
ویا هر وقت دیگر که فرصت دست بد هد ،
ار باب را به جزای اعمالش برساند . لذا
به عشق آ تشین خود که سالها جوانه های
آنها در باغ رویایی دل خود پر ورانیده بود ،
می اندیشید . به فر دا فکر می کرد ، به
فر دا های دور که اگر خودش نباشد ، به
استقبال برادر کوچکش می آید ، سلول
های زندان ، رنجها و آوار گیهای مادرش را
پیش چشم خود مجسم میکرد . اما امیلوار
بود که هنوز یک قطعه زمین دارد که مادر و
برادرش می توانند با استفاده از آن زنده
بمانند .



در کشور های مرفی همه وسایل برای اطفال آماده ومهیا

مواظبت وبرورش آنها از جمله مهم ما میباشد . به ناسی از دموکراتیک افغانستان در پس از انقلاب نور خاصا در مرحله نوین وتکاملی آن تدابیر مختلفه قانونی واجرائیوی رادر سطح زندگی اطفال و خانواده ارتباط داشته تغذیه و پرورش رویدست گرفته که با تطبیق میرود این گروه عظیم انسانی ضرورت لازمه زندگی نایل گر احکام اصول اساسی جمهور افغانستان ، مندرجات رهنمود های پلان های انکشافی ، فرولوايح متعدد و متنوع در بخش حیات اقتصادی واجتماعی به وضوح دلچسپی د و گت و مقابله دولتی وحزبی رابه اطفال کشور برخی از این قوانین ومقررات در در معرض تطبیق واز مایش قرار ملاحظه آن ضروریات اطفال اصلاحات وبهبوددهائی در زمینه

از رسیدن به حقوق اساسی شان دور میمانند ولی نظام های مرفی حتی در جوامع عقب مانده نیز نظر به توجه خاصی که به اطفال وآینده شان دارند زمینه تامین اهداف مذکور تاحد زیادی مساعد ساخته میشود . علاوه درک احساس آگاهانه و ضرورت موضوع به کشور های فقیر وعقب مانده نیز اجازه نمیدهد تا منابع و ظرفیت بزرگ انسانی را که اطفال سنین پائین تراز چهارده سالگی شان تشکیل میدهد نادیده بگیرند ، زیرا ممالك روبه انکشاف بذبح خصوصیات دموگرافیکی و اقتصادی واجتماعی که دارند دارای نفوس جوان بوده واطفال سنین پائینتر از چهارده سالگی آنها بین ۴۰ تا ۵۰ درصد وجعوع نفوس شانرا تشکیل داده که بانیست مورد هر نوع توجه قرار گیرند ، گذشته از آن همین اطفال امروز اند که بعد از سپری شدن مدت زمانی نیروی کارو قوای بشری وتولید کنندگان نعم مادی کشور را تشکیل میدهند .

چون اطفال دارایی و سرمایه گرانقیمت بوده و جوانان و چشم امید آینده کشور میباشد

سود

ماده (۲۶) اصول اساسی جمهور افغانستان در زمینه اطفال
دفاع کشور چنین حکم میکند
بطفال تحت حمایت خاص دولت
علاوتا ماده (۲۹) اصول



به ارتباط سیمینار حقوق طفل

اطفال به حقوق اساسی

شان نایل می شوند

... از آنجائیکه دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان بنابر ماهیت مرفی و مردمی اش تامین همه حقوق انسانی رابرای هر فرد کشور رزومند است در مورد تحقق وتامین حقوق اطفال نه تنها ابراز پشتیبانی صادقانه نموده بلکه تعهد سیرده و می سیرد .

هجانی ابتدائی و تحقق این ارمان را برای
ال کشور تاکید می کند .
ن فرمان (۲۸) پالیسی دولت را
مجدله علیه بیسوادی و محو کامل
ی ذکور و انات کشور منعکس میسازد
آن در در از مدت بهبود و اصلاحات
دظه ای رادر حیات اقتصادی و اجتماعی
عای این مرز و بوم تضمین میکند .
رای جلو گیری از کار اطفال و نشو و
م شان و به خاطر سوق دادن بیشتر
مؤسسات تعلیمی در لوايح و قوانین
ه کارو کارگر کشور در مؤسسات و
سمی تولیدی برای اطفال سنین
۱۵ سال و در فعالیت های خدماتی
افال سنین پائینتر از ۱۸ ساله اجازه
ه نشده است .

شده اقتصادی و اجتماعی را می نماید . بعد
از ازلاب ثور خاصا پس از استقرار مرحله
نوبن و تکاملی آن سیاست و استراتیژی انکشاف
اقتصادی و اجتماعی بر پایه های جهان بینی
مترقی و اصول و میتود های نوین استوار
گردیده که در دراز مدت رفاه مادی و معنوی
مردم کشور را تضمین میکند .

برای رفع سریع عقب ماندگی های دیرینه
اقتصادی و اجتماعی این میراث رؤیم های فرتوت
گذشته و به خاطر ترقی اجتماعی و ارتقای سطح
زندگی مردم رنجیده کشور کلیه فعالیت های
اقتصادی و اجتماعی بادر نظر داشت شرایط
و امکانات مالی و مادی در چوکات پلان های
علمی تنظیم شده است . بر مبنای اصول
اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان و
مطابق پالیسی های حزب و دولت قدامت هاو
و اولیت ها ، پلان ها بر وفق موازین
و منافع ملی تشخیص شده و از منابع مالی و قوای
بشری داخلی و مساعدت های مالی و تخنیکی

در یک تاحال مجموعه پالیسی مشخص
ی اطفال کشور تهیه و تدوین نگردیده ،
و مثال های ذکر شده بالا میرساند که
عوادل طرح چنین پالیسی به صورت



در کشور های مترقی اطفال از همه مزایای زندگی انسانی بهره مند اند .

ه در لابلای مواد قوانین و فرایندها و لوايح
ت دولت موجود است که با استفاده
میتوان در طرح پالیسی و پروگرام های
اجتماعی اطفال مبادرت ورزید .
ه گذاری و تامین رشد و انکشاف همه

خارجی استفاده معقول و مطلوب بعمل می آید .
پلانگذاری در کشور مابه مثابه وسیله و
اساس نیل به اهداف بزرگ جمهوری دهو -
گراتیک افغانستان به منظور محو کامل عقب
ماندگی اقتصادی و تحقق تعاللات و دیگر غرضی

از: رؤف راصع

به مناسبت برگزاری سیمینار
طفل و قانون

فریاد کودک، فریاد خفه شده زمان ها

بسیار و سيع در میان اطفال
داشته و این فاجعه بحدی و
یافته است که تو ما ر زندگی
کودك از هر نه کودك را بر
است.

از سوی دیگر فقر و نا
دریک پهنای گسترده ملی
موجودیت يك روش در س
در تقسیم و توزیع خدمات
و تربیه و موجودیت سیستم
انحصاری فرهنگی موجب گ
است که یا برای بیشتر این
کودکان در سن مکتب ، شر
شمول به مدرسه مهیا نباشد
خانواده به خاطر نیاز شد
اقتصادی و عدم توانایی با
امور اقتصادی خانواده ،
نازل ترین سطح ممکن آن ،
گردد که کودکان را به پیشه
و آموزش يك حرفه تشویق
در سواد آموزی برای اوتلا
داشته باشد که به این ترتیب
طفل با نابسمانی های فر
به همراه گردیده و هم همه
های نوید بخش برای آیند
بروی جامعه مسدود گردیده
تحمیل کار های دشوار و
از توان جسمی کودکان
امری است تاثر انگیز و ز
در شرایط نا هنجاری از ای
به فراوانی دیده میشود و س

مسأله تعمیم حقوق کودك ،
به آنگونه که این سازندگان
فر دای جوامع انسانی ، از مجموعه
مزایای انسانی برخوردار باشند
و در شرایط نا هنجار از نظر
صحی ، فرهنگی و اجتماعی با ر
آیند و بز رگت شوند ، مسأله
بزرگ قرن ماست ، مسأله ای که
دشواری های فراوان رادر روبرو
دارد و این دشواری ها متوجه
کشور های است که در ردیف
عقب نگذاشته شده ها به شما ر
می آیند و شرایط و ضوابط ناهنجار
و نابسمانی اقتصادی و سیاس
فرهنگی بسمانی های چشمگیری
را در روند تکاملی زندگی اجتماعی
شان بار آورده است .

کشور های عقب نگذاشته شده
های فراوانی چارچوب تنگ
و اختناق آور ضوابط
غیر انسانی سالار منشی زیسته
و به این ترتیب با تسلط سیاست
های : همه چیز در خدمت يك
اقلیت و بر ضد تمامی رنجبران و
توده های میلیونی ، از سوسی
بیماری و بیکاری و بیسوادی در
میان شان رخنه کرده و از سوی
دیگر تمام نیرو های تولید
کننده زحمت کش در فقر و مرض
در گیر شده اند ، طبیعی مینماید

کنگره جهانی زنان ساوات آزادی ملی صلح



واقداماتی را در عملی نمودن آن است .
در نوامبر سال ۱۹۴۵ در کنگره زنان در پاریس ۸۵۰ نماینده از در جریان جنگ دوم جهانی بر مبارزه میهن‌دوستانه گردیدند .
در سال ۱۹۴۸ دومین کنگره ملیت‌هاست دفاع از صلح را تصویب بوداپست دایر گردید .

طرح قطعنامه های ملل متحد معوض تبعیض در میان زنان در س قطعنامه که دوسی وچارمین اجلاس متحد در سال ۱۹۷۹ در مورد مع به ابتکار فدراسیون به تصویب همبستگی باخلفهای جهان که ملی می‌رزمند همیشه مقام ارزنده فدراسیون دارد . مانند کمپاین جنگ امپریالیزم فرانسه در هندو

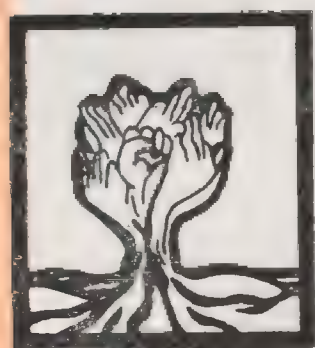
سرمایه داری بخصوص نیمه اول دهه زن در ارتباط با بحران اقتصادی دایر خواهد شد .
در کشور ما هم بخاطر آمادگی برای این کنگره کمیته ملی تأسیس یافته که بخش اطلاعات درمورد کنگره - دایر نمودن سیمینار لکچرها وملاقاتها در ارتباط با اهداف ووظایف این کنگره جهانی را بدوش خواهند داشت .

فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان از نخستین روز های موجودیت خود بخاطر حل

ومؤسسات اختصاصی آن .
در جریان کنگره سخنرانی های در باره موفقیت های زنان در کشور های سوسیالیستی مبارزه زنان در کشورهای سرمایه داری پروبلم های زنان کشور های در حال رشد وکشور های نوبه استقلال رسیده وهمچنان سخنرانی های از جانب زنان کشور هاییکه علیه استعمار و بخاطر استقلال ملی می‌رزمند ایراد خواهند شد .
توده های وسیع زنان در امر تدارک کنگره سهم میگیرند . در عده از کشور ها کمیته های

زنان متورقی سراسر جهان برای ال ازیک رویداد بزرگ یعنی کنگره زنان که از تاویخ ۸-۱۳ اکتوبر سال ۱۹۸۰ در پراگ مرکز چکوسلواکیا کشایش یافت آمادگی میگیرد . این کنگره به فدراسیون بین المللی زنان درجلسه فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان ۹ الی ۱۱ اپریل سال ۱۹۸۰ در برلین ن یافته است . در جلسه تصمیم گرفته تاکنگره تحت شعار (برابری) استقلال ملی

جاویدان باد همبستگی همه خلقهای جهان



برضد مداخله نظامی امپریالیزم امر اعزام عیثت ها از طرف فدراسیون های آواره گان فلسطین و در مناطق اسرائیل وگذاشتن اطلاعات حاصله افکار عامه جهان وملل متحد .
- کمک مادی ومعنوی به زنان و مبارزات خلق ویتنام برضد تجاوز ای امریکا .

پرابلم های اجتماعی زنان - کارگران زن دهقانان زن - روشنفکران وکارمندان زن همه جانبه مبارزه نموده وآنانرا در مبارزه بخاطر تأمین حقوق مساوی در فامیل وزندگی سیاسی اجتماعی وکلتوری در جامعه در صفوف خود فشرده تر ومتحد سازمان داده است . همین اکنون در سراسر جهان اشتراک زنان درساحات مختلف زندگی اجتماعی واقتصادی کشور ها توسعه مییابد .

ملی تأسیس میشود که اساس فعالیت ایشان استوار بهرام فدراسیون میباشد .
درام در سال ۱۹۸۰ در کوپن هاگن در کنفرانس سرتاسری در چوکات دهه زنان به تصویب رسیده بود . کنگره جهانی زنان به دموکراتیک ترین شیوه ای آماده میگردد . مواد تهیه شده برای کنگره در اجلاسهای گروه کار که در ترکیب آنها نمایندگان اکثر سازمانهای بین المللی وملی اشتراک دارند .

ندوبیر یابد . هدف کنگره سرتاسری در (پیام به زنان جهان) در جلسه بیرویون تأیید گردید در ین پیام گفته میشود بدید فعالیت سازمانهای ملی زنان تحکیم نفوذ آنها وهمچنان توسعه همکاری هایکه درراه حقوق زنان مبارزه مینماید مساعدت شود .
کار کنگره یکپزار نماینده و مهمان از کشور های جهان اشتراک خواهند کرد .

آزادی زن آزادی انسان است



در این او آخر تصمیم اتخاذ شد که مسابقه ساختن مجسمه یادبود زن آزاده خاور شوروی در تا شکند مرکز از بکستان اتحاد جماهیر شوروی برپا گردد درین مسابقه پیکر تراشان ماهر تاشکندی اشتراک نمودند که در نتیجه لیونید ای. بتسف و ولاد ییمیر لوف برنده شناخته شدند، آنها موفق شدند سیمای و هیكل دل انگیز زن ممتاز و شایسته از يك راکه بهره مند از همه زیبایی ها، فهم و شعور عالی و احساس شایسته است ترسیم نماید که پیکر تراش توانسته واقعا همان طوریکه لازم است تقدیم کننده سمبول يك چنین انسان شایسته و واقعی باشد .

بی مورد نخواهد بود تا در باره شخصیت انسانی زن در اتحاد جماهیر شوروی به وژه بعد از انقلاب کبیر اکتوبر گزارش مختصر عرض آگاهی خوانندگان صفحه زن ارائه گردد . در سال ۱۹۱۷ انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر در روسیه به پیروزی رسید ، یکی از پراهمیت ترین دست آورد های قدرت شوراهای تامین واقعی تساوی حقوق زن با مردانست . قانون اساسی شوروی در تمام شئون زندگی ضامن برابری حقوق زنان با مردان است زنان در کسب تحصیل و انتخاب شغل از همان حقوقی مستفید اند که مردان می توانند استفاده برند . آنها در بدل کار با مردان دستمزد مساوی میگردند و امکانات یکسان تفریح، تفریح و تفریح بر خوردار اند .

کار زن و در قلم اول زحمت وی به حیث مادر توسط قوانین خاص حمایت میشود .

قانون اساسی تامین کننده مساوات کامل حقوق زن و مرد در انتخاب همسر و تشکیل خانواده است ، نیل زنان به تساوی واقعی حقوق شان با مردان ، در زندگی اجتماعی و استقلال اقتصادی زن از مرد ، در نقش و موقعیت وی در خانواده اثر بسزایی وارد نموده است .

از جمله ۸۰۰ میلیون بیسواد در سراسر جهان ۶۰ فیصد آنرا زنان تشکیل میدهند .

اطفال نیز در اکثر کشور هادر فقر و خیمه قرار دارند - گرسنگی - فقر - مرض و فیات دوران طفولیت میلیون ها اطفال را تهدید مینماید .

در کشور های کپیتالیستی بیشتر از صد میلیون طفل بین سنین ۴ - ۱۱ سالگی به مکتب نمی روند . به اساس ابتکار فدراسیون بشریت مترقی در سراسر جهان روز بین المللی دفاع از اطفال را تجلیل مینمایند .

بدینوسیله تصمیم خلل ناپذیر خود را در مبارزه بخاطر بهتر ساختن شرایط زندگی اطفال در سراسر جهان بیان میدارند .

موضع گیری فعال فدراسیون دمو کراتیک بین المللی زنان در مبارزه بخاطر حقوق زن و طفل موجب توسعه و گسترش اعتبار و محبوبیت فدراسیون گردیده و گروه های تازه ای از جامعه مترقی زنان به صفوف آن می پیوندند .

فعلا فدراسیون دمو کراتیک بین المللی زنان ۱۲۹ سازمان از ۱۱۴ کشور های سوسیالیستی و کپیتالیستی در حال رشد را در صفوف خویش متحد ساخته و به این ترتیب بطور واقعی يك سازمان بین المللی محسوب میگردد .

کنفرانس جهانی زنان در پراگ به بخش انگاک ناپذیر جنبش بزرگ جهانی در دفاع از صلح و خلع سلاح مبدل خواهد گردید و کمک خواهد نمود تا زنان جهان متحدانه و فعالانه در مبارزه بر ضد جنگ بخاطر استقلال ملی و حقوق سیاسی - اقتصادی و اجتماعی زنان سازمان یابند .

اعلام داشت که هدف آن جلب توجه ننی حکومت و ملل متحد در مورد پروبلم زنان در جهان معاصر بود .

این سال (برابری - ترقی و صلح) ریان سال زن در سطح بین المللی رنگ صورت گرفت .

آن کنفرانس جهانی ملل متحد در رمه های جون و دومی آن کنفرانس ارتباط با کنفرانس بین المللی زنان (۲۴-۲۵) اکتوبر بود .

یون دمو کراتیک بین المللی زنان در ۱ بخاطر خدمات شایان در مبارزه صلح پایدار تشنج زدائی بین المللی مدال طلایی - صلح بنام زولی کیوری دید .

۱۹۸۰ بمنظور ارزیابی نتایج تطبیق پنج سال گذشته کنفرانس جهانی - در کوپن هاگن بتاريخ ۱۴ - ۳۰ بر گردید .

بر ۱۹۷۹ کنفرانس بین المللی دفاع و آینده در خشان و خوشبخت برای ل به افتخار سال جهانی طفل دایر توجه حکومت اکثر کشور هارا به اطفال جلب نمود و مورد دلچسپی جهانی قرار گرفت .

د این در کشور های کپیتالیستی تا یضی در مورد زنان در کلیه ساحات عامی موجود است .

بزرگ و تفاوت چشمگیر بین دستمزد ان وجود دارد زنان اولین قربانی بیکاری اند .



مجسمه یادبود زن آزاده خاور شوروی

در سپتمبر سال جاری در شهرهای دو شنبه و ماسکو کنفر
بزرگی باین مناسبت دایر میگردد که در آن سخنسرایان و دانش
نامداری از کشورهای جهان اشتراک میکنند و از آن شهر
پر شور و حماسه آفرین یاد می نمایند .
مجله زیبایی ژوندون که معروف ترین مجله جمهوری دموکراتیک
افغانستان دواشت صفحاتی ا به مناسبت این روز
زادروز استاد میرزا ترسون زاده شاعر مبارز خلق تا جیک
آورد هاست و اینک به پاس خدمات بزرگ فرهنگی و ادبی است
و علاقه بزرگ و دوستی بسی پایانی که شاعر به خلق
افغانستان دواشت صفاتی ا به مناسبت این روز ا
تخصیص داده است و ما گلهای سرخی از گلستان جاودان
کاروان خوانندگان ارجمند ژوندون و ندون به
وشکو فان آن شاعر توانا و گرانار جمند ژوندون با
این شاعر انقلابی بیشتر آشنا گردند و لحظاتی را با افک
اشعار او که پر از محبت ، وطن پرستی و انسان دوستی م
بگذرانند .
دکتور ابهر

شاعر

شاعرا ، از سوختن داری خبر ،
پس مکن از آتش سو زان حذر ،
سوختن پولاد و آهن آورد ،
از شراری تازه گلخن آورد .
پر حرارت گرمیش دآفتاب ،
زندگی میگشت از سرما خراب ،
بی حرارت سنگ بود و دل نبود ،
دلکش و پر صفا منزل نبود .
بی حرارت نه میدن بود رسم ،
نه شگفتن ، نه رسیدن بود رسم .
بی حرارت در لبانت خنده نیست
خنده دچون مشعل تابنده نیست
شاعرا ، از سوختن هر گز منال ،
سوختن را دوست میدارد و صال ،
تا نسوزی ساختن مشکل بود ،
دل بجایان باختن مشکل بود .
شعر هم باید زند فواره ای ،
از تکت دل مثل آتشپاره ای .
سر زند از دل بدل کاری کند ،
نرمتر سنگین دل یاری کند .
یار دارند که چه باشد سوختن ،
در وفاداری سبق آموختن .
شاعرا ، از سوختن داری خبر ،
پس مکن از آتش سو زان حذر .

ترانه عشق

شاعر بی عشق مرغ بسی پرست ،
بی حرارت ماه و بیجان پیکر است .
شاعران را عشق حاکم میکند ،
سر بلند روی عالم میکند .
عشق شاعر را به جنبش آورد .
در سرمیدان سنجش آورد .



рис. Никифорова В.

شاعری بزرگ از کشور شورما

استاد میرزا ترسون زاده

شاعر محبت و دوستی

مبارز بزرگ راه صلح و قهرمان

کارهای سوسیالیستی

ه ای که دلبر طنا زکرد ،

شاعران را بنده در شیراز کرد .

ل هندو ملك دلها را گرفت ،

هم سمرقند و بخارا را گرفت ،

که از شیرازیان کم نیستیم

در سخاوت کعبعل هم نیستیم .

چه خواهد یار انعامش کنیم ،

جان و دل را صدقه نامش کنیم .

ما از زنده دنیا شدست

بود زیبا باز هم زیبا شده ست .

نظر کن موی بین و روی بین ،

گو شرکن معنی گفت و گوی بین .

زنین گویی اگر گل میکند ،

بوسه ده گویی تحمل میکند .

تکلم در تبسم یسا راوست ،

د رحمت حاکم مختار او ست .

کسی او را فرو شد ، نه خرد ،

نه بزوری نه بزور او را برد .

ن فرآید از سر کوه بلند

شادای وادی نشین گردد دو چند .

ن فرآید آید او از ادره ،

عکس خود را بین در آب شر شره .

منت گوید که زیبا یی منم ،

چشم تو گوید که دانا یی منم .

سرت آزادی زن در منست

نور دانش قدرت فن در منست .

تیش صبح شب تا ریک شد ،

داستان شاه عر تا جیک شد .

ما و دلبر شیرازیان ،

فرق آن از این - زمین و آسمان ،

م آن تر سد شعاع بر قرا ،

روی این روشن نماید شرق را .

به آرم من به او دو قطعه را ،

قطعه های آسیا ، افریقه را

بمشش دو قطعه مشهورا ،

قطعه های سرکش و مغرور را .

ها پیرا که خو نهاریخته ،

خاک های دشمنان را بیخته .

ها پیرا که عصیان میکنند ،

ظلم را با خاک یکسان میکنند .

ها پیرا که مثل آفتاب ،

سربور آور دند از زیر سحاب .

ر تا جیک ای امیدگل ،

تحفه ما را نما لطف قبول .

• • •

ترانه رود

رود کوهی تو سراپی بهوای دل من ،

جور سازی نفست را به صدای دل من .

بور در سینه نهان ، رقص کنان می گذری ،

زمین و باغهای پسر صفای لاله زار من ،

دهات و شهرهای پریشان و افتخار من

که سویت میهمان گردیده فرزند تو می آید .

• • •

همان طفلی که با صد ناز و نعمت پروید ی تو ،

همان طفلی که از بهر سعادت آفریدی تو ،

همان طفلی که آن را در بهای جان خریدی تو ،

همان طفلی که بود هم آرزو و هم امید تو ،

بزرگ و قهرمان گردیده فرزند تو می آید

• • •

دلای آن پسر روزی که مردانه به میدان رفت ،

بقصد دشمن غدار رفت برضد فاشیستیان رفت

بمثل آتش قهر و غضب از تا جکستان رفت ،

چه فرزند و قاندا و وطن با عهد و پیمان رفت ،

وطن را با سبیلان گردیده فرزند تو می آید ،

• • •

پسر نگذاشت که این ملک شادی جای غم گردد ،

بجای عدل و انصاف و کرم ، حاکم ستم گردد ،

پسر نگذاشت که قد ربشر خاک قدم گردد ،

سر بالای خلق ما به نزد خصم خم گردد ،

اجل بر دشمنان گردیده فرزند تو می آید .

به استقبال آن گل مثل پای انداز می آید ،

مبارک باد - از پای میرواز دروازه می آید .

دل از شادی به مثل باز در پرواز می آید ،

بگو شمع نغمه «شهباز» از هر ساز می آید ،

سرود شاهان گردیده فرزند تو می آید ،

بیا محبوب! آمد یار توجون انتظار آن بوس ،

از آن رخسارهای آشنای مرد میدان بوس ،

تو هم ای ما در خوشبخت ، با مهر فراوان بوس ،

تماشا کن رخسار گرم و جوشان بوس ، ماجندان

بوس ،

که فخر ما دران گردیده فرزند تو می آید

وطن

بهار آمد ز عمرم باز یکسال دگر بگذشت ،

تمام زندگی آهسته از پیشش نظر بگذشت .

بمثل گوشت و ناخن همیشه با وطن بودم ،

اگر چه نصف عمر بهتر ینم در سفر بگذشت

• • •

وطن ، در هر کجا آمد بسرفارم هوای تو ،

من از آنسوی اوقیانوس بشنیدم صدای تو

اگر چه بارها افتادم از یار و دیار دور ،

ولی آمد بگوش من صدای رود های تو

به وقت باز گشتن چون رسیدم بر حدودت من ،

ز سرتاپا شد مفتون و شیدای نمودت من

نفسم در زمین تو ، پریدم در هوای تو

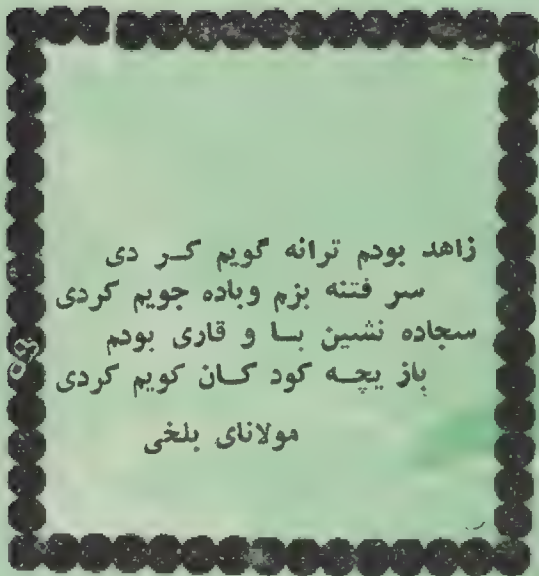
به آوا ز درودت من به آهنگ سرورت من

اگر چه برها افتادم از یار و دیار دور ،

می ناب

شب چو در بستم و مست از می نا بش کردم
ماه اگر حلقه پدر کو فت جوابش کردم
دید ی آن ترک ختا دشمن جان بود مرا
گر چه عمری بخطا دوست خطایش کردم
منزل مرد م بیگانه چو شد خانه چشم
آنقدر گر یه نمودم که خرابش کردم
شرح حال دل پروا نه چو گفتم باشم
آن نشی در دلش افکند م و آبش کردم
غرقا خون بود و نیمرد ز حسرت فرها د
خواندم افسانه شیرین و بخوابش کردم
دل که خوتا به غم بود و جگر گو شه درد
بر سر آتش جور نو کتا بش کردم
زندگی کردن من مردن بدریجی بود
آنچه جان کند تم عمر حسدش کردم

فرخی یزدی



زاهد بودم ترانه گویم کردی
سر فتنه بزم و باده جویم کردی
سجاده نشین با و قاری بودم
باز یچه کود کان گویم کردی
مولانای بلخی

گنج

بی رنج

تکه کن سر انجام خود را بین
چو کادی بیایی بر کزین
برنج اندر آری تن را رواست
که خود رنج بردن بدانی سزااست
برنج اند را ست ای خرد مند گنج
نیابد کسی گنج نابوده رنج

فردوسی

دم آتشین

تنها نه دل ز دست تو ای نازنین پر است
از داغ سینه وز سرشت آستین پر است
آ سودگی مجوی که در راه زندگی
صد تیر در کمان قضا از کمین پر است
گیسوی خویش باز مگر شانه کرده یاز
کاینسان جبین آئینه از جوش چین پر است
ای آفتاب روی تو از انجم سر شک
مانند چرخ دا منم ای مه جبین پر است
دارد نشان ز فکر تو در عالم آنچه هست
یعنی جهان ز نام تو همچون نگین پر است
اکنون نسوخت سینه حکیم از جفای دهر
ایمن کوره از ازل زدم آتشین پر است

عبدالحکیم «حکیم فنیانی»

...

رباعیات

مور

مینی او شکلاوی

ویشل کیدای ...

انوما به یکی :

یوه مینه

او

یوه شکلا



آثار خود را بگذار

شعر : د «سنگر»

د بيلتون شپه

خوږين شو په گو گل کي زړه خيگرز
اوري دييلتون کاني په سرزما
مارا غور خوي له هوا ځمکي ته
اور دښني سمو خوي وزر زما
ماور پسي ډيري مڼي وکړلي
رانقله هيڅ ځاي کي په نظر زما
خدايز ده چي په چرته ډاډه زړه گر زما
ناخلي ناخلي ناخلي هيڅ خبر زما
څو پوري چي زه ورته رسيرم
وي به په دي لاره کي سفر زما
زه دييلتون شپي زړه کي مزل و هم
رابه شمي اخر دژوند سحر زما
تيره به داشپه دييلتون تيره شمي
آوده شمي او تود اسيرسنگر زما



صد دل

گر جايت اي جان در دل نهي بود
کار من و دل مشکل نهي بود
همچون دل من ايکاش چا نا
در بند زلفت صد دل نهي بود
دل از خد نگت بسمل نهي شد
گر چشم هستت قا تل نهي بود
گر تم نازت نوي غم در

رباعي

ديشپ که بکوي يار ميگرديم
داني که بي چه کار ميگرديم؟
قربان خلاف وعده اش ميرفتم
مرد سر انتظار ميگر ديدم
ابو سعيد ابوالخير

درد دل

نه درد دلم رادوا ميکني
نه بر گفته خودو ډايکني
نه يکشپ بحالم نظر ميکني
نه فکري زروز جزا ميکني
نه کام دلم يکنفس ميدهي
نه از فيد جوړم رها ميکني
چرا زخم بر دوستان ميوني ؟
چرا کام دشمن روا ميکني ؟
بخون غريبان کمر بسته اي
مکن جان مکن جان خطاميکني
فغاني بر آويم زچود تومن
بگويم که با من چه ها ميکني
چوچان در عزيت دهم مردوار
چنا با من آخر چرا ميکني ؟
ترا در جهان نيست عيب جز اين
که بيداد بر آشنا ميکني
امير خسرو دهلوي

مستوري

ه باشد ميفشانم
تا پوسه باشد ديستانم
تا گل باشد درين باغ
سر چيزي نگويد با غبانم
از بخت همايون
دويمه رغي فتد در آشيانم
آموختي در شهر ، ما را
تا شرح آن هم بر توخوانم
م از دست تودر دل
در حضوت بي زبانم
داند دشمن و دوست
من مستي و مستوري ندانم
مرادخویش برداشت
مگر تو سنگدلي من مهربانم
سمين تن بر آني
از پيشم براني من برانم
م خيالت ميپرستم
مگر رفتم سلامت ميرسانم
سعدی شیرازی



خرام

دلبر ليلوش در واز ميکارد خرام
گويي اندر عالم انجاز ميکارد خرام

ره به ره جانانه ماباز ميکارد خرام
از گل ونودو پربروانه زيب اندوخته

شعر از امير خاشاک

د «راز» خوږ يانې ژباړه

د بيو زلو هيوادونو په باره کی واقعيتونه

تقریبا د ټولې نړۍ د ملتو نـواستازی د ۱۹۸۱ کال د سپتمبر له لومړۍ نېټې څخه تر ۱۴ نېټې (د ۱۳۶۰ کال د سنبلې له لسمې څخه تر درو یشتې پورې په پاریس کې را ټول شوی او د ۳۱ ډیرو لېرو وده کوونکو هیوادونو په باره کې چې دنړۍ ډیر بیوز لۍ ملتونه دي حالت او څرنگوالی به تر څیړنې او کتنې لاندې ونیسی . لاندنۍ یاد ونۍ د دغو هیوادونو په باره کې مهم واقعیتونه په لنډه توگه وړاندې او ځینې هغه مسالې چې د پاریس جرگه ورسره مخامخ ده مطرح کوي .

د بيو زلو هيواد و نو مشخصات:

— هغه ۳۱ هیوادونه چې د ملگرو ملتونو له خوا د ډیرو لـېرو وده کوونکو او بیوزلو هیوادونو په حیث پیژندل شويدي د افغانستان له دموکراتیک جمهوریت، بنگله دیش، بینن، بېوتان، بوتسوانا، بوروندي، کیپوړدی، د مرکزي افریقا جمهوریت، چاد، کوموروز، دموکراتیک یمن، ایتوپیا، گامبیا، گینې، گینې بیسائو، هایتي، دلاس د خلکو دموکراتیک جمهوریت، لیسوتو، مالای، مالديو، مالی، نیپال، نایجر، رواندا، ساموآ، سومالیا، سوډان، یوگندا، تانزانیا، لـسوره ولتا او یمن څخه عبارت دي .

اوس په کال کې ۱۸۳ ډالرو ته رسېږي . د لویا نو یوازی څلور مه برخه سواد لری او صنعتی تولیدات په سلو کې یوازی ۸ ملی محصولات په بر کې نیسی .

— د نړۍ د زیا تو شتمنو او ډیرو بیوزلو هیوادونو تر منځ تو پیریا خلا په چټکۍ سره پراختیا مومي . په صنعتی پر مختللیو هیوادونو کې (چې اقتصادی بازار لری) دیو تن خالص دا خلی محصولات چې په ۱۹۶۰ کال کې ی د بیوز لو هیوادو په نسبت ۲۶ خلی پراختیا موندلی ده په ۱۹۷۹ کال کې څلور څلورینیمت څلو ته زیات شويدي .

نفوس :

— تقریبا ۲۸۶ میلیو نه تنه (چې له چین نه پرته) د نړۍ د ودی په حال کې ټولو هیوادونو د نفوسو په سلو کې دولس نیم تشکیلی په بیوزلو هیوادونو کې ژوند کوي .

— په بیوز لو هیوادونو کې د نفوس وده په منځنی اندازه په کال کې په سلو کې ۲،۷ ده . د نفوس سو په دغی ودی سره مجموعی نفوس په هرو ۲۶ کلونو کې دو چنده کیږي او د دغی پیرې تر پایه په په بیوزلو هیوادونو کې د پنځوسو میلیونو په شاوخوا کې خلک میشته شي . — هغه ښاري نفوس چې په سلو کې پنځوس یی همدا اوس په کنیفو ځایونو کې چې اساسی خدمات نه لری او سپړی د نفوسو د مجموعی ودی نه له دریو څخه تر څلور څلو گرندی وده کوي .

— په بیوز لو هیوادونو کې په ۱۹۷۷ کال کې (دا هغه وروستی کال دی چې په دغه باره کې احصا ئیوي معلومات په لاس کې دي) یوازی په سلو کې ۸۶ د ضرورت وړ کالوری په واک وه . او یا میلیو نه تنه یاد دغو هیوادونو د نفوسو له درو بر خو څخه یوه برخه د کوچنیانو له درو بر خو څخه ددو بر خوپه شمول د کافی غذا له کمبود سره مخامخ دي . — د موجودو شواهدو له مخی، دهغو خلکو شمیر به چې په افریقا کې له لوړې اوسو تغذی سره مخامخ دي تر ۱۹۸۵ کال پورې ښایی دوه ځلی زیات شي .

— په بیوز لو هیوادونو کې د مړینی اندازه (د یوکلنی عمر تله رسیدلو مخکې دما شوما نو د مړینی شمیر) په زرو کې ۱۴۲ تنه دی په داسی حال کې چې د ودی په حال کې هیوادونو کې په منځنی اندازه څلور نوی او په صنعتی هیوادونو کې په زرو کې دیرشو ما شومانو ته رسېږي .

— په بیوزلو هیوادونو کې د عمر منځنۍ اندازه پنځه

ی د مړینی عمده عامل ناستی ناروغی بولي . — (له لیسو تو او پرته ټول بیوزلی ه ملاریا سره مخامخ دی ملاریا له څلور می بر ماشومان وژني .

— د پاریس د جرگې منشی رپوټ خبر داری بیوزلی هیوادونه په کی چې نفوس ، په تو قوا، یی چې د زیات گری پوره روغتیاو نه خپلو سترو ه د فو نو رسولي . په چاد کې چې په یوه کال کې ورځی کار صنایع کیږي کر نه .

— په بیوز لو هیوادونو د نفوسو په سلو کې له خومخ په انکشافو هیوادونو په سلو کې ۵۹ تنه د کړی له لاری ژوند کوي . — په بیوز لو هیوادونو د کړنی تولیدات او اوسې د یوه کارگر په انکشافو هیوادونو له لږ دی .

— بیوز لی هیوادونه موادو مهم وارد کوو ټولو صادراتی عوایدو ۲۸ یی د غذایی موادو لگږی .

د اوسنیو ترندونو صورت کې به د بیوز هیوادونو د غذایی موادو واز ۱۰۰ څه څه شرکت په ۱۹۹۰ کال پورې په ک میلیو نو ټنو څخه زیاتو — په زیاترو بیوزو کې کر نه دوخوره پرن عنعنوی لارو متکی ده هیوادونو کې د کیم استعمال په هر ایکر کر کې په منځنی اندازه پنځه او په ټولو مټ به انکشاف

چی دبیزو لو هیوادو حکو-
به وروستیو کلو نو کی د
د بڼی د بدلون یاد تولیدی
د کنترول په باره کی نسبتا
ات کپیدی .

زیاتره بیوز لو هیوادونو
د کر نی د تولید اتو له
زیات په غاړه لری . زیاتره
سی کپیری چی د نارینه و په
منځی په کرو ندو کی زیات
خو په کر نه کی ښو نه او
او پا نگه اچول په نارینه و
لری .

چیر و لږ وده کوو نکو-یا
هیوادو نو صنعت په منځنی
یازی په سلو کی ۸۳ د
محصولاتو مجموع په برکی
د کار قوا یوازی په سلو کی
نغه هم په عمومی تو گه د
له پاره وی په صنایعو
دام شویدی .

صنعتی فعا لیتونو دریو څخه
ی د کور نیو او مه موادوله
رو سس څخه جوړ دی . په
ل کی داو مو موادو د خلق
لو ارزښتو نو له نیما یی
ما یعو په واسطه د تمباکو
باتو د محصولاتو پوری

ت
وز لو هیواد و کی د یو تن
و د پیرو دلو قدرت په
ل کی له ۳۳ ډالرو څخه په
ل کی ۲۱ ډالرو ته را ټیټ
و بیوز لو هیوادو نو د ټول
ه نیما یی زیات یوازی په
و پوری منحصر دی . لکه
ی ، تمباکو ، پومبه ، میوه
ی ، زنی ، غوړینی دانی ،
نی .

بین المللی تجارت کی د
واد برخه د پومبی ، جوت
و په تجارت کی د ۱۹۷۰
سیزه کی زیاتوالی را غی
هیواد و د نورو مهمو

چی د بیوز لرو هیوادو نو
دوهه عمده صادرا تی متاع ده ، د
پنځلسو ستر و شرکتونو له خوا
کنترول لیری .

واردات

- د بیوزلو هیوادو نو د وارداتو
لکښت پر ته له دی چی حجم یی
زیات شی له ۸۵ بلیو نه ډالرو
څخه په ۱۹۷۷ کال ۱۳۱ بلیونه
ډالرو ته په ۱۹۸۰ کال لوړ شو .

- ځینی بیوز لی هیوادو نه د خپلو
اسعاری عواید وله دوولثو څخه
زیات د سون دموادو په وارداتو
لگوی .

- د دی مهم عامل چی بیوزلی
هیوادو نه په دی بر یا لی شویدی
چی د خپلو پلان شویو انکشا فی
فعا لیتو نو په سلو کی شپيته تمويل
کاندی ، عایدات مخ په لږوالی او
قیمتو نو مخ په زیاتوالی دی .

مساعدت

- که څه هم د بیوزلو هیوادو سره
د مرستو حجم په ۱۹۷۰ کال کی دیوه
تن له ۱۳ ډالرو څخه په ۱۹۷۹ کال
کی د یوه تن ۱۹ ډالرو ته لوړ شو
خود دغو هیوادو نو د صادراتو د
پیرو دلو د قدرت لږوالی په همدی
موده کی له هغی زیات و .

- له بیوزلو هیوادو سره داو، ای، سی، وی
(دازاد بازارداقتصاد لرو نکي صنعتی
هیوادونه) دغو له خوا مرستی
په سلو کی ۷۶- او په سلو کی ۱۲
داو، پی، ای، سی له خوا او په سلو کی
۱۲ د ختیځی ارو پا د نورو سو -
سیا لستی هیوادو نو او چین له خوا
منځ ته را ځی .

- په ۱۹۷۹ کال کی په سلو کی
۲۸ څو اړخیزی مرستی (د بین-
المللی ساز ما نونو له خوا) او په
سلو کی ۱۸ دوه اړخیزی (د یو-
هیواد نه بل هیواد ته) مرستی له
بیوز لو هیوادو سره شویدی . ناروی
ایتالیا ، ډنمارک ، سویډن ، فنلند
کاناډا او نیدرلند هیوادو نه په سلو
کی ۲۵ خپلی مرستی بیوزلو هیوادونو

کی یا کمه شوه او یا ثابت په پای
شوه .

- د بیوزلو هیوادونو د پنځو
مهمو صادرا تی متاعو حقیقی قیمت
چی له قهوی ، چای ، غو ښی ، کپله
او بوری څخه عبارت دی ښایي په
راتلو نکو پنځو کلونو کی کم
شی .

- د بیوزلو هیوادو په صادرو و په
صادراتو کی د صنعتی محصولاتو
برخه یوازی په سلو کی ۱۵ ده له
دغو محصولاتو څخه زیات لکه قیمتی
چیری لږترلږه دپروسس او استخدام
ایجاب کوی .

- که څه هم د بیوزلو هیوادو د
صنعتی محصولاتو د صادرا تو-
ارزښت چی د نړی شتمنو هیوادونو
ته یی صادر وی په ۱۹۷۰ کال کی
له ۵۱ ملیونه ډالرو څخه په ۱۹۷۹ کال کی
۹۵۰ ملیو نو ډالرو ته زیات شو .
خو د شتمنو هیوادو د صنعتی محصول-
لاتو د ټولو واردا تو په سلو کی
۱۰ په بر کی نیسی یوازی ښکله-
دیش ، هایتی اونا یجر دری هیوادونو
د دغو محصولاتو په سلو کی ۷۵ صادر
کپیدی . دانکناد دسجشونو له منځی
شتمنو هیوادو نو ته د بیوز لرو
هیوادو نو دصادرا تو دریمه برخه
د تعرفه یی اوغیر تعرفه

حنو نو او محدو دیتو نو-
سره مخامخ دی د څو متاعو
صادرات چی د بیوز لرو
هیوادو نو له نظره مهم دی دغو
ملیتی سترو شرکتو نو له خوا
کنترول لیری او دغه ستر شرکتونه
دی چی عمدتا په تجارت او یا دمار-
کیتونو په پراختیا کی ور ته کار
اخلی .

هغه مطالعی چی دانکناد له خوا
شویدی څرگند وی چی د مثال په

ته اختصا صوی .

- که څه هم ناروی د مثال په
دخپلو په سلو کی ۲۸۰ نا خ
ملی محصولاتو سره د امریکو
متحدو ایالاتو نه څو اړیس
زیا تی ورکوی . خوصنعتی هیواد
په منځنی توگه د خپلونا خالصو
محصولاتو په سلو کی ۰۶ ل
بیوزلو هیوادو نوسره مرسته

هدفونه

- بیوز لی هیوادونه غواړی د
ودی آهنگ په را تلونکو پنځو
کی دوه ځلی زیات کړی . که
هدف تر سره شی . اقتصادی
به د نفوسوله ودی زیا ته شی ، بیوز
هیوادونه به د لومړی ځل له
لږترلږه د یو پی پی په څلور
برخه کی د عاید له حقیقی زیا تو
څخه گټه وا خلی .

- پنځلس بیوز لو هیوادو نو
صنعتی وده په منځنی تو گه په
کی تقریبا په سلو کی ۱۳ اټک
کپیدی . دغه هدف ته په رسید
سره ، په ۱۹۷۹ کال د یوه تن
له ۱۵ ډالرو څخه په ۱۹۹۰ کال
ډالرو ته لوړ شی چی البته لاترا
هم د مخ په انکشا فو هیوادونو
پاره د اټکل شوی سطحی له پنځ
برخی څخه لږ دی .

- په کر نه کی د پانگی اچو
زیاتوالی په کال کی په سلو کر
څلور و په اندازه چی په ۱۹۹۰
کی به تقریبا ۱۲ ملیاردو ته ورس
دغذایی موادو واردات نیما یی
راکښته شی .

جواب به نامه های شما

سلام و صلوات ، میپر دازیم به پاسخ نامه ها :

دوست عزیز عبدالقدوس نهضت فراهی متعلم لیسه عمر شهید .
همکار ارجمند ما بعد از دعا و سلام مینگارد : «آقای جواب نویس ، درین چیزی به نام فکاهی که نمیدانم هست یا نه خدمت تان ارسال کرده ام تا بپذیرد . همچنان در باره شعری که در شماره ۴۸ - ۴۹ ۱۳۵۹ در صفحه ۳۰ مجله ژوندون زیر نام «بهانه» به نشر داده ، توضیح میخواهم که آیا این پارچه شعر از مولانا جلال الدین بلخی یا از مولانا جامی . باید بگویم که سوال از آنجا در نزد من پیدا شد که یکی از کنسرت های گروه مشترک زیبا و گلشن ، «خرماشیرین» این شعر را از جلال الدین محمد بلخی معرفی نمود . حالا از شما جواب میخواهم تا بگویید که اشتباه از کیست ؟ از شما یا از آن بنده .»

دوست عزیز محمد امان بینامتعلم لیسه عمر شهید :
با سلام عرض شود که پذیرای همکاری شما هستیم ، اما نوشته تان چون کم و کاست بسیار داشت از نشر باز ماند ، را بپذیرید . بیشتر کوشش نمایم موضوع خوبی برای قصه و آنگاه باز بیشتر کوشش نمایم که آنرا درست بیان نمایم ، شما همکار عزیز را خواستاریم .
دوست عزیز صدیق زاده محصل پوهنځی زراعت :
سلام ما را نیز بپذیرید . حل جدول متقاطع را به متصدی مسابقات و سرگرمها حواله کردم همکاری تانرا میخواهیم . حافظ .
دوست عزیز خالده عالمی و سیده عالمی متعلمان لیسه جهان غزنی .
سلام دوستان . طرح جدول متقاطع شما را به متصدی صفحه و سرگرمها سپردم تا برای نشر آماده گردانند . از همکاری خویش دریغ نوزید ، سعادتمند و کامکار باشید .
دوست عزیز بل بیرسنگ بهواد فارغ التحصیل لیسه استان غزنی .
همکار عزیز ما بعد از احوال پرسش مینگارد : « دوستان عزیز مجله شماره هفدهم را میخواهم در جریان مطالعه پیشنهادی در آن خطور نمود که اینک برای شما مینگارم من خواستار تشویق هر یک از داستان نویسان جوان می باشم ، بناخواهش مینمایم در هر سال یا هشت داستان کوتاه از ارسال کنندگان مجله را به چاپ هر داستان نیکه از جمله این داستانها مورد علاقه خوانندگان قرار دهیم به آنها جایزه بدهیم و نویسنده آنرا نیز بشناسانیم . دریک داستان برنده جایزه خواهد شد و به همین اساس می توانید در از این چهار داستان یکی آنرا بهترین داستان سال مجله ژوندون بنمایید ، پس در اینجاست که علاقه مندی داستان نویسان جوان میگردد و باعث بروز استعداد های عالی میگردد . کارکنان ما با پیشنهاد من موافق باشید ، پس نباید کار را برای فردا گزینیم بهتر خواهد بود که از همین حالا شروع نمود . من نه تنها نظر مثبت شما هستیم بلکه از علاقمندان مجله ژوندون نیز هوش میکنم که نظریات خویش را در این زمینه ابراز دارند .»
با نظر تازه و بکر تان موافقیم . اما هیچ آگاه اید که آنچه بنده به این اداره میرسد داستان نیست ، گفتار و نوشته گنگ و بی است که نامش را سخاوتمندانه ، نویسنده آن داستان کوتاه است . ما نمیدانیم با کدام ارزش ها محک بزنیم که آنرا قصه بدانیم . قصه انشای درست ندارد بگذریم . اگر مجالی دست

دوست عزیز ذکرائله (شریق) ازفاریاب :

برادر عزیز سلام میگویم و امیدواریم که سلامت باشید . پارچه (پاس تنهایی) را خواندیم ، اما گفتنی است که پارچه های ادبی ما دان این رشته را بیشتر بخوانید و به زبان و کاربرد کلمات و نثرات توجه بیشتر نمایید . اینهم نوشته شما :

در یک شب مهتابی روی زمین از تابش نور زریں جمال دختر آسمان دیگر داشت . فضای لایتناهی در سکوت و خاموشی فرو رفته بود ، نیم سحر گاهی دماغ آدمی را تازه و مزاجش را قوام می بخشید ، برگ درختان آهسته آهسته می لرزید ستارگان از فراز کهکشانشان و از درخشش بی خدیه می نگرست ناگهان حیره مانوس پرویسم از

میشویم و به فال و قرعه جایزه یی هم تدارک خواهیم دید ، آن
فل نزده جواب نویس . سخن شما را قبول داریم و کار امروز را
نمی گذاریم ، همین حالا شروع می کنیم ، شروع می کنیم ،
می کنیم . هر چه شروع می کنیم گفتیم شروع نشد ، چرا ؟
بی از مبتدیان نیافتیم که حد اقل برای چاپ آراسته گردد .
ر قصه های قصه نو یسان جوان ، تازه کار ، با استعداد ،
ماری می کنیم ، این گوی و این میدان . و این قصه مولانا جلال
را به شما همچون (برگ سبز) پیشکش می نمایم ، بخت قرین

ییبی خانه می جست از شتاب دوستی بر دش سوی خانه خراب
این را اگر سقفی و بدی پهلوی من مر ترا مسکن شدی
تو بیا سودی اگر در میانه داشتی حجره دگر
میهمان روزی ترا هم بیا سودی اگر بودیت جا
پهلوی یاران به است لیک ای جان در اگر نتوان نشست
ت عزیز عبد القهار امان

سلام و احترام از ته دل تقدیم میدارم ، امید مورد پذیرش
د محترما ، چندی میشود که برای مجله خود شعر نمی فرستم ،
که تا هنوز همه وعده های که داده اید ، اشعارم را به چاپ نسپرد
شاید به خاطر من که آزرده نشوم ، حقیقت را اظهار نداشته اید...
به خاطر آن نمی سرایم که نشر شود یا کسی آنرا بخواند و یا
شعر از فلان کس است ... اینبار باز چند قطعه شعر برایتان
میدارم ، امید است ...

سه پارچه ، دو پارچه شعرتان در خور صفحه «از میان نوشته
است که اگر اجازه می دادید به حیل طبع آراسته میکردید
ه اید «فقط در صفحه شعرالابه زباله دانی» ولی چنین عجولا نه
بارانمی پذیریم و شما هم قبول کنید اینجا که در باب شعر تان سخن
بانه دانی نیست.

م کفرو مسلمان نپذیرم انسانم و جز خصلت انسان نپذیرم
باطل و حق چنین قضاوت بر خویشتم لعنت وجدان نپذیرد

ن از نظر دستور زبان به شعرتان نگاه می کنیم : آیا کفر و مسلمان
هم درست میاید . بایستی هر دو اسم فاعل میبود ، یعنی کافر
ن . و این چار مصراع با بقیه شعرتان که دنبال خواهد آمد
طقی و درست قایم نمی کند و چه بسا اگر همین چند نکته را از
بش حذف میکردید ، هیچی کم نمیشد ، بلکه پخته تر هم میشد.

تم کفرو مسلمان نپذیرم فهمیده نمی گردد که چه را نمی
نیرید و چرا نمی پذیرید «انسانم و جز خصلت
موده نشده است که چه میخواهید بگوئید . (در محکمه باطل

نین قضاوت) کدام قضاوت تا خواننده شعر شما هم به حمایت
خیزد ، کدام سو را بگیرد؟ از کی دفاع کند و بر کی بشورد ؟
که چه گونه محکمه است؟ و حاصل قضاوت این محکمه چیست؟
نستم لعنت وجدان نپذیرم چرا بر خود لعنت می فرستید ؟ چرا
انه خود را به دار میکشید چرا ؟ و هزار ها چرای دیگر ؟ وجدان

اید (من شعر به خاطر آن نمی سرایم که نشر شود یا کسی آنرا بخواند
چرا؟ از قدیم و ندیم گفته اند که شعرا بر مردمان گویند و اگر چنین
نیست چرا بما فرستاده اید . می گذاشتید که در کیسه ، و در خ
تنهایی خویش زمزمه اش میکردید.

من از دل دریای جبین در بکف آرم همت بودم منت باران نپندید
هنگام اجل گر بدهد آب حیاتم نیم نفس از خضر هم احسان نپند
در کنج قناعت بدهم جان ز کف اما بار کرم خوان کریمان نپند
شعر دیگرتان را بخوانیم :

ز روی مکر هم گوشی ندادی بهم فریادم
به لبخندی دروغین هم نکردی اندکی شاد

بصد خو شبا وری خردم فریب ساد گیهایت
چه دانستم که آخر مید هی ای رند بر باد

بیک عالم تمنادام مهرت برگزیدم لیک
نه پروردی به آب و دانه نی کردی آزاد

ترا با ناز پروردم بتا این اشتباه بنگر
که من بادست خود کندم سراسر بیخ و بنیاد

صفای چهره ات ممکن رود از خاطر روزی
ولی بی مهری ات هرگز نخواهد رفت از یاد

بدانشگاه عبرت صد کتاب آموختم از تو
به درسی زندگی حقا تو بی استاد است

اگر او استاد استاد شما باشد ، حال و روز شما چه خواهد شد
مکرا میامو زید و لبخند مصلحتی و دروغین را بکار می بندید و دیگر
را ساده لوحانه میفریبید و رندانه بازی میدید ؟ زیرا از استاد اس
آموخته اید و آنچه او پسندد ، هنر است .

اگر از دیدگاه دیگری نظر اندازیم ، استاد شما مکر و دسیسه را ن
پسندد و دروغ نمی گوید حتی به اشاره لبخند . آدم بیچاره یی چه
شما را می فریبید و رندانه سر به نیست میکند که خدا نکند با
تمنا دامنش گرفتگی لیکن به دانه دلت شاد ساخت و با دست خود ت
در ریشه خود زدی و بی مهری اش رادانستی و صد کتاب آموختی که
حقا استادات اوست ، ولی نمیدانیم به چه دلیل ؟

به این دلیل که او بی مهر است؟ به این دلیل که او زند گیت را
کرده است . یا به این دلیل که به اشتباه تان ننگر یست . و بالا
بدانشگاه عبرت صد کتاب آموختید ولی نمی گوئید که چه آموختی
ما به کار بندیم و در سرا شیویی عشق تلفزیم . فریاد شما چه بود
او گوش نداد ، و بسیار سخنان دیگر ... بخوانیم شعر دیگر شما

میروی و مگر ایدوست دگر باز نیایی
بار دیگر به سراغ من بیمار نیایی

فکر باز آمدن خویش بسویم نه نمایی
هان اگر آمدی اینگو نه دل آزار نیایی

دل نه باز یچه بود نیک پسند شو اگر بار
با چنین شیوه نا خواسته هشدار نیایی
تا که واقف نشدی از دل پروانه و بلبل

رسالت جوانان

بزرگ در قبال وطن و ج دارند . قانون شکن نباشد اجتماعی را مرعات نمایند وقتی جوان یا جوانان از قانون و مقررات و نظم می زنند بر خلاف توقع ج است آنها دست به این زنند چطور کودکان و سخن ها و گفته های جو مورد قانون و نظم اجتماع خوشبختانه امروز جو رسالت عظیم و تاریخی ملتفت این نکته گر د یه جوانان ما از هر وقت قان و نظم اجتماع می اگر يك جوان رسالتی که کودکی و یا نو جوانی سالخورده یی خلاف مقرر میکند باجبین گشاده و رفتاری که سرمایه اخلاق نيك يك جوان شمرده میش

اصلا حات وقتی در يك جامعه صورت میگیرد که اولتر از همه خود را اصلاح نموده باشیم و با مقررات جامعه و خواستها و نیاز های جامعه به دیده احترام بنگریم . امروز ما عادت داریم که انتقاد کنیم ، ولی آیا یکبار به خود متوجه شده ایم که چه می کنیم . مثلا بارها رسانه های گروهی روز نامه ها ، جراید ، مجلات ، رادیو ، تلویزیون و غیره و پیره درمورد وقایع و حادثات ترا فیکي سخن ها گفته اند ، اما با تمام این ها کمتر شنیده شده است .

شما در عکس کودکان و نوجوانان را مشا هده میکنید که با وجود بار ها اخطار ترافیک باز هم خود سرانه و لجو جان در پایدان موتر ازدحام را به راه انداخته و با اینکه موتر در حرکت است از دستگیر موتر خود را آویزان نموده اند . این



به این شکل آویزان شدن در موتر یا خطرات جانی ندارد

حرکات که ناشی از ندا نیستن قوانین ترافیکی محسوب میشود بعضا باعث حادثات دلخراش ترافیکی میشود که خانواده های را در ماتم و سوگ می نشانند به خاطر جلوگیری از این نوع حادثات و به



جوانان و خدمت مقدس زیر بیرق

باشرف خود به ارث برده اند بادرک شرایط حساس و تاریخی جامعه و وطن خود به درخواست دولت انقلابی خود پاسخ مثبت داده بر اساس مصوبه اخیر شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان مورخ ۸ سنبله ۱۳۶۰ جوقه جوقه و گروه گروه به مراجع مربوط حاضر می گردند و برای دفاع قهرمانانه از وطن ، مردم و انقلاب شکوهمند نور و دست آورد های دوران ساز آن جهت سپری نمودن خدمت مقدس زیر بیرق ثبت نام می نمایند .

جوانان ما امروز با این عقیده و ایمان کامل که هما نظوریکه اجداد و پدران قهرمان و حماسه ساز آن هادر برابر مداخلات ، حملات و تجاوزات استعمار انگلیس از خود شجاعت و قهرمانی نشان داده بزرگترین قدرت استعماری

جهان رابه زانوی ادب نشانده بودند خود نیز اجیران زرخیز ارتجاع و امپریالیزم را که از خارج کشور تمویل و تسلیح می گردند و جهت اجرای اعمال خرابکارانه به کشور آزاد و انقلابی ما اعزام میشوند به زودی هرچه تمام تر محو و نابود سازند با استقبال گرم و پرشور از مصوبه شورای

وطن خانه مشترک ما است همانسانیکه همه و شما حق داریم ، از آب ، خاک و هوای استفاده بعمل آورده در زیر آسمان شفاف بلگون آن امرار حیات نمائیم وظیفه داریم راه راه عمران و اعتلای آن از هیچگونه سعی و عمل بر تهر و خستگی ناپذیر دریغ نه نموده مواقع ضرورت بر ضد دشمنان آن شجاعانه قهرمانانه بر زمین و از خود شجاعت و دلیری مان دهیم .

تاریخ درخشان جامعه ما گواهی می دهد گمانیکه استعمار بد نهاد انگلیس بر ضد وطن تم و آزادی ما چشم طمع دوخت ، مردم ما چه وجه زن چه پیر و چه جوان و از هر کجایی وطن که بودند با وسایل دست داشته برای ع از حاکمیت ملی ، استقلال ملی شرف دادی خویش جوان مردانه و قهرمانانه بپا خاستند و با همه نیرو و توانیکه داشتند از ن و مردم خود دفاع نمودند و به دشمن بست های سنگینی وارد آوردند . آری ! امروز که انقلاب نجات بخش نور کشور پیروز گردیده و باتحول ۶ جدی

جوانان و روابط خانوادگی

رخداد های زندگی بعضا به موقع میدهد که به زندگیش مخ صا به زندگی خانوادگیش فکر و آن را به صورت واقعی ارزی نماید . به مشکلات خانوادگی که ناشی از عدم مسوولیت اعضا خانواده مخصوصا زن و شوهر باشد فکر کند و در مورد راه های آن و طرق جلو گیری اختلاف های خانوادگی چاره یابند .

این مشکلات چگونه در بین خانها راه می یابد و علت اساسی در چه است . وقتی این مشکل را از دو جهت بهتر است بگویم از دو نگاه کنیم یکی از نگاه زن و دیگری چشم يك مرد خواهیم دید که خود را حق به جانب میدانند مسائل زندگی و روابط خانوادگی ابراز نظر نموده و هر يك شان را مسوول میدانند .

زن در این باره میگوید : هر که زن و شوهر نسبت بیکدیگر داشته باشند ، باز هم بیم آن که شوهر دنبال زن دیگر بگردد بوی عشق و علاقه پیدا کند امر نه از لحاظ این است که ضعیف و بی اراده هستند و یا خیانت به همسر در وجود آنان شده است ، بلکه از این جهت که مردان بغلط عقیده مندند که بر زنان رحجان و برتری دارند برای اثبات این امر دلیل و برهان اقامه نمیکند بلکه به بعضی کهنه و خرافی که از گذشته میراث مانده اشاره می نمایند خوشبختانه امروز از این مسائل کمتر دیده میشود .

یکی از این مسائل کهنه و خرافاتی و قوت مرد را نسبت به زن نشان میدهد . این مردان مغرضانه دارند که چون دارای حض



مسوول این کارها کیست شما یا دخترتان؟

خانه محسوب میشود بر دختر جوان خود قهر میشود و با عصبانیت میگوید : من نمیدانم از دست این دختر حرف ناشنو و بی تربیت چه کنم ، هر قدر میگویم که در مسائل خانه بامن همکاری نماید کو چکترین تأثیری بر او نداشته و دایم بقیه در صفحه ۴۶

اعضای خانواده به رفتار و کردار خود متوجه باشند ، زیرا قرائقانون طبیعت کودکان و جوانان که خود از دامن خانواده تربیه و پرورش می یابند از رفتار و کردار والدین خویش می آموزند . چندی قبل در يك خانواده ، مادر که به منزله رئیس و همه کاره

يك اولین قسم های را که بر میدارد و حرکات را از خانواده اش فرا می گیرد و این قانون طبیعت خانواده توقع دارد که نووان خانواده دارای فلان باشد ، باید اولتر از همه

و آزادی وطن حراست نموده اند امروز که وطن به ایثار و از خود گذری جوانان نیاز دارد به جوانان است تا در راه آزادی کشور از هیچ گونه قربانی دریغ نه ورزند .

محمد جان:

جلب و احضار قسمی سر بازان که از طرف شورای و زیران تصویب گردیده ، به همه جوانان و کسانیکه شامل این مصوبه می میگردد لازم می افتد که با روحیه وطن پرستی و از خود گذری در راه دفاع از وطن و دست آورد های انقلاب ثور از هیچگونه قربانی دریغ نه ورزند .

اندیشه های جوانان

گناه بزرگ محسوب میگردد . بر جوانان ماست تا پیوند های خود را با مردم مستحکم نمایند . به مردم پیام روز را دهد و به نیازهای مردم پاسخ و حدود امکانات آنها فراهم آورند .

محمد حبیب محب زاده :

تاریخ شاهد است که کشور ما همیشه در طول زمانه شاهد فراز و نشیب ها بوده و مردم این خطه باستانی با روح آزاده که در خون و رگ آنها نهفته است از ناموس

ی کوهی

چشم و چراغ فردای اند ، جوانان وقتی رسالت را در قبال وظایف و های اجتماعی درك کرده نخست تیوری انقلابی این تیوری و دانش را مردم قرار دهند .

سل جوان ما در قبال بی افغانستان آنقدر که کو چکترین تخطی از ان

میتود جدید تداوی مرض دیابت (شکر)

در این طریقه تداوی یک کورس
است از :

اشباع نمودن حجرات عضویت
تحت فشار بلند از ده تا پانز
ساعت میباشد .

تحقیقات نشان داده است مر
میتود جدید تداوی میشوند بر
استقلاب مواد قندی عضویت شا
میشود استقلاب مواد چربی و پرو
شان نیز بصورت فوق العاده اص
و همچنان در سیستم ت
انرژی عضویت شان هم آهنک
و برای یخوابی ، درد مبهم اطرا
نیز مفید ثابت شده و دیابت (م
عادت را نیز اصلاح میکند .

مرض شکر یک مرض استقلابی بوده که در آن
نظم استقلاب مواد قندی برهم میخورد .
دانشمندان طب در طول سالیان متعددی در پی
دریافت طرق بهتر تداوی این مرض بوده اند
چنانچه به موفقیت های هم دست یافته با آنهم
با وجود این همه تلاشهای که نموده بودند تا-
اکنون موفق نگردیده اند تا طریقه یا ادویه
را ایجاد کنند که با استفاده از آن بتوانند این
بیماری که هنوز هم سیر مزمن دارد بصورت
مطلق تداوی کرده و بیمار مصاب به مرض
کاملاً شفا یاب گردد .

مگر در این اواخر اطباء اتحاد شوروی میتود
جدیدی را ایجاد نموده و از میتود مزبور که
بنام او کسینیشن مبالغوی (اشباع حجرات
عضویت توسط او کسین تحت فشار بلند)
یاد میگردد در تداوی مریضان مصاب به مرض
شکر استفاده میکنند .

از سنگینی های
اجامه ای
جهان

ترجمه : محمد انعام رؤفی

از صوفیه بر سی

سپاس و قدردانی از بنیانگذار پوهنتون کلمنت اوهریدسکی

چندی قبل نودمین سالگرد پوهنتون کلمینت

هریدسکی صوفیه یعنی قدیمی ترین موسسه

لیمی و تربیتی بلغاریا با افتتاح آثار تاریخی

مینت او هریدی موسس پوهنتون مزبور

تبدیل گردید .

کلمینت در تاریخ بلغاریا بحیث نزدیکترین

کار «سریل» و «متودیوس» برادران سالو -

اگر اوراق تاریخی پوهنتون متذکره را ورق

بزنیم خواهیم یافت که پوهنتون مزبور زمانی

در اروپا حتی در جهان از موقف بی نظیری برخوردار

بود چنانچه حتی در هما نوقت یعنی زمانی که

اقلیت ناچیز مردم جهان از فیض سواد بر-

خوردار بودند سالانه در حدود (۵۰۰) محصل

بلغاریا بر آن میباید با سرودستهای بروزی
روبالا کشیده شده و دوشعل بروزی در دست
هایش که توسط موصوف بخاطر آگاهی مردم
مباشد .



ورودن جگر فشارهای روحی

و عصبی تا آنرا تقلیل دهید

ن از دانشمندان در سال
موفق به اخذ جوایز شدند

یون جگر میدانند. چه

س کم خونی (پریشمتل) را

ن بار در تاریخ طبابت به

ویتا مین بی- دوازده (

جگر به مریض مداوانمودند

هم در غذا های روز مره

را علاوه کنید نیس

جایزه می شود. جایزه

ستن و خوردن یک چنین

مکمل و خیلی عالی،

از ویتا مین ها، مواد معدنی

به علاوه چیز های مفید

برای و قایه صحت

موجود میباشد. شواهد

است که جگر انسان

بر دشمن کشنده نمبریک

ت روحی و عصبی (وقایه

مختلف فشارها و

ت، حساسیت در برابر

گوشت خراش، استعمال

زهر دار در غذا ها،

ز کشنده که از انجمن

خارج شده هوا را آلوده

هنکا میکه هر صبح از

ب بیدار و دوباره سر-

لای بالش موقع شب می

حتما در طول روز در

طبيب دیگر به نام داکتر را-
نیو ویچ از این مواد غذایی شناخته
نشده جگر استفاده نمود و ادویه
از جگر به نام عصاره جگر
ساخت که به وسیله آن توانست
(یکصد و بیست و هفت) نفر را که
مبتلا به مرض شکر (دیابت) همراه
بایک نوع اختلال عصبی بود تداوی
کند. بعد از تطبیق دوا ی مذکور
از وضع صحی (یکصد و بیست)
نفر از مریضان رو به بهبودی
گذاشت.

داکتر را نیو ویچ عقیده دارد که
در جگر کدام مواد شناخته شده
دیگر وجود نداشته که در تداوی
مریضان فوق نقش بارزی را ایفا
کرده باشد بلکه آن عبارت از وجود
دو ویتا مین: «ب-شش» (ب-ب-
دوازده) است که همیشه در طبابت
برای تداوی اختلالات عصبی و کم
خونی از آن ها استفاده به عمل
می آید و موصوف در طبابت در
این تجربه مقادیر خیلی کوچک
دو ویتا مین فوق را در عصاره
جگر پیدا کرد و اعجاز غذایی و
دارویی جگر را ناشی از وجود دو
ویتا مین مذکور خواند.

داکتر دیگری جگر را و سیله
تداوی در چهل مورد بالای مریضانی
که مبتلا به مرض (اولسر، عضلات
ساق ها) بودند قرار داد. بعضی
از مریضانی که برای (ده) سال
از تداوی صرف نظر کرده بودند
با پیچیدن دای که ای که در محلول
عصاره جگر «به کلی اشباع شده
بود در نقاط مرض زده بعد از مدت
کو تا که کاملاً شفا یافتند.

همچنان از «عصاره جگر» در
تداوی زخم های دیر مانده ناشی
از جراحتی، سوختگی و امراض
جلدی مانند آگزیم، بیه و غیره
نیز استفاده مینمایند. در یکی
از راپور ها چنین آمده: شخصی

که از تکلیف بیه رنج می بر
چهار ماه تحت تداوی مخصوص
بیره قرار داشت ناگهان شش
باگر فتن (دوازده) تابلیت جگر
سه تابلیت ملتی ویتا مین در
برای یک هفته بیه های مریض
به بهبودی گذاشت.

جگر منبع ویتا مین های «آ» و «ب»
تجارب ثابت ساخته که در
ویتا مین های (ب-یک)، (ب-دوازده)
«ب-شش» و «ب-دوازده»
وافر وجود دارد. همچنان ویتا
(ث) در هر ذره جگر موجود
باشد. و قتی که از مواد معد
حرف میزنیم، آنها را مثلاً آهن
فسفورس، پتاسیم و مس
برای قلب مفید اند، در جگر
یافته می توانیم.

تجربه این واقعیت را روش
ساخت که (سی) نوع غذای
از جمله (چهل و هفت) نوع،
سال (۱۹۶۶) به مقایسه سال
(۱۹۴۲) از داشتن مس فقیر بود
که این فقدان در گراف امراض
قلبی سال (۱۹۶۷) سیر صعود
قابل ملاحظه ای را نشان میدهد
تجربه نشان داد که فقدان
کمی مس در غذا باعث بلند
کولو سترویل در خون گردید
موجب سکنه های قلبی میگردد.
شما میتوانید با افزودن جگر
خوراک روز مره تا آن کمبود
مس را در وجود تلافی نمود
بلند ر فتن سطح کولو سترو
در خون جلوگیری نمائید.

مس هم مانند ویتا مین (ث)
ذره، ذره ای جگر وجود دارد
طور مثال جگر هفتاد مرتبه

درسال (۱۹۴۰) داکتر بنیامین
ایر شوف برای اولین بار دریافت
که با خوردن جگر میتوان (فشار
هی روانی) را بر طرف نمود.
داکتر موصوف اکنون پرو فیسور
محقق بیوشیمی میباشد که بیش
از (یکصد و هفتاد) مطالعات
و تحقیقات علمی را در ساحت
بیوشیمی انجام داده است. در
برخی از این تحقیقات که در قسمت
مواد غذایی انجام داده به این
حقیقت پی برد که خوردن جگر تازه
ویا پودر آن به قسم تا بیست
انسان را در برابر فشارهای
روانی محافظه میکند.

اگر جگر بتواند انسان را در
برابر فلج سازی سلول ها، ناشی
از تشعشعات و قایه نماید مساله
تشو شات روانی و عصبی را با
خوردن آن میتوان حل شده تلقی
نمود.

اینکه آیا این نیروی قدرتمند در
جگر چه خواهد بود؟ کس نمیداند
اما داکتر ایر شوف فرضیه
علمی خود را در مورد چنین بیانی
میدارد... علاوه مواد غذایی
شناخته شده، مواد غذایی دیگری

حال من بدتر است از شما

دو مادر که به تازگی شانزدهمین سالگر تولد پسر و دختر خود را جشن گرفته بودند. در باره فرزندان خود صحبت می کردند. او لی آهی کشید و گفت:

— پسر مرا می خواهد بکلی ناامید بسازد. هر حرفی که به او میزنم جواب میدهد! نی!

دومی آه عمیق تری کشید و گفت:

— وضع من هم بدتر از



بدون ش

شما است. دخترم بد
که از او می خواهد ج
بلی



بدون شرح

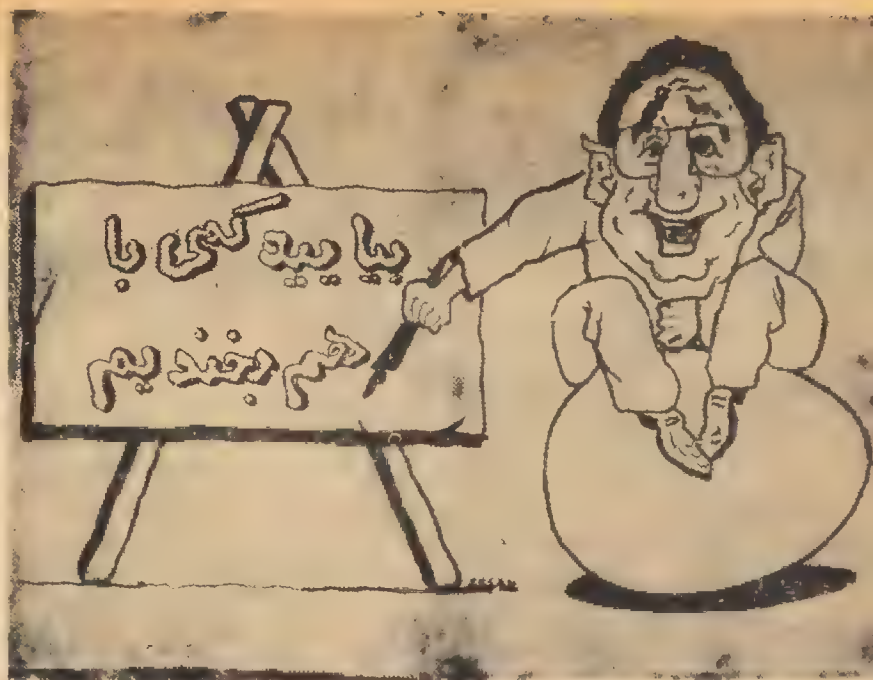


قبر پدرت است

در گورستان مردی در کنار قبری نشسته بود و گریه کنان تکرار می کرد:

— نی، تو نباید میمردی... تو باید زنده میماندی... تو نباید میمردی.

یکی از رهگذران دلش سوخت. پیش رفت و گفت:



چگونه صرفه جوئی کرد

آقای مك تاریش بتازگی زن گرفته. برای گذران ماه عسل رفته بود در تمام مدت مسافرت لحظه ای از اندرز دادن به زنش غافل نماد و مخصوصاً همه را تنها یها و اندرزهایش پیرامون این نکته دور میزد که چگونه میتوان بیشتر صرفه جویی کرد.

در آخرین روز سفر زن سری تکان داد و گفت:

عزیزم حالا میتوانم به تو اطمینان بدهم که کاملاً یاد گرفته ام چگونه میتوان صرفه جویی کرد و جلوی مخارج بیهوده را گرفت.

تو بمن خوب یاد دادی که چگونه باید از پول استفاده کرد.

— آخر! به تو تبریک میگویم.

— متشکرم. حالا ممکن است چند شلینگ پوک بمن بدهی؟



چه مریضی داشت

بست بعد از مدت‌ها يك ديگر را دیدند . یکی از آنها قیافه ای
 و احست افسرده داشت. دوستش گفت :
 بدی افتاده است؟ این چه قیافه ای است که تو گرفته ای؟
 ه سو زناك کشیدو گفت :
 فتنه می شود که پسر مرده است.
 سستی ؟ چه مریضی داشت؟
 فقط کمی ریزش کرده بود؟ پس این که اینقدر ها مهم نیست.



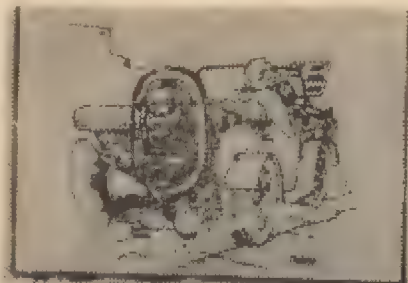
بدون شرح

داستان مستان

شب تاریکی بود . مردی
 از رستوران پایان شد و به
 قدم بر میداشت در یکی از خیابانهای خلوت کلیدی را از جیبش
 بر آورد و به طرف یکی از پاهای
 آهنی چراغ برق رفت و به
 سعی کرد کلید را در قفل درج
 که معمولا در پا بین تیر های
 هست فرو کند . مدتی تلاشی
 موفق نشد بالاخره پاسبان سر
 به شوخی به او گفت :
 - برادر چه میکنی ؟ می بین
 هیچکسی در خانه نیست .
 مردمست با انگشت چراغ
 داد و گفت :
 - چرا آنجا را نگاه کنی حتی
 نفر است طبقه بالا روشن است

در عالم مستی

دو نفر مست در سالون ایستگاه
 راه آهن نشسته بودند . زن بسیار
 جاق داخل سالون شد و به طرف
 ترازوی اتو ما تیک رفت و سکه ای
 در آن انداخت و روی ترازو ایستاد.
 اما ترازو خراب بود و عقربه آن
 زن را فقط ۳۲ کیلو نشان داد.
 یکی از مست ها چند بار چشم
 هایش را مالید و به صفحه ترازو
 خیره شد ، بعد نکاهی به هیكل
 عظیم زن انداخت و با بازوبه پهلوی
 رفیقش زد و گفت :
 - جانم چاقی را دیدی ؟ بین آن
 خالی است هیچ چیزی نیست !



بدون شرح



نانه‌هایی



از هفت اقلیم

ترجمه و تنظیم از میرحسام‌الدین برومند

ناتو، دشمن بزرگ بشریت

تجارت بین‌المللی اسلحه که بوسیلهٔ
دورهای «ناتو» براه انداخته شده است
لیا در ملی که آنجا صلح حکمفرماست.
بد ناآرامی میکند. گسترش مسابقات
بیعتی، که مظهر جنگ افروزی کشور های
ست بدستگیری کشور های کابینه‌ایستی
تاروز فزونی گرفته است. تصمیم اتحاد
روی و سایر کشور های سوسیالیستی-بینی
عقد یک کنفرانس بین‌المللی در مورد
ارسال اسلحه، مخصوصاً از آن کشور
که، آنجا مورد حملات امپریالیستی قرار
و همچنان جلو گیری از صدور اسلحه
های رژیم های را سیستمی و کلونیالیستی
از حد تصور نافع و در خور ستایش
است. معذالك مطالبات و درخواست
پیام نیروهای صلحجو و ترقی پسند
بین روش های مفلک و نظامی کشورهای
یالیستی گردیده و پیوسته «ناتو» و -
نگاش با مقاومت تلخ و سر سختانه
ر های مرقی و روبرو گردیده است. بدینی
که در تجارب و ارسال اسلحه اضلاع
امریکا پیشی و سبقت خویش را حفظ
و جمهوری فدرال آلمان که در ساختمان
ریک کشور های ناتو می‌خواهد خودش
نوازی با قوس صعودی امریکا قرار دهد
نان قوس صعودی خود را در قسمت تولید
مال و سایل تسلیحاتی می‌پیماید. خاصنا
اسلحه و سایر وسایل و مواد نظامی

مسیل می‌گردد که درسی سال اخیر جنگ
فقر، هلاکت و نا آرامی همواره آنجا زبانه
می‌کشیده است که در مجموع کشور های جهان
سوم اسلحه بیشتری دریافت داشته اند.
نظریه گزارش های تازه منابع امریکایی
کنترول سلاح، انحصار و صدور اسلحه و
سایر لوازم نظامی از ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۷ هشت
برابر گردیده است که این باری خطرناک
بوسیله آلمان فدرال بشدت دنبال میشود و
نظریه گزارشات منتشر شده رسمی صادرات
اسلحه در سال ۱۹۷۹ به ارزش بیش از (۱۰۰)
میلیارد مارک آلمانی بالا رفته است. در سال
۱۹۷۷ وزیر وقت آلمان فدرال صدور وسایل
تسلحاتی را به بیش از (۱۰۹۲۵) میلیارد
مارک آلمانی بیان داشته بود. براساس سنجش
های سیاستمداران آلمان فدرال در سال ۱۹۷۸
(۲۰۵) میلیارد مارک آلمانی که در واقع یک
میلان قوی نظریه یک نشریه ۱۹۸۰ فرانکفورت

خوانده شده است، بطور جدی این مصرف
قوس صعودی اش را پیموده است. نشریه
دیگری بنام «فورس» در یکی از شماره های اول
سال جاری نگاشت که: جمهوری فدرال آلمان
در سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ ارسال اسلحه و ابه
نیمت (۵۰۹۳) میلیارد مارک آلمانی ازدیاد
بخشیده است که در سالیان ۱۹۷۶ - ۱۹۷۸
صدور اسلحه از انبار خانه ها و فابریکه های
تولید اسلحه آلمان فدرال به ۶۹ کشور جهانی
صورت گرفته است که قیمت دریافت شده از
بابت آن ونفعی که از بابت فروش آن برداشته
(۴۰۷۸) میلیارد مارک آلمانی خوانده شده
است. و از سایر کشور های کوچک (۱۰۸۶)
میلیارد شرکت های انحصاری و تولید اسلحه
آلمان فدرال چون کوروس مافی، هکلی، کوخ، بدین
تازه گی ها (۴۰۰۰) وسیله دفاعی آتش برافروخته
که یک وسیله کاملاً جدید است به نایلندارسال
داشته اند. همچنان از این وسیله در اختیار
رژیم خونخوار پنوچت نیز گذاشته شده است
و همچنان وسایل تسلیحاتی دیگری چون
مانین های جنگی، موتور های دیزلی برای
زره پوش ها نایق های سراج السیر نیز
بدین تازگی ها ساخته شده و برای دامن زدن
جنگ به کشور های دیگر فرستاده شده است
صدور اسلحه به کشور هایی که آنجا علاقمندی
و تمایل به امپریالیزم زیاد است و بیشتر بانیروهای
طرفدار پیشرفت و ترقی اجتماعی در جدل اند،
از طرف آلمان فدرال بیشتر صورت میگیرد
که مثلاً میشود از صدور اسلحه به چلی
اسرائیل، رژیم نژاد پرست افریقای جنوبی
السالوادور و امثال آن زامبرد موج اعتراضات
همگام با این روش بلند شده است چنانچه
در خود آلمان فدرال همین چندی قبل پروتست
کارمندان کار خانه تولید قایق های تحت -
البحری «کیل» بغاوردیکتاتوری پنوچت سروصدا
راه انداخته و ارسال اسلحه بوسیله آلمان

فدرال را بدان کشور، نقیض و ننگ
چه مردمان بی دفاع بوسیله و
بیحد شکنجه می گردند. همچن
شانرا علیه رژیم را سیستمی اف
به کمک آلمان فدرال و سلاح
«ناتو» بغاظر نقویه رژیم اپر نای
همت می گمانند، برملا ساختند.
در کنار سایر کشور های
کنونی آلمان فدرال در آتش
در کشور های جهان سوم یک رول
رادار است، و در کشور های عقبمان
«کاپ هون» واقع در آمریکای جنوبی
های شرق نزدیک در بسا مناطق
و باهم در مرداب ها و باتلاق های
اسلحه ها، تفنگچه ها، راکت ها
جنگی جرمی، انسانرا بشدت
حیرت می اندازد. بقول «هیر نیرگر»
«تصمیمات بین سال های (۱۹۷۳)
«ناتو» فیصد صدور وسایل تسل
فدرال را در کشورهای جهان سوم تق
که ۴۶ فیصد این وسایل اغلبا در
شرق نزدیک و آسیای رستنی
صدور ۲۷ فیصد آن به افریقا
به امریکای لاتین نمیتوان از یاد
«الافاجت» وفاق های سریع ال
های تیپ جدید «ام.بی.بی» مدرنتر
نظامی آلمان فدرال در سال گذشت
رسانه های گروهی آلمان فدرال رو
ساختن کشور های دیگر را بوسیله
«درواه یی بسوی بدبختی» لقب د
«آلمان فدرال بایستی بغاظر سیاس
مخاصمانه و دامن زدن فشار و ستم
جنگ طلبانه، خویش را تکویش
چه روش آلمان فدرال ابتدا انسانی
بخواست بشریت مرقی نیست
ان مطلب ایست که اخیراً با
مرقی آلمان بدست نشر سپرده اس



بیت مدرن و تقرب تعداد تلفات

نوزادان به صفر

از بروز خطرات احتمالی، تجهیز ساختن سالون هاو اتاق های ولادت با وسایل مدرن طبی، ورزیده ساختن دکتوران و نرس ها را، همه و همه عواملی شمرد در جهت فعالیت های شکفت انگیز کلینیک . چنانچه در تصویر می بینم که کودک نوزاد با چه مواظبت و مراقبت دقیق دکتوران چیز بهم و ورزیده پس از تولد مورد معاینات جدی قرار گرفته است تا زمینه رشد بهتر و صحتی تراو فراهم آمده و بدون هیچنوع نقصان رشد یابد .

زنان شفاخانه مرکزی «هانریش سوپاکا» ، سال ۱۹۸۰ یکسال مدنی بحساب می آید چه از بدو کلینیک تالعالی مجموعه (۷۷۲۵۰) دیده بجهان گشوده است که داشته این کلینیک شاهد تولد بود . مسوول کلینیک متذکره نوزدان و اینکه این کلینیک حتی هم ندارد ، مودر نیزه ساختن شش تدابیر اساسی برای جلوگیری



دکان کلینیک با مدرنترین وسایل تست میگردند .

استعمار نو، دشمن سرسخت

کشورهای در حال رشد

تجارت شرکت های «التحصاری» به استناد راپور های تازه از سال ۱۹۷۱ معادل ۱۲۴۲۰۰ میلیون دلار در حال رشد ستائیده اند که درسه سال گذشته فروش کشور های در حال رشد از بابت همچو مفاد گیری های کمر شکن

دالر متضرر میشوند . به اساس گفته های متخصصین بانک جهانی و سازمان همکاری اقتصادی

ده هزار میلیون دالر خواهد بود که در حصه کشور های در حال رشد این چار چند بیشتر است که زیاد بیرحمانه میباشد . بهمین دلیل سطح پائین تادیات اضافی برای تالالوژی به ارزش ۲۰۰۰ میلیون دالر بسیار احتمالی بنظر می آید .

کشور های غربی و شرکت های بین المللی باوصف اطمینان های مکرر در مورد تمایل شان پیرامون تجارت عادلانه از سیاست تبعیضانه خویشی در ساحه تجارت خارجی دست برنگرفته، نفع هنگفت دریافت میدارند سالانه سی هزار میلیون دالر از حجم کلی تجارت خارجی برای رفع موانع تعرفوی به مصرف میرسد .

کشور های در حال رشد غیر صادر کننده نفت ، چهارده فیصد تجارت جهانی را در بر میگیرند در حالیکه خسارات شان ناشی از محدودیت های تعرفوی تخمیناً به ۴۲۰۰ میلیون دالر میرسد . خسارات هنگفت کشور های در حال رشد نیز در نتیجه وضع تعرفه های بلند که بخاطر تامین صادرات شان از طرف صاحبان کشتی های بازرگانی کشور های در حال رشد تحمیل میگردد ، وارد میشود . تنها اروپای غربی از درك انتقال سامان آلات ۹۶۰ میلیون دالر کشور های در حال رشد رابه غارت میرد در حالیکه کشتی های امریکایی و جاپانی اموال زیاد را انتقال میدهند . این احصائیه

باید کم از کم دو چند باشد و به ۱۹۰۰ میلیارد دالر خواهد رسید .

بینظمی پولی در غرب شدیداً میسر تادیات را در کشور های در حال رشد گردانیده است کشور های تازه به اسر رسیده . در سال های ۱۹۷۰ در نتیجه تفرخ نرخ مبادلات اسعار از طرف کشور های امریکالیستی ۸۰ میلیون دالر خساره شدند . علاوه بر آن ، يك قسمت فروش های در حال رشد که باید به اسعار دو پرداخته میشد که ارزش شان در برابر

امریکایی بین سال های ۱۹۷۱ و ۱۹۷۳ رفته ، به صورت اتوما تیک به ۵۰۰۰ دالر افزایش یافت . در سال ۱۹۷۸ ذخایر خصوصی پولی ساکنین کشور های آسیای و امریکای لاتین در بانک های تجارتی به (۷۰۰۰۰) میلیون دالر تخمین شده است در عین زمان اوسط سود در مارکیت خصوصی به هشت فیصد بالغ گردیده است بدینترتیب با سه فیصد فرق ، (۲۱۰۰) دالر نفع آن بانک است که برخایر شعب بعضی از ساکنین کشور های در حال رشد فعالیت دارد . این همان قیمتی است که تجار کشور های در حال رشد برای شرکت در کلوپ بانکداران بین المللی بپردازند .

بخاطر صحت انگولایی ها

و بسان انسان های توهمند و صحتمند ، میدهند .



يك انگولایی تحت طبابت .

از سال ۱۹۷۶ بدینسو دکتوران متخصص، ماشین ولوازم اورتوپیدی و فزیوتراپی از تمامی کشور های مرفقی جهان درلواند امصرف خدمتگزاری اند . درین کشور ماهانه ۱۵ تا ۲۰ بازو ویای مصنوعی در وجود اشخاصیکه با اشکال ویاهم عوامل متعدد دست ها و پاها یشانرا از دست داده ، نصب و جایجا میگردد . این بازو ها و پاها ی مصنوعی جدیداً ساخته شده واز پاها و بازو های اصلی تفاوت چندانی ندارد و بظاهر چون اعضای اصلی بدن مینماید . اخیراً هفده جوان انگولایی که فاقد دست و پا بودند ، بانصب بازو ها و پاها ی مصنوعی صحتیاب گردیده بکارو زندگی شان بطور عادی

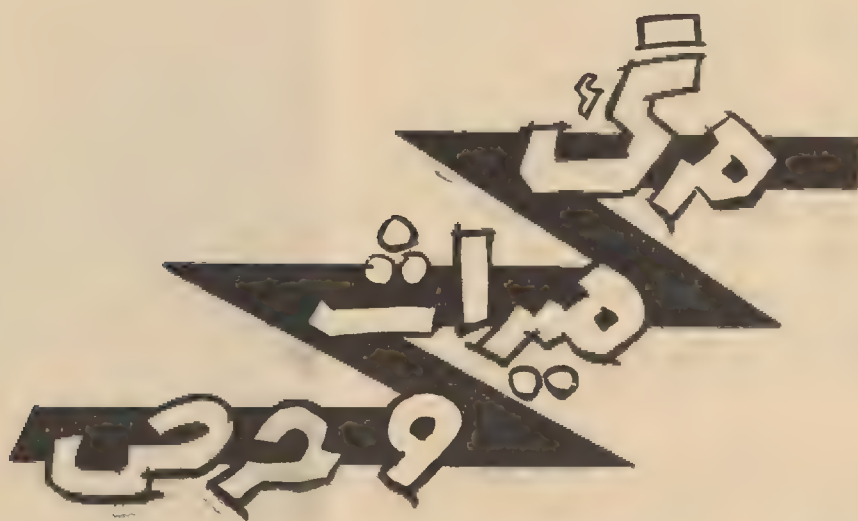
برای ویتنامی های کوچک

پدانشما باید گزینوه ایم :

هر هفته یکداستان از ادبیات جهان

این هفته از ادبیات لهستان

ولادیسلاو ایستانیسلاو ریمونت
برنده جایزه نوبل



- گمشو سگ لعنتی ، گمشو
گم میشی ، لاشه سگ ؟!
باکفش تلی چو بی خود ، چنان
سگ زد که حیوان روی زمین غلط
کشان به طرف در بسته خزید .
دخترک هق هق کنان نزدیک بخاور
بود و با دست های کو چکش بینی و
خودوا می مالید .
زن با خشونت بیخ گوش پیر مر
نچوا کرد :
- بابا تا اعصابم را خراب نسازد

نیمه باز و کبود و لبهای تر کیده اش بیرون
می افتاد .
دخترش فریاد زد :
- بتو میگویم ، بر خیز !
دختر کوچک باناله تکرار کرد :
«بابه کلان !»
بازیر پیراهنی و پیش بندی که به روی
سینه اش بسته بود ، سر پنجه پا ایستاده
بود تاچهره پیر مرد را دیده بتواند :
«بابه کلان »
چشمهای آبی او پر از اشک بود و چهره

یسیلاوا ایستانیسلاو ریمونت نویسنده به شهرت رسیده و محبوب کشور لهستان که
ل ۱۹۲۴ جایزه نوبل به او تعلق گرفت در سال ۱۸۶۷ متولد گشت و در ۱۹۲۵
مت .
ان کودکی او در تنهایی و فقر در یکی از مزارع لهستان تحت سلطه رو سیه دوران
گذشت ، فقر موجب گردید که نتواند تحصیلاتش را ادامه دهد تقریباً سال های اوایل
اش در پی کسب نان به آوارگی در شهرهای لهستان گذشت در ۱۸۹۳ متوجه استعدادش
سندگی شد و به کار قصه نویسی پرداخت که از همان آغاز مورد توجه مجلات
زار گرفت .
کار او کتابسی است بنام « دهقانان » که در آن فقر و بد بختی رو ستا نشینان
س بخوبی تصویر شده است «کمیدین» ارض موعده و « خواب بیننده » از آثار
دیگر او هستند که در سال های آخر عمرش به نگارش آمده است مرگ، میراث و

نوش باتو صحبت میکنم ، بر خیز ، اتفاق شد .

- حمد بر مسیح .

زن جوابداد :

- تاابد الا باد .

باید گمانی از گوشه چشم زن د هقان را
نگریستن گرفت .

- چطوری ، خوبی ؟

- شکر خدا ، میگذرد ، ودر حالیکه برف را

از کفش خود میتکاند پرسید :

- حال پیر مرد چطوره ، خوبه ؟

- به ، چطور میتانه خوب باشه ، آخرین

نفس عایش است .

- همسایه این طور نگو ، همسایه !

روی پیر مرد خم شده بود ، پیر مردنالد :

« کشیش »

- ای وای خدایا ، مرا نمی شناسد ،

کشیش می خواهد ، در حال مرگه کارش تمامه ،

کسی را عقبی عالی جناب فرستادی ؟

- مگر من کسی را داشتم که بفرستم ؟

- اما تو که نمی خواهی یکنفر مسیحی بدون

مراسم مذهبی بمیره ؟

- نمیتانم تنهایش بگذارم و بروم . شاید

هم حالش خوب شود .

- گمان نمی کنم ، و وضعش خیلی خرابه ،

بین باجه مشکلی نفس میکشه ؟

- بلی همین طور است ، پس خوا هش

میکتم تو این کار را انجام دهی و بوی عغب
کشیش .

- خیلی خوب ، و وقت تنگ است ، پس
من رفتم .

پیشبندهای را محکمتر دور گردنش گسره

زد :

- خدا حافظ « آنت گوا » .

- خدا به همراهت .

وقتی که زن همسایه بیرون رفت ، آنت گوا

شروع به مرتب کردن اتاق کرد ، اتاق را

کردگری و جارو کرد ، خاکستر های اتاق را

دور ریخت ، ظرفها را شست و کنار هم چید ،

گاهگاه بر میگشت و نگاه نفرت باری به پیر مرد

می انداخت ، تف میکرد ، مشتپایش را گره

میکرد و سرش را بایبچارگی مایو سانه یسی

بالا میبرد و با خود گپ میزد :

- بانزده جریب ز مین ، خوک ها ، سه تاگاوا ،

اسباب و لوازم خانه ، آن همه لب سببا ،

حتی نصف ایشها هم ثروت بزرگی است ، خدای

من .

مثل این بود که اندیشیدن در باره ایسن

همه ثروت نیروی تازهیی به او داد ، ظرفها

را با سر و صدا جابه جا کرد و ادامه

- آن همه مرغ ، آن همه گوساله و آن

وسایل و ابزار کشت و چکار همه را بر
لماشه گذاشت ، انشاء الله که با نکبت

انشاء الله کرم ها در گور ویژه ویژه ات
برای اینکه در حق من این همه ظلم

برای اینکه وضع من از یتیمان هم بدتر

لبریز از خشم بطرف بستر بیمار د و

و فریاد کشید :

- بر خیز !

وقتی پیر مرد حرکتی نکرد ، با مشت

او را تهدید کرد و باز بیخ گوشش

کشید :

- برای این اینجا آمدی که نزد من

و مجبورم کنی خرج کفن و دفنت را بد

یک طاقه شال برایت بخرم ، این آرزو

به گور ببری ، اگر جولینا جانت اینقدر

عزیز است ، بهتره عجله کنی و نزد او

مگر مقدر من بوده که سر

پیش من بجانی ، عزیز دانه تو جولینا سر

وقتی صدای زنگ دروازه بلند شد

سرخش را ناتهام گذاشت و کشیش با

آب مقدس وارد شد .



جوانان و روابط...

عقیده اند که زن فقط برای لذت مردان آفریده شده است سخت و دشوار است که چنین مردانی را تغییر داد و فهماند که زنان فقط برای عشقبا زی آفریده نشده اند بلکه مقاصد بهتر و عالیتتری آنان آمده اند.

زنی که هر زن شوهر دار عاقل و آگاه است که مایل بخو شبختی می باشد خوب است با آینه خویشتن را بتگرد و نواقصی خود را در نظر بگیرد و خود را نسبت به شوهری که است او را از دست ندهد و به وسعادت با وی زندگی کند، بسنجد.

زنی چنین کند و بداند تمایل شوهرش چه چیز است به میتواند فقط شوهرش را برای بهدادر و نگذارد عشق و علاقه ی دیگری در قلبش رخنه کند زن در این وظیفه قصور کندو باین موضوع ندهد، باید که زن دیگری را پیدا خواهد در زیر بعضی از اشتباهاتی غلب زنان مرتکب آن میگردند است شوهر به اثر همین هات اعتنایی به همسر خود و علاقمند بزنان دیگر یاد آوری میکنیم.

مرد و هم چنین هر طفلی می که چه وظایفی دارد و یاد آوری بایف و تکرار آن نتیجه کلی ، زیرا مردان چون کودکان سخت و لجوج هستند و مرد ایل است وظایف خود را نسبت واده خویش انجام دهد و از زن نباید مرتب به شوهر خود که این وظایف را انجام دهد، زن امر بر شوهر گران آمده و است با علاقه ای که به انجام آن دارد، شانه از زیر آن

شوهر دار است بکار برد . اگر زن این امر را فراموش کند کساح سعادت زنا شوی خسود زده است و چیزی نخواهد گذشت که شوهر برای اطفای کامل حس شهوت با زن دیگری ارتباط پیدا نماید و از راه راست منحرف شود.

عدم تفاهم :

زن کاملاً متوجه این نکته باشد که مرد عقیده مند است که جنس مرداز جنس زن بهتر و بالا تر است این طرز تفکر که مال خیلی قدیم است و امروز خریداری ندارد و همین مسایل بود که بین زن و مرد عدم تفاهم را ایجاد میکرد بسیاری از زن ها با اینکه میدانند شوهرشان به چه چیز های عشق و علاقه دارند در این باره بی جهت با آنها ضدیت و مخالفت میکنند ، مثلاً اگر مرد علاقه به مطالعه داشته باشند زن همه اش از زیادی کتب و مجلاتیکه شوهرش دارد ناله میکند و آنها را به اینطرف و آن طرف میافکند و یا عشق به ورزش و یا جمع آوری اشیای عتیقه داشته باشد ، از وی می خواهد به مسایل دیگری توجه نماید . زن فهمیده نباید شوهرش را وادار

بقیه صفحه ۳۷

مسئول...

درس های را بهانه قرار داده و از همکاری با من شانه خالی میکنند با اینکه دختر جوان است و این کارها که من برایش میگویم به درد آینده اش می خورد ولی با آنهم کوچکترین توجهی نمیکند نمیدانم با این دختر حرف ناشنو چه کنم .

خانم محترم !

شما که مسوولیت عام و تمام دختر تان را بعهده داشتید و دارید آنها فکر نمی کنید که دیگر حرف ها

کند از چیز هاییکه مورد علاقه اش میباشد دست بر دارد ، زیرا این امر سبب میشود که زن زیرک و فهمیده دیگری که پی به اخلاق ورو حیات شوهرش برده است ، او را از دست وی بر باید بلی ، زنان زیرک مترصد اولین فرضی هستند تا چنین شوهران ناراضی را بسدام بیا فکنند .

اگر زن کاملاً پرو حیات و اخلاق شوهر پی ببرد و بداند که او به چه چیز ها عشق و علاقه دارد و طبق دلخواه او عمل نماید ، هرگز شوهرش احساس تنهایی و عدم خوشبختی نمی نماید و ابداً حاضر نمیشود زن خود را ترک گوید و با زن دیگر دوست و آشنا شود و رابطه پیدا کند .

حسادت:

حسادت کور کورانه اسلحه در هم شکننده ای برای کاخ سعادت زنا شویی محسوب میشود ، و اصولاً این غیرت بی جا و کور کورانه بر اثر اوهام و خیالات دست میدهد. مثلاً اگر زنی دید که شوهرش با بعضی از خانمهای شیک آشنا یی پیدا کرده است دستخوش و هم و خیال گردیده و از روی ترس و نگرانی دست به کار های نابخردانه میزند .

نتیجه آزما یشهای علمی اینست که بایه حس حسادت بر روی ترس

در کار های منزل با شما همکاری نخواهد ، امروز به این مشکل دچار نمی بودید و دختر جوان تان را بی تربیت و حرف ناشنومی گفتید شاید شما حق به جانب باشید که دختر تان در کار های منزل با شما همکاری ندارد ولی آیا واقعا مشکل او را که درس های مکتب او است درک می نمایید آیا از دختر تان توقع ندارید که در امتحانات درجه خوب داشته باشد . پس وقتی دختر تان موضوع مشکل درسی ها را با شما در میان میگذارد شما نباید عصبانی شوید

نگذارده شده است و اصولاً متکبر و خود خواه که بیش را دوست میدارند ، و به محبت ندارند دستخوش میشوند .

این چنین اشخاص برای هستند مورد عشق و علاقه قرار گیرند تا شخصیت آن گردد و اگر مورد علاقه شخص نظر شان قرار نگر فتند احساس شکست می نمایند اگر چه میشوند که قلبشان زخمی است ، ولی در حقیقت صد شخصیت و پرستی آنان و است .

حسادت به طوریکه بعضی میکنند ، دلیل عشق و محبت و ضعف و شدت آن نمی فردی نسبت به فرد دیگر اندازه علاقه دارد . بلکه شخصی که در این مورد خود نشان داده است تا خود خواه است .

زنیهای هستند که تظاهر به چندین مرد که شفیه آنها می نمایند اگر یکی از آن دختری علاقه پیدا کرده و آن بر گرداند بر انگیزند ناسزا میگویند ، این امر نا لحاظ است که آن مرد را میدارند ، بلکه از آن جهت دختری آنها را شکست داده حسادت بی جا و کور کور

گترین عامل عناد و لجباز همین امر سبب میشود که رادر آغوش زن دیگری بیا غرغر زن و اتها ماتی که بر می آورد آسوده شود در هر شوهر گناهکار باشد و چه نداشته باشد ، برای اینکه و سرز نشس و بدر فتاری رهایی یابد ، مرتکب این بزرگ میگردد .

اشک:

اشک و گریه زن به طور است بزرگترین اسلحه او می رود ، ولسی دانشمند

عقدۀ حقارت چیست؟

عقدۀ همیشه بد است؟

عقدۀ حقارت یک مرض بدون تداوی است؟

بابا و داید هیچ انسانی بدون عقدۀ نیست؟

داکتری را می شناسم که سخت دلبسته خرد سال ترین فرزندش «زمری» است محال است صحبتی پیش آید که او دامنه آنرا به سخنان آن کودک یعنی «زمری» نکشاند . . یکروز او سر گرم گفتگو درباره وظایف قسمت ج مغز و تاثیر آن به عقل بودیم و تبادل افکار مادرین خصوص جریان داشت که ناگهان آن دکتور سخنان ما را قطع کرده گفت درس است سخنان شما مرا به یاد گفته های چ روز پیش زمری انداخت و بعد بشود و هیچ خاصی شروع به سخن پردازی درباره زمری نمود که اگر ما در نخستین فرصت توجه را به جای دیگر جلب نمی کردیم ممکن ساعت در باب سخنان زمری به ادامه سخن می نشست او فریخته عقدۀ خود شده و عواطف چن بر مغزش چیره شده بود که نزد خود به ایمان است که بین وظایف قسمت جلوه و سخنان زمری ارتباط نزدیک وجود دارد

بلاخره عقدۀ را میتوان از مداومت و ابرم شگفت انگیزش شناخت به این معنی که پیوسته اصرار دارد تادر خود آگاه مارا یا تا به حدیکه جلوگیری از آن به هشابه جلو گیری از تنفس است .

اکنون می توانیم به طور اجمال مشخص عقدۀ را تعریف نمایم : عقدۀ عمومیت دار عواطف و تحریک می کند به سهولت به تدا های ذهن می پیوندد و در خود نمائی اصرار دارد باید دانست که عقدۀ ها زمانی بدو زما هم خوب اند . عقدۀ خوب آن است که مف و سوء بخش باشد هرگاه پیشرفت جهان تن بسته به اصل خشک علیت و تفکر عاقلانه بر بزدی جهانیان دچار وضع تاسف انگیزی می شدند .

فکر عاطفۀ ای باوجود غیر منطقی بودنش شو و حرارت خاصی دارد که آتش به جان می اندازد و تمن را جلو می برد . عقدۀ بد آن نامطلوب دارد و در محیط او انعکاس مضر می بخشد تبعیض ، زور گوئی و آزار مردم شعبات فرعی عقدۀ های بد است در تظاهرات ملایم عقدۀ بد کمتر زیان آور است ولی در تظاهرات شدید بدبختی ، بدبینی و یاس و بلا های دیگری را موجب می گردد که از پیشرفت بش جلو گیری می نماید . روانشناسان عقدۀ ها زیادی را اهم ازید و خوب می شناسند چو عقدۀ شخصیت ظاهری ، عقدۀ اجتماعی ، عقدۀ جنسی و غیره که عقدۀ حقارت هم یکی از آنهاست .

تضاد ، همبستگی و علیت به هم می پیوندند . حالانکه تفکر غیر عقلانی افکار و وسیله احساسات و عواطف که بنابر تجربیات زندگی قبلی شخص به صور مختلف حاصل شده اند به هم متصل می کند . بنابر ین معنی تفکر غیر عقلانی تفکر عاطفۀ ای یا عقدۀ ای است . هر گاه روش ما نسبت به عقیدۀ یا موضوع بیش از حد تابع عواطف باشد بدین نتیجه واصل می گردیم که یکی از عقدۀ های ما به گردش آمده است .

فرق بین این دو نوع فکر روشن است و نتیجه هر کدام ارزش خاصی دارد بدین معنی که یکی منطقی و دیگری عاطفۀ ای است .

با این هم می گوئیم تا نتایج عاطفۀ ای را به عنوان نتایج منطقی قلمداد کنیم به خود به قبولانیم که باثر تفکر عاقلانه و منطقی به این نتیجه رسیده ایم . و حال آنکه

چنین نیست . خوشبختانه بشر بیش از پیش ازین اقدام یعنی قالب زدن احساسات

مسایل ممکن است با خونسردی مورد بحث قرار گیرند . اما اگر یک دسته ازشاگردان را در نظر بگیریم که راجع به امتیازات مکاتب شان باهم داخل مباحثه اندو یا صحبت چند نفر تاجر رادر مورد حرفه تجارت مورد دقت قرار دهیم به ملاحظه میرسد که اوضاع به کلی فرق میکند و بحث دیگر جنبه عادی ندارد . بلکه احساس ما بیدرتک روی دایره می ریزد و نه تنها افکار ما را تقویت میکند بلکه نه آنها تسلط نیز حاصل مینارد . مشاهده خواهیم نمود که چه سان در این گونه موارد در بحث گرم می شویم و می گوئیم حتی المقدور مثبت ترین و موثر ترین سخن را بر زبان آوریم مانند آنست طوری رفتار می نمایم که گویی شدت ایمان

شناسی عقدۀ عبارت از یک اندیشه از اندیشه ها ست که توسط د عاطفۀ ای بهم پیوسته اند . نری را به شدت احساسی نمایم سروکار داریم . به عبارۀ دیگر عام عبارت از یکدسته ذهنیت های که باشی معین یا فعالیت معین بوده و قسمایر شعوری می باشد سلوک فرد را متاثر می سازد . س عقدۀ عبارت از وسوسه مخالف ترس ها و تنفرات اغراق آمیز فاده میکند .

دانست که ذهن هر کدام مانناشته و هر یک ما از بلوغ و فعالیت پیوسته در تماس هستیم و آنها را به دذهن خود جمع آوردی می نمایم گفته می توانیم بیشتر اوقات

بیان فرستاده‌های شما: شعر - قصه - مقاله - حکایت

بازتاب هنر

امروز پیشرفت‌های در ساحت‌های مختلف است و ما شاهد شکوفایی توجه در ساحت‌های هستیم که نتیجه ز انسان است. علوم اجتماعی و که نوعی فعالیت‌ها بشناسد و منشأ و مطالعه کرد و و پیر تشریحات لازم را ا واضح است که این شناخت عینی بود و واقعیت‌های فلسفی است.

امروز با دستیاری علمی دانشمندان و اساسی و فلسفی پدید آمدن طرز دید و قضاوت‌های بشریه‌ها عینی بود. دیا لکتیکی دارد. علم معاصر هنر میکند (هنر از انواع انسان است که من واقعیت جهان خارج یا جامعه) در چهار (تصاویر هنری) است.

در تعریف فوق‌بیا کرکتر (قهرمان فشاری به عمل آمده حقیقت فقط همین است که آثار هنری و ما از اینجا گفته می‌شخص هنر فقط تصاویر هنری هنر کرکترساز اثر خویش را از دست دیگری در می‌آید و کرکتر میگویند که که نویسنده، شخص

متداول در غرب سروکار داشته‌اند و ظاهراً دید و برخورد مارکسیستی نسبت به این مسایل از قلمرو و بررسی‌های آن دوره مانده است به علاوه بایان این مباحث نگارنده پایه فلسفی و علمی خود را به هنگام نقد مشخص آثار ادبی معاصر روشن می‌سازد.

به تأیید اندیشه فوق‌اضافه میکنم که جای شک نیست، انواع فعالیت‌های انسانی همه در خدمت بشریت است و جهت تسلط و استفاده و شناخت انسان از محیط پیرامونش و مهار کردن مشکلات و نابسامانی‌ها در حرکت است ولی هر عملکرد بذات خود جهات مشخصه را اختیار میکنند و در پروسه و پیشرفت خصوصیت‌های را تبارز میدهند که مختص به آن عمل و انگیزه است جهان

انسان دانستند و آنرا «تعالی» «آلایش» غرایز مختلف غریزه جنسی شمرند و بهر جهت برای خصلتی راز مانند قایل شدند. چنانکه یکی از تیوریسن‌های معاصر چنین ابراز نظر میکند که: «لذا سودمند می‌شمریم که تحت عنوان «در باره بعضی مسایل هنر» شرحی اجمالی تدارک ببینیم و آنرا مدخلی بر گفتار محتمل بعدی قرار دهیم که اگر زمانه و فرصت امکان پدید آورد در آن گفتار به مسایل معاصر تکامل هنری در کشورمان بپذیریم، بحث کلی در باره عمده ترین تحولات و اصطلاحات استه تیک و هنر از دیدگاه مارکسیستی از آنجا سودمند است که در دوران رژیم‌های قبلی هنر مندان و اندیشه‌وران ماناچار بیشتر با تیوری استه تیک

با همه کوشش‌های دانداری که جهت شناخت مسایل هنری بعمل آمده است با آنهم این مباحث بسنده نبوده و هر آنجا آنرا نمود که این کاوش‌ها گسترده‌تر بعمل آید و در معرفی پدیده‌ها قناعت اکثریت، ذوق‌مندان فراهم گردد.

زندگی اجتماعی ما در عصر حاضر تغییر زیادی نموده و این تحول موجب تحول در وضع خواننده و نویسنده روزگار ما گردیده است، اگر بتاريخ بشر نظر اندازی کنیم به صراحت ملاحظه کردیم می‌توانیم که بشر جهت شناخت پدیده‌ها تلاش‌های ذهنی فراوانی به خرج داده‌اند و کماکان توانسته است در باره پدیده‌های ماحولش تصویری داشته باشد اما چه خوبست که در هر دوران تکامل اجتماعی ما با سطح عالی‌تر تکامل مواجه باشیم.

نگارنده مبحث کنونی علاقمند است تا در باره شناخت هنر و مسایل مربوط به آن از دیدگاه فلسفه معاصر مطالبی ارائه دارد.

در باره تعریف هنر در گذشته‌ها سخنان بسیار گفته‌اند، ولی تا آنجا که ملاحظه شد در تعریف‌های مذکور، اتحاد نظر کلیسی موجود نبود و بیشتر توجه به کیفیت کلمات بود نه ذکر موضوع چنانکه عده عقیده بر آن داشتند که پدیده‌های اجتماعی چون هنر فلسفه نجوم و غیره تعریف و شناخت معین و ثابت ندارند به طوری که پدیده‌های فوق‌النزدیک بهم شمرده و به تفکیک انسان اهمیت نمی‌گذاشتند، چنانچه در اروپا در سده‌های میانه برای

آوای ملکوتی

صدای می‌شنوم

آوای زنده گسی بخش در گوشم طنین می‌اندازد

از شکوه و هیبتش و جودم می‌لرزد و از مهر بی‌دریش قلبم آکنده میگردد.

صدای آسمانی است، انگار از ژرف آسمان و پهنای گیتی و فضای نامحدود به گوشم می‌رسد و مرا با اشتیاق به‌شنیدن و مهر و رزیدن میخواند.

این آوای سحر آفرین پر از صفا و صمیمیت، مرا هر دم به دیار آشنای محبت می‌گشاند، به من نیرو می‌بخشد و میل به زندگی کردن را بیشتر می‌سازد و زندگی‌ام را مانند فروغ سحر

میان فرستاده‌های شما: شعر - قصه - مقاله - حکا

است و این خواست خواه به شکست مستقیم یا غیر مستقیم باید تجا کند .

مرد می بود ن هنر ووا قعی هنری رسالت تا ریخی دارد. هنر مندان واقعیت گرا قهر مان ها خود را از میان مردم می گیر ند بیشتر توجه به هنر ریا لیستی دارند یعنی هنر مند میگو شد بیشتر کار هنر یش بر اسا واقعیت های عینی استوار با شد اشکال (شکل گرای و طبیع گرای) هنر واقعی باید بتواند مردم رخنه کند و از مردم نماند توجه به مساله مردم بود ن هنر در حقیقت رسالت هنر مند را در جامعه مشخص میکند .

در شرایط انقلابات دموکراتیک خلقی بودن هنر بیشتر از پیش در خور توجه است و پیشروی این ساحتها زمینه نشو و نم انقلاب کلتوری سالم را مهیا ساخته و جلو هنر به ابتلا کشیده بورژوازی گرفته میشود .

خلاقیت هنری .

تمثیل هنری ، استعداد، ایجاد تصاویر نوین حسی یا فکری است در ضمیر ، بر بنیاد تأثیراتی که انسان از واقعیت کسب کرده و پس در آن تغییر و تبدیل های پدید می آورد .

ویژه گی های دیگری نیز در مورد آثار هنری وجود دارد که در حقیقت همه آن بازتاب هستی و واقعیت و بیان و شیوه ادراک را ارتقا و پر هیزی مجسم می سازند .

نقش اجتماعی هنر نیز یکی از مسایلی است که خط تعیین کننده وفای آن را برای هنر ایجاد نموده است ، این نقش شامل موضوعات مختلف از قبیل رابطه هنر با خلق مساله طبقاتی هنر ، مساله (هنر برای هنر) و غیره می باشد. در عصر کنونی که عینیت و واقعیت جهت مهمی را اختیار کرده است توجه به واقعیت هنری و خلقی بوده، هنر بیشتر کسب اهمیت نموده پیوندهای متقابل بین هنر و مردم در این سخن نهفته

اثر هنری .

شکل هنری سازمان درونی و ساخت مشخص اثر هنری است آن را با کمک وسایل خاص تصویری و بیانی به منظور تجلی و مجسم ساختن مضمون ایجاد میکنند .

شکل هنری اثر هنری بسیار گونه گون است و دارای عناصر مرکبه مختلفی است ، مهمترین عناصر مرکبه شکل عبارتست از سوره یا واقعه (بافت داستانی) زبان هنری ، تصویری و بیان مانند سخن ، و زن ، قیافه هم آهنگی صوتی ، رنگ ، خط ، رسم ، سایه ، بعد ، ساخت (تکتونیک) صحنه آرای ، مونتاژ و غیره و غیره .

آفرینش هنری ، تخیل هنری الهام هنری ، قریحه هنری ، نبوغ هنری نیز مسایلی هستند که لازم به توضیح دارند و اجزای یک اثر هنری را تشکیل میدهند، ایجاد یک اثر هنری یک آفرینش و یاک خلاقیت است ، خلاقیت دارای انواع مختلف است مانند خلاقیت فنی ، خلاقیت علمی

تفاوت های زیادی می پر دازند .

است که تصویریده میشود و ایجاد هنر مند میگویند. هنر مند که در آثار خود تصویران ساخته بتواند تمام هنری خالی از تصویر است این تصویرها را شعر ، موسیقی، تیاتر ، مجسمه ، دیزاین مشاهده کرد .

خصوصیات اثر هنری مسایل عمده بحث میدهد توضیحات میداریم و این توضیحات مفید شمرد بحث باال خواهیم کرد شکل و در اثر هنری دو طرف در تعیین یکدیگر تأثیر

ن هنری یعنی بازتاب نوع طبیعت در زندگی انسان و مناسبات شکل استه تیک در یک

هفتاد، هشتاد سال پیش، گاهی بیچاره آدم هم مورد معاملات قرار میگرفت و کار پول را انجام میداد.

ول

گردید از آن آمده در اصل لو کو چکی بوده از آهن و بجای رواج داشته است . در توار مسطور است که وقتی لشکر بفرماندهی ژول سزار بر قو بریتانیک ها (اجداد انگلیس کنونی) دست یافت معلوم شد در میان آنها نیز وسیله معاملاتی لو له های کوچکی بوده از آهن یا از مس . در همین عهد حاضر نیز در کمپوچیا پولشان لو له های لوزی شکلی است از آهن. رفته عادت بر آن جاری شد

قدیم که اجداد آلمان های امروزی هستند اغلب در موقع تنبیه و سیاست کسی که مرتکب جنایتی شده بود عده ای گاو و گوسفند از او می گرفتند .

در جاهای دیگر وسیله معاملات اجناس دیگری از قبیل کبریا و عاج و گرد طلا و چیزهای دیگر از این قبیل بوده است . مخفی نماند که تا هفتاد ، هشتاد سال پیش خود آدم هم چه بسا اتفاق می افتاد که وسیله معاملات قرار میگرفت یعنی بنده فروشان یا اشخاصی

بوده به معاوضه اجناس متوسل می شده اند یعنی جنسی میدادند و جنسی دیگر در عوض می گرفتند مثلا گندم میدادند و پشم و پنبه دریافت میداشتند و حتی همان طور که هنوز هم در بعضی ممالک متمردن در موارد بسیار معمول است بکارگر و فلاح بجای مزد و حقوق جنس میدادند کم کم با وسعت یافتن دامنه معاملات احتیاج به یک وسیله عملیتری محسوس گردید و مردم به وسایل مختلف توسل جستند و هر

پول « اصلا یونانی است «اوبولوس» یونانی آمده هم اسم واحد وزن و نام ده است . ولی تاریخ قدیمی تر است. پول ز فلز و مسکوک نبود و شکلهای و صورت های رآمده تا باین شکل رسیده است . در بعضی بیگانه بمزد «سالر» و این کلمه اصلا لاتینی به معنی نمک بوده چونکه دریم مزد کارگران رابا

عقده حقارت...

رغم شعوری می باشد پیدایش عقده حقارت
اکثر روانشناسان در دوره طفولیت جستجو
نمایند عقیده دارند که علت پیدایش عقده
حقارت را رفتار خشنوبی رحمانه ایست که
مورد بعضی کودکان اعمال می گردد آنان
طرف والدین ودر مجموع از طرف اقوام
حقارت به نظر حقارت دیده میشود اطفالی که
موقع طفولیت لت وکوب میشوند بدون
آنکه در ردیف خطر ناک ترین دسمنان جامعه
ار خواهند گرفت یکی دیگر از روانشناسان
کتر مالک دوگال در باره می گوید «تقریباً تمام
مال بدون استثنا بیش از تنبیه و خشونت
تشویق و برانگیختن حس اعتماد به نفس
نیاج دارد چه بسیاری از اطفال در اثر
ان سبب و محرك از استعداد خلاقه خود بی خبر
ندادند و فقط يك تذکر کوچک باعث ظاهر
شدن آن شده است علایم عمده و غیر عمده می باشد
زمره علایم غیر عمده می توان چنین ابراز
نمود کرد : علایم غیر عمده مولود روش های
بیستی غلط دوران طفولیت است که به ترتیب
می توان از مشخصات آن اسم گرفت .

- ۱- فعالیت های بی آرام نشانه ایست که فعالیت های مثبت ندارد .
- ۲- فرار از مردم و اجتماع .
- ۳- حساسیت و شکسته نفسی .
- ۴- منفی بودن .
- ۵- کم حرفی .
- ۶- خرده گیری و بدبینی افراطی .
- ۱- فعالیت های بی آرام نشانه ایست که شخص احساس نارسائی و کمبودی
نماید و برای جبران آن بیش از دیگران
اجرای وظیفه می پردازد و وظیفه بیش از
دیگران انجام می دهد تمام فعالیت ها و مجاهدات
هدف نتیجه این عقده می باشد .
- ۲- گریز از اجتماع بیشتر زانیده ایست
که شخص در ایام کودکی مورد تحقیر
قرار گرفته که در نتیجه میان جمع و در حضور
مردم نسبت به خود احساس حقارت نموده و
خود را بی ارزشی می داند .
- ۳- حساسیت زیاد و شکسته نفسی ، علت
آن است که شخص از يك خاطره نفرت انگیز
بجای می برد .
- ۴- منفی بودن : این خصوصیت رami توان

خاطرات گذشته می باشد قرار ذیل است :

۱- ترس درین حالت روحی ، کشمکش
روحی انسان به درجه می رسد که دیگر اعصاب
تاب تحمل آنرا ندارد و مقاومت تمام نیروها
به انتها می رسد .

۲- فرار از زندگی : در دنیای امروزی که
فقدان دل بستگی های عاطفی موجودیت عقده
حقارت و ماجراجویی و غیره حاکم است بعضی
از انسانها مبتلا به عقده دست به قمار زدن ،
شراب نوشی ، پناه بردن به مخدرات و غیره
می زنند تا از این راه عقده های خویش را به
فراوانی سیارند .

بر علاوه علایمی که ذکر گردید مشخصات
فوق نیز در زمره علایم عقده حقارت شامل
است .

- ۱- فقدان آرامش در مجالس .
- ۲- انتقاد کردن بی جا از دیگران
- ۳- ترس از پذیرش انتقاد
- ۴- اجتناب از پند و اندرز دادن
- ۵- میل به جبران بیشتر و لاف زدن .
- ۶- موجودیت حس حسادت .

این را باید دانست که عقده حقارت درد
بی درمانی نیست و برای رفع این درد راه های

موناگون وجود دارد که مهمترین اش روانکاوی
است یعنی تجزیه و تحلیل افکار درونی اشخاص
برای این کار به وسیله خواب مصنوعی
مصاحبه و رجوع به سابقه بیمار، تعبیر و تفسیر
رویا ها اقدام میشود برای رفع تقیصه جسمی
و بدنی باید استعداد و شایستگی هائیکه در
نهاد ما پنهان اند ظاهر ساخته شوند تا در
نظر خود و دیگران باعث جبران کمبودش
گردد .

اگر شخصی در طفولیت تحقیر شده و آنرا
خاطرات تلخ طفولیت رنج می دهد باید کاری
کند که مورد ستایش و تمجید قرار بگیرد هر
چند وصول به این هدف دور باشد و یا به طول
انجامد ولی بالاخره نتیجه خود را داده و جای شخص
را میان اجتماع و اطرافیان باز خواهد گرد
برای غلبه بر احساس حقارت باید هدف
نیک انتخاب شود و در راه رسیدن آن موانع و
هراس در دل راه داده نشود اکثراً همینکه
به مانع برخورد می نمایند و یا اندکی در رسیدن
به هدف به موانع بر می خورند نا امید شده
و احساس حقارت بر آنها غلبه می نماید ،
در حالیکه سعی و مجاهدت در راه وصول به يك
هدف طبیعی و واقعی هرگز منتهی به ناامیدی نمیشود

- ۱- شخص باید از وجود
عقده حقارت توصیه می نمایند
- ۲- سعی نمایند تا علل
دریابد .
- ۳- بگویند تا قیامت خود را
توانایی اش را به اثبات برساند
- ۴- به دیگران بدبین نباشد
- ۵- به خصلت های پسندیده
فیودات اجتماعی را بداند
- ۷- کودکان را باید به سخن
و کار واداشت تا از احساس
تردید رهایی یابند .

من هم يك...

ایالت و اشنگتن که (شصت و
شش) فیصد نفوس آنرا سیاه
پوست تشکیل میدهد در آشوب
های تابستان گذشته شهر های
دیگر حصه نگرفته بود ولی به
مجرد شنیدن قتل کنگ در هم
جمع شده و جمعیت غم زده و
غضب آلود را که سخت از احساسات
بخود می پیچیدند متشکل ساختند
مردم زیر تاثیر بیانیه (چارمیکال)
رهبر جنبش قدرت سیاهان
قرار گرفته بودند .

چارمیکال فریاد برآورد
«بخانه های تان بروید و تفنگ
های خود را بگیرید سفیدپوستان
به کشتن شما می آیند » من نمی
خواهم خون سیاهان بروی کوه
ها بریزد بخانه های خود بروید
و تفنگ های خود را بدست خود آماده

در هفته بعد از قتل کنگ
(یکصد و شصت) شهر و قصبه
امریکا در آتش نا آرامی می
سوخت و در حدود (هفتاد و سه)
هزار نفر عسکر و قوای گارد ملی
در سراسر کشور به خدمت
گرفته شده بود درین ماجرا
(بیست و چار) هزار نفر مجبوس
و صرف (چهل و سه) نفر کشته
شد و چنان می نمود که با وجود
تحریک يك عده رهبران سیاه
پوست امریکا از يك جنگ سراسری
نژادی نجات یافته بود .

در اکثر شهر ها ما مورین عالی
رتبه شخصا برای برچیدن آشوب
در محضر عام ظاهر می شدند
بناروای های (نیویارک) و
(کلیولند) در محلات آشوب زده
بقدم زدن می پرداختند و تأثیر
شانرا ازین جرم به سیاهپوستان
اظهار میکردند و جوانان را تشویق
می نمودند به آشوب پایان دهند .

قتل و دفن شوهرش
معلوبه عا تی تشکیل داد
« امیدوارم شما دو
ستانیشگران کنگ با
رویا های اوسهم بگیرد
گفت روز دو شنبه يك
مراسم تدفین کنگ با
کلان خود به ممفیس
بودم تا در مارش خا
شوهرم پلان آنرا قبی
چیده بود حصه گیرد
عظیم طوری که کنگ
در يك فضای صلح آمیز
گرفته بود . کورتیا
لباس سیاه به تن کرد
انوه عظیم مارش کرد
گفت ... چند نفر دیگر
خود را از دست بدهند
يك اجتماع صلح آمیز
بتوانیم و بسرای
هدف مهم چقدر وقت
بماند .

عنوان من فدایت

آن شب فاصله همه چیز خود را از دست پدر، مادر، خواهر و کاشانه بی راکه ز ندگی داشت.

صبح فردا فاصله در همان روستا در یکی از خویشاوندان خود زندگی میکرد.

گذشت و انقلاب وارد مرحله نوین خود در واژه های زندان ها گشوده گردید مجبوس سیاسی آزاد گشتند و به میان های خود برگشتند، مختار برا در هم در این میان بود که به زودی برای ظایف تازه حزبی و دولتی خود عازم گردید و چون از آنچه برای خانواده او متبذره بود آگاهی یافت. مصرا نه خواست فرشی نزد او رود تا هم به درس خود بد و هم درد و غصه اش را از یاد برد فاصله در راه هرات بود، همراه با دیگر و غرق در اندیشه های خود.

کوچک همه چیز را به برادر بازگفت، او گریست و از غصه مرگ پدر و درد بدن مادر سخن ها گفت، قلب کوچکی درد بود، درد هایی که روی هم انبار اند و راه فرار می جستند و اکنون این یافته بودند.

آنها چنین کردند، چرا مادرش را پدرش را در خونش غوطه و در خانه شان را طعمه آتش ساختند؟ باز بانی ساده به بیان علت هسا تا آنجا که فاصله سو گند خورد انتقام تا پایان ز ندگی با ضد انقلاب بجنگد، همین شده بود.

روز با عضویت حزب درآمد و این دو بارم دنبال کرد.

او قاطعانه و آشتی ناپذیر بود، اسلحه گرفت و در مبارزات با ضد هرات سهمی موثر گرفت، هنوز وورود او به این شهر نگذاشته بود که سنا برای همه بود.

سالها فان در آن صبح آخرین روزهای در آتش جنگ میسوخت، عده بی از انقلاب که در این روستا جا یگزین

آخرین لحظات ز ندگی اش، قیافه مادرش در حالیکه در خون خود شناور بود، منظره خانه شان که آتش آنرا در کام خود فرو برده بود پیش چشمانش میرقصید و وقتی لحظه ای از فیر کردن باز می ایستاد دو ران کو دکشی اش به یادش می آمد، گریه های شبانگاهی مادرش که به خاطر قرض هایی که هیچ وقت مجال پرداخت شدن را نمی یافت اشک می ریخت، وفات خمیده پدر سالخورده اش که از نماز صبح تا شام روی زمین کار میکرد که هرگز از او نبود و حتی نیم محصول آن هم به خودش تعلق نمی گرفت. اشک در چشمش لانه میکرد و خودش را به یاد می آورد که چگونه در پنج سالگی مجبور بود با آن دست های کوچک بوی رمقش در زمین را باب به تئور دازد تا شاید محصول بیشتر گردد و در همین حال بود که فیر می کرد، بی پروا فیر می کرد، بی ترس

وهراس در سنگر جا به جا می شد و هرگز به مرگ نمی اندیشید.

و در آن با مداد، در آن سپیده دم روز ۲۲ حوت سال ۱۳۵۹ هم همین طور بود، محل مبارزه قریه شالبافان هرات بود و او هم چنان می جنگید، تا اینکه در تیر رس دشمن قرار گرفت مرمی بی فیر شد و درست در قلب او نشست قلبی که به خاطر مردم و به خاطر پیروزی می تپید و چه حیف شد که این قلب، این قلب حساس از حرکت باز ایستاد، روحش شاد باد فاصله دختری که هنوز شانزده همین بهار زندگی را ندیده گل ز ندگی اش پژمرده و برای همیشه پژمرد. او دختری بود حماسه آفرین و زندگی او خود حماسه بی بود شور انگیز.

بقیه صفحه ۶۶

حوانان و روابط خانوادگی

اظهار محبت و نوازش از طرف مادر فقط نسبت به طفل میشود و پدر طفل را فراموش میکند.

زن دانا و فهمیده با ید پس از وضع حمل شوهر خود را از محبت و نوازش محروم نکند.

مرد همیشه منتظر آن است که زوجه اش نسبت به وی علاقمند باشد و اظهار محبت باو کند و از حیث جنسی رضا یتش را بدست آورد.

طبعاً اگر شوهر محبت کافی از جانب زوجه ندید و رضایت جنسی او بدست نیامد به انحراف کشانیده میشود.

کمی ذوق:

بسیاری از زنان عادت بر این دارند که قدر و قیمت شوهر خود را کم کنند و در باره تنبلی و بی اعتنائی اوداد سخن میدهند و اشتباهات شوهر را برای هر کسی تعریف میکنند. و مثلاً میگویند اگر یک روز خانه را ترک گفته و آنرا بدست

و این احساس در نفس او تاثیر بسزایی دارد و او را از خو یشتن متنفر و بیزار میکند و به طور یکه علم روان شناسی ثابت کرده است هر یک از ماسعی و کوشش داریم گناه را بگردن دیگری گذاریم و اگر شوهر اندیشه را در این باره زیاد ادامه دهد احساس نفرت بزوجه خود می نماید، زیرا زن مایل است با فرو ریختن اشک شوهر را مقصر قلمداد کند.

بعضی ها را عقیده بر این است که اگر زن باخوش رفتاری با خنده و عشوه بجای بد رفتاری و گریه و زاری در خواستی از شوهر نماید، زود تر خواستش قبول میشود، بدون آنکه تآثر و انفعالی بطرفین دست دهد و در این حالت شوهر از ته دل و در کمال رضایت خواهشات او را بر آورده خواهد ساخت.

محرومیت از نوازش:

علت بیشتر زنا شوی های که با

بشنود.

ممکن است در موقع که روی خود خواهی و نادانی اشتباهات یا کار های خ شوهر را برای دیگران همگی و حتی شوهر بنای بگذارند ولی شوهر کینه خواهد گرفت.

پس زن دانا و فهمیده با شوهر را نزد دیگران مرع از کوچک کردن وی بهره سعادت زندگی زنا شوی آ

بماند. و نا گفته نباید گذشت مساله اگر از طرف شوهر زن بکار گرفته میشود، مرد عام و تمام دارد.

پس بهترین روش و خوشبختی در زندگی خانو همانا داشتن روحیه متقابل محبت، یک رنگی و ...

بقیه صفحه ۱۳

مساله محو ته

طی این جنگ عاشق زنده حیات بوده ایم. خوشی بود که می توانستیم نور را به چشمان یک مجروح باز گردانیم. این یک انکار ناپذیر است که مرد شوروی از صلح بشدت دوستی می نمایند. چه صلح بحد گنجینه گرا نبها نزد همه ملل صلح دوست و ترقی قابل قدر است.

ما دکتوران یک وظیفه راپیش می بریم که عبارت علیه مرگ و تحدید حیات است.

ما باید حقیقت را در عواقب ممکنه جنگ ذروی کنیم و صدای خو یش را بلند در دفاع از صلح برو بمردم جهان بشنوانیم.

می آموزیم و کار می‌کنیم...

گردد ه است ؟

بدر سیالیکه گذشت پس از
تشکیل رسمی سازمان پیش -
آهنگان افغانستان که ما در میان
کمیت ناچیزی از کودکان و
نوجوانان کار می نمودیم و لی
اکنون در مرکز و تمام ولایات
کشور شورا های قوی و مستحکم
پیش آهنگی موجود اند که در میان
کمیت قابل ملاحظه ای از کودکان
و نوجوانان با کیفیت بهتر کار ما
جریان دارد . شورا های رهبری
پیش آهنگان تجربه و معلومات
بیشتری در کار با اطفال و نو
جوانان کسب نموده اند . کارموثر
و مفیدی در امر تربیت و پرورش
کودکان و نوجوانان در سازمان
پیش آهنگان افغانستان صورت
گرفته و روز تا روز گسترش
می یابد .



ما وجوه های پیش آهنگی تنظیم
پرورش و تربیت سالم نمایند . هر
کودک و نوجوان بین سن ده تا
پانزده سالگی که علاقه مند
شمارد در سازمان پیش
آهنگان افغانستان بود ه حاضر
باشد در دسته های پیش آهنگی
تنظیم گردد میتواند با یاد نمودن
سوگند رسمی سازمان پیش
آهنگان افغانستان در حضور
رفقای جوقة اش عضو یست
سازمان پیش آهنگان افغانستان
را کسب نماید .

- نظر به سال گذشته چه
تغییراتی در کار و فعالیت سازمان
پیش آهنگان افغانستان رو نما

و صد نفر کودک و نوجوان
های مختلف کشور و
ای دیگر از فعالیت های
پیش آهنگان افغانستان
توجه جدی حزب
بک خلق افغانستان و دولت
دموکراتیک افغانستان
پیش آهنگی در کشور
گرفته است .

رسالیکه گذشت بچه تعداد
پسرز حمتکشان افغانستان
مان پیش آهنگان افغا -
جذب شده اند و بچه
از آن ها به سازمان
نیک جوانان افغانستا ن
دوده اند ؟

سال گذشته بیش از بیست
ار کودک و نوجوان در
ما وجوه های پیش آهنگی
گرفته و آنانیکه سن
را تکمیل نموده اند به
های سازمان دموکراتیک
افغانستان معرفی شده

سازمان افغانستان در
ن مربوط خود برای چه مدتی
بیه گرفته می شود
ز طی چه مرا حلی می توانند
سازمان دموکراتیک
افغانستان را حاصل

سازمان پیش آهنگان
ستان در بین کودکان و
نان دارای سن ده تا پانزده
کار می کند ، هر پیش
بعد از تکمیل سن پانزده
و گذشته اند و در
کتابخانه های

قیه صفحه ۲۵

فریاد کودک...

فریاد خفه شده ی همه اطفال
جوامع از انکشاف بدور نگه
شده است که به سازمان
گو ناگون هو شدار میدهند
هو شدار بر اینکه اگر تا مین
صحی بیش از این باشد ،
مادرانی در دوران بارداری
شیردهی از غذا ی بهتر بهر
گردند ، اگر پیشگیری امرا
ساری در سطح ملی میسر
اگر چا مع بتواند همه ی
های استثمار گرانه را بدور
و تعلیم و تربیه را تعمیم
خانواده به مرکز پرورش
بدل گردد ، اگر قوانین تازه
سالاری را جایگزین هر
سالار منشی دیگر گردانند

تجاوز ی گرفته شود که
وجدایی و یا اختلافات
زن و شوهر روان کودک
گون پرورش ندهد و اگر
دشواری ها و نیازمندی های
را نادیده بگیرد بدون شک
با فاجعه هایی از این مانند
بیش از چهل درصد کودکان
پیش از سن مکتب بمیرند
نیز بیمارگون ، بیسواد ،
و مایوس بار آیند و پرو
بود و آنوقت اطفال صح
امروز مردان نیرومند فرد
بود که روزن های تازه ی
رابروی توده های میلیو

مجروح خواهند گشتود .
«سیمینا ر ملی در مورد
قانون در افغانستان» که
سه روز از پانزده تا هف
سنبله به ابتکار وزارت
به همکاری اداره یو نیسف

زندگانی سیاسی...

حسادت ها ، تو طئه ها و کار شکنی های گرو هی از حدودان کار خود را همچنان با متانت دنبال کرده است دچار تردید نشده تا توانسته به یاری تپی دستا شتا فته . بر معلومات ، تجربه ودانش خود افزوده به کارهای اجتماعی و خیریه پرداخته است در غنای زبانی و ادبیات ترکی و دری کوشش های فراوانی به خرچ داده است اینکه ما نام او را پس از گذشت سده ها گرامی گرامی می داریم و این گرامی داشت را سزاوار است که چراغی فراراه توده ها افروخته است کتاب زندگانی سیاسی علی شیر نوا بی دارای ضمیمه ای از فهرست نام های مردان ، زنان ، اماکن ، موسسات ، قبایل و زبان هاست که کوشش آید با بیانی با این ارتباط قابل تذکر است . اگر از چند مورد غلطی طباعتی کتاب که اندک شمار است بگذریم . قطع صحافت ، و چاپ کتاب قابل پذیرش است . و همچنان ترجمه این کتاب روان و قابل استفاده است فقط باین یاد آوری که واژه های عربی به فراوانی بکار گرفته شده است .

زده نمی شود . سرانجام کوشش های مذکور حانه حدودان بی ثمر می ماند . در تاریخ نمونه های فراوان در دست است که دشمن متفکران و اندیشمندان ، شایستگی ، لیاقت و دانش شان بوده است به گفته مولا ناجلال - الدین دشمن طاووس آمد پراو... فصل چهارم و پنجم کتاب به روزهای از نظر افتادگی علی شیر اختصاص یافته ، روزهایی که رابطه اش با کارهای دولتی تقریباً قطع میشود اما چه فرق می کند او تنها دولت مرد . نیست اوشاعر محقق ، دانشمند و نویسنده است در روزهای دوری از دربار اندک ترین خستگی و ملال به او دست نمی دهد .

همچنان به مطالعه ، تحقیق و آفرینش آثاری می پردازد و شعر می سراید بسیاری از شعرهای شاعران متقدم را جواب می گوید و آنها را پدید می آورد همانند لیلی و مجنون ، شیرین و فرهاد حیرت آبرار ، که با سخی است مخزن الاسرار نظامی را ، آخرین بخش کتاب جستجویی است در آخرین سال های زندگانی میر علی شیر نوا بی که با وجود همه

د ۲۱ مخ پاتی

غلاشوی مغز و نه..

پانگه وال لویدیز ذهنیتونه په دغه برخه کی په کلي تو که مختلف دی . او نوی استعمار چیان خپلو پر نسبیو نو ته پوره وفادار دی : هغوی د هغو ستونزو او خنډونو څخه بهره برداری او گټه اخلي ، چی دودی په حال کی هیوادونه ورسره مخامخ دی ، کوم وخت چی د لوړ مهارت

لرونکی افریقا یان او آسیا یسی

ک زنا ن و جوانا ن و سره
تالار ریاست طبوقایوی
مویدی است بر این
را هم آوری زمینه های
ی بهبود زندگی کود ک
ن بار در کشور ما به
ی و عمیق به طرح می آید
نشانده این واقعیت
دایر کنندگان سیمینا ر
شناخت عوامل دشواری
گی طفل خواهان آنند که
د آوری شرایط وضوابطی
شکلات فایق آیند و تامينات
در ساحه های زندگی
به کود ک تدارک ببینند.
سیمینار کو تا ه مدت
ش از چند جلسه دایسر
و از این روی امکان
ی در اخذ تصمیم و توصیه
وری آن وجود داشته
کیفیت نکاتی بسیار
به طرح و تحلیل آمد که
مخترانی های صرف
و اکتفا نگردد و پیشنها د
طرح آمده هر یک به
مدا گانه مورد بررسی
و دقیق تر قرار گیرد
و سازمان های شرکت
آن نیز هر یک در بخش
را هم آوری زمینه های
عمل کرد بر توصیه ها
و همکاری چند جانبه نیز
حفظ گردد بدو ن شک
گروپ های جدا گانه
اعی طفل ، صحت طفل ،
تخدا م طفل و تعلیم و تربیه
مینا ر طفل و قانون به طرح

راخی د مثال په تو که هندو
په نظر کی ونیسو . د هند
ډاکتران د باندی په خارج کی
کوی . په داسی حال کی چی
دهند د سختی اپتیه کبله په کد
سیمو کی چی شمیر یی په سل
۸۰ ته رسیږی د هرو لسو زر
لپاره یو اخی یو تن ډاکتر لری
که چیری دغه رقم د بریتانیا
انهولشی ، نو هلته د هرو
اوسیدونکو لپاره یو تن ډاکتر
بوخت دی . هند همدا رنگه د
او تکنالوجی په مهمو څانگو
دریسرچ یا څیړنی د کار کوو
متخصصینو د کموالی سره
دی . په داسی حال کی چی د
په شاوخوا کی ریاضی پوه
فزیک پوهان کیمیا پوهان او بیو
جستان یی د امریکی متحده ای
د فیدرالی آلمان جمهوریت ، پر
اودامی نورو لویدیځو هیو
ته تللی دی .

په پنځو تیرو کلونو کی
کال کی د طب فارغ التحصیل
سلو کی ۷۰ له پاکستان څخه
دی . په سریلانکا ، فیلیپین او
نورو آسیایي هیوادونو کی هم
او حالت په همدغه شکل دی

هغه اخلاقی او اقتصادی
یا کمزورتیا چی له دغه کبله
په حال کی هیوادو نو لپاره
ده ډیره لویه او پراخه ده ، دمط
راپور و نو له مخی د مغزو
والی یا په بله ژبه د مغزو نو غ
همدا اوس د غو هیوادو نو
ملیونه ډالره خساره یا تاوان
دی .

ددغو پیسو شمیر په مجم
ډول په بی سازی توگه د هغو
د شمیر څخه ډیر زیات دی ، ک
دنوموړو هیوادو نو په وسیله
شوی متخصصین او کار پوه
بیا خپلو کورو نو ته استوی

په لویدیز کپیټالستی سیستم کی
داسی نما یندگی شته دی چی د هغوی

استاد میرزا ترسون...

در آغو ش و طن فضل و کمال نو به نو یابم .
جهان داند که بی ظلم و اسارت من جهان دارم .
سرود این دلشاد مراهیچ انتهای نیست ،
بوصف کشور آزاد صدها داستان دارم .
زمین تا جیکان گل کرد ، باغ تاجیکان گل کرد ،
دل خرم ، سر سبز از بهار تا جیکان دارم .
به قانون نامه خود پرتیه باخط زو بنوشت ،
حقوق خلقها را بین چه بخت جاو دان دارم .

تره چندری

به آب و رنگ نو بیدل چو آمد در جهان نظم ،
زرو حسن دگر آموخت باغ و بوستان نظم .
سخن میراند سر بسته نهان می داشت معنی را ،
به مثل دانه گوهر که پنهان است در دریا ،
نه مفتی بود ، نه ملا نه بیتو فوق روحانی ،
فقط میکرد بر دنیا نکه با چشم انسانی .
لنا بر کامدی گویند سرودی از مدن خوانان ،
به تار نظم خود آورده عشق پاک این یاران .
برقص کامدی شیدا ، به آواز مدن مفتون ،
نوشت این نامه عشاق شاعر با دل پر خون ،
بمثل کامدی در حسن و در صنعت جهانگیری ،
توای رقاصه دوران تره چندری - تره چندری .
دل تا جیک و هند و چون دو شمع انجمن افروخت ،
به داغ این دو شمع انجمن افروز بیدل سوخت .
چو دیدم در دیار تو خزان بوستان را ،
نمودم جستجو از کامدی تو نبسته غباری را ،
در آن از کامدی جستجو نشان یاد کاری را ،
بوقت رقص موزونت ، به چشمان پر افسوسنت ،
کبو تر در هوا ، آمو بصحر اگشته مجنوننت ،
بوقت چرخ گردانست بگرد پای پیچاننت ،
نماید جلوه در چشم بر طواس بداماننت ،
بزیر عنبری زلف سیاهست چون قمر دیدم ،
در آن از آفتاب کامدی گویا اثر دیدم .
اگر خورشید بود کامدی تو مانند مه بدری ،
بروی آسمان خود تره چندری - تره چندری ،
غزل میگفت و در می سفت حافظ - شاعر شیراز ،
سخن را داده در وصف شما جاو گران پرداز .
دل تا جیک و ایرانی مجتگا حافظ شد ،
سرود عاشقان همصحب دلخواه حافظ شد .
دل و جان را فدا کرد و برای چشم جاویدی ،
بزلفان سمن بویی ، بخال و خط هندوی ،
«اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل مارا ،
بخال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را» .
بگو ماه نو هند و چسان چون ذره پیدا شد ،
همان خالی که داری در میان ابرو و آن خود ؟

مگر خود زهره و چون مشتری همشیره داری
مگر در خانه ابروی خود گنج نهان داری
که مثل مار زلفان به گردش پاسبان داری
مرم از دوست چون آهوبین سر دلت را گوی
تره چندری - تره چندری ، تو ای با زیگر هندو
اگر با رقص بر خیزی ، هوای فارم انگیزی
زباغ صنعت خلقت به گرد خویش گل ریزی
به جنبش موج دریایی ، به لرزش ریگ صحرا یی
هنر مندو هنر پیشه زسرتا ناخن پای یی
سبک چون پر نیانی تو ، به از آب روانی تو
بکف در گرانی تو ، به تن جانی تو ، جانی تو
مترس از شعله های او لین صبح آزادی
ملرز از باد دهشتناک طوفان مثل شمشاد یی
امید و آرزوی خلق خود را در دلت جا کن
دل پر حسرت آن را به مثل غنچه ای واکن
تو ای فرزند محبوب دیار و کشور بی بخت
سیه چشم و سیه ابر و سیه مو ، دختر سر سخت

بقیه صفحه ۹

دیگر فریاد زن...

خور دار از زیبایی بود
دیزاین و تزئین صفحات
بکار گرفته شود .
هفتگی نامه ژوندون
نشریات مجله زنان افغان
را به دکتور انا هیتا را
بنیان گذار سازمان دمو
زنان افغانستان ، کری
منشی سازمان ، هیات
عظیم شهپال مدیر مسو
و تمام خانواده ها و زنا
کشور تهنیت میگوید و
است مجله زنان افغان
راه تحقق آرمان های
در راه بر آوردن نیاز
فرهنگی زنان کشور و
دهی به خوانندگان
از این باشد و با است
روی اهداف نشراتی خو
فرهنگی خود را به عنوان
وسيله ارتباط جمعی در
دشواری کنونی به ایفا
تا آنجا در ارضای ذوق
و برآوردنی نیازهای دان
موفق باشد که دیگر
کهنه خارجی را می در
خانواده های ماندنا شست
آغاز نشریات ما هنا
افغانستان را گامی در

راه حزب و راه انقلاب ، راه
رهایی زنان ، یاد داشت مدیر
مسوول ، در راه ایفای تعهدات
بمردم ، خطوط اساسی فعالیت های
سازمان دموکراتیک زنان
افغانستان ، کلا راز تگین بنیان
گذار روز جهانی زن ، گرامی یاد
خاطره نخستین کنفرانس سر تا
سری زنان افغانستان ، بنیخه د
سولی به خدمت کی ، شهید زنده
است ، امروز برای بشریت
داعیه جدیتری از صلح و جود
ندارد ، گزارش فعالیت های کمیته
ملی به پیشوا ز کنفرانس جهانی
زن و هشتمین کنگره فدراسیون
دموکراتیک بین المللی زنان ،
فدراسیون دموکراتیک بین المللی
زنان ، مدافع راستین حقوق
سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی
زنان جهان ، حل مسأله زن در
اتحاد شوروی ، استثمار و بهره
کشی بی رحمانه زنان در جهان
آزاد ، به پر مختابی هیواد و کی
دنبخو مبارزی ، زنان قهرمان
فلسطین میروزمند ، شعری از
مشیری ، صفحات شعر ، یسک

شماره (۲۵-۲۶)
سال ۳۳
قیمت يك شماره ۱۳- افغانی



دین لودین کتابتون

